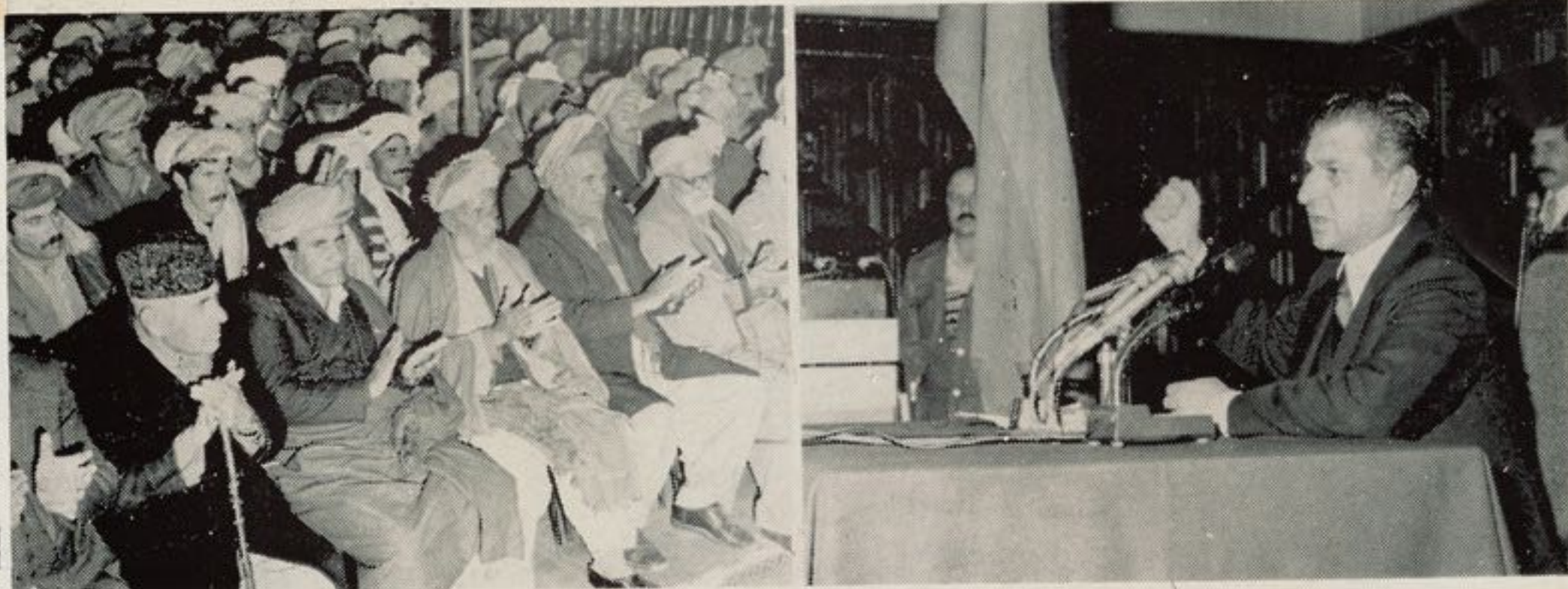


نور



Ketabton.com





ببرك كارمل منشي عهومي كميته مركزي حزب دموكراتيك خلسق افغانستان ، رئيس شوراي انقلابي و صدرا عظم جمهوري دمو كراتيك افغانستان موقعيكه نمايند گان منتخب اقوام شريف ولايت پكتيا را در مقر شوراي انقلابي پذيرفته با آنها صحبت مي نمايند .

افغانستان ، رئيس شوراي انقلابي و صدراعظم جمهوري دموكراتيك افغانستان قبل از ظهر ۱۸ جدي هيأت پارلماني انگلستان را براي ملاقات در مقر شوراي انقلابي پذيرفتند .

در جريان اين ملاقات روي مسايل مورد علاقه طرفين به شمول اوضاع بين المللي در قضا ي دوستانه تبادل نظر صورت گرفت .



ببرك كارمل موقعيكه هيأت پارلماني انگلستان را در مقر شوراي انقلابي پذيرفته و با آنها صحبت مي كند.

ببرك كارمل منشي عومي كميته مركزي حزب دموكراتيك خلسق افغانستان ، رئيس شوراي انقلابي

اختصار وقايع مهمه

هيأت رئيسه شو راى انقلابي تحت رياست ببرك كارمل منشي عومي كميته مركزي حزب دموكراتيك خلق افغانستان ، رئيس شوراي انقلابي و صدراعظم جمهوري دمو - كراتيك افغانستان بعد از ظهر روز چار شنبه ۱۷ جدي ۱۳۵۹ در مقر شوراي انقلابي جلسه نمود .
درين جلسه قانون مكلفيت عومي عسكري بداخل نود ماده و هشتت فصل به تصويب رسيد كه از همين تاريخ نافذ است .



ببرك كارمل منشي عومي كميته مركزي حزب دمو كراتيك خلسق افغانستان ، رئيس شوراي انقلابي و صدراعظم جمهوري دمو كراتيك افغانستان موقعيكه رام ساتي معاون وزارت امور خارجه هند را پذيرفته و باوي صحبت مي كند .

ببرك كارمل منشي عومي كميته مركزي حزب دموكراتيك خلسق



بيرك كارمل بايكتن از نمايندگان منتخب اقوام پکتيا احوال پرسى مى نمايند

بيرك كارمل هنگام مصافحه با چندن از نمايندگان منتخب اقوام پکتيا



سلطانعلی کشتمند گلچس د افغانستان دملی موزیم دآثار دباختر نندار تون دملی موزیم په ودانی کی برانیری.

وروسته دهراسمو په ترڅ کسود افغانستان دخلك ديموگرا تيك گوند دمرکزی کمیته دسیاسی بیرو غړی دافغانستان د ديموگرا تيك جمهوریت د انقلابی شورا د مرستیال او د صدر اعظم دمرستیال سلطا تعلی کشتمندخوا دملی موزیم په ودانی کی برانستل شو .

دکتور انامیتا راتب زاد عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموگراتیک خلق افغانستان ، رئیس

سازمان دموگراتیک زنان و رئیس سازمان صلح همبستگی و دوستی جمهور ی دموگراتیک افغانستان صبح روز ۱۸ جدی در اتاق کارش در مقر کمیته مرکزی با هیات پارلمانی انگلستان که بدعوت سازمان صلح همبستگی ودوستی جمهور ی دموگراتیک افغانستان به کابل آمده بود ملاقات تعارفی بعمل آورد.

تيك افغانستان بعد از ظهر روزجمعه دوازدهم جدی نمايندگان انتخابی مشران اقوام مختلف ولايت بختيارا در قصر گلخانه مقرشورا ی انقلابی پذيرفته ودر فضای نهایت دوستانه وصمیمانه با ایشان صحبت کردند .

دافغانستان دملی موزیم د آثار- وباختر نندار تون دجدی ۱۷ لغرمی

د انقلابی شورا د رئیس او صدراعظم بيرك كارمل په مشر ی د وزیرا نو شورا د جدی ۱۴ د انقلابی شورا په مقر ، ارگ کی غونډه وکړه .

بيرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموگرا تيك خلق افغانستان ، رئیس شورا ی انقلابی وصدراعظم جمهور ی دموگرا -

و صدراعظم جمهور ی دموگرا تيك افغانستان ، رام ساتی معاون وزارت امور خارجه جمهوریت هند را قبل از ظهر ۱۸ جدی در مقر شورا ی انقلابی برای ملاقات پذیرفتند .

د افغانستان دخلك ديموگرا تيك گوند دمرکزی کمیته د عمومی منشی دافغانستان د ديموگراتیک جمهوریت

درین شماره

«انقلاب نور، انقلاب ملی، دموکراتیک و بیاتگر منافع عمیق و اساسی اکثریت اشاعه مردم ما، تمام وطنپرستان واقعی و بش از همه کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان است»

«بیرک کارمل»

شنبه ۲۰ جمادی ۱۳۵۹ - ۱۰ جنوری ۱۹۸۱

انفاد قانون عمومی مکلفیت عسکری

انقلاب شکوهمند نور که بنا بر اراده توده‌های ملیونی زحمتکشان کشور و بکمک و یاری مردی اردوی شهروان ما تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیروزی رسید به حکمروایی ارباب ظلم و ستم‌خاتمه داده، حاکمیت سیاسی را از طبقة مستبد و ارتجاع فئودالی و وابستگان امپریالیزم به زحمتکشان کشور انتقال داده و راه رهایی طبقات رنجبر و استثمار شده کشور را باز نمود و وفق های خوشبختی - سعادت و پیروزی و نجات از قید هر نوع استثمار فرد از فرد و زیستن در فضیلت و مساوات برادری و برابری را در برابر مردم ما گشود.

دولت مردمی ما با طرح پروگرام های مترقی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و پیاده کردن آن در عمل کام های واقعا انقلابی و سازنده را در جهت منافع توده های زحمتکش کشور برداشت و بخاطر ریشه کن کردن میراث های سوم دولت های استبدادی و وابسته به امپریالیزم که در ساحات مختلف حیات اجتماعی اقتصادی و فرهنگی کشور سایه افکنده بود تلاش های انسانی و خستگی ناپذیر خود را آغاز کرد و برای تحقق آرمان های والای انقلاب نور در جهت اعمار جامعه نوین مبتنی بر عدالت اجتماعی - مساوات و برابری در رفاه و فراوانی معیشت هر گونه فقر و مرض - جهل و بیسوادی - بیکاری و بیسوسی تکلیفی، پلان های انقلابی و بنیادی را طرح و به مرحله اجرا گذاشت.

این پیروزی بزرگ و بی نظیر که نصیب حزب و دولت مردمی ما شده بود آتش بجان دشمنان انقلاب انداخت و مرتجعین و همه کسانی که منافع شانرا در ارتقاء انقلاب نور از دست داده بودند به اشاره امپریالیزم جهانی و بکمک ارتجاع منطقه بسیج گردیده علیه انقلاب نور فرار گرفتند.

چنانچه مردم شریف ما شاهد اند که طی مدت تقریباً کمتر از سه سال که از انقلاب نور میگذرد دشمنان انقلاب و وطن و مردم ما با تلاش های تب آلود و دیوانه وار از انجام هر گونه اعمال ضد انسانی - خانانان و جنایتکارانه دروغ نوریزه با افتخار، توطئه قتل و آدمکشی تخریب و آتش زدن مکاتب و غیره اعمال ضد انسانی خواستند تا انقلاب نور را ناکام ساخته و با

لااقل جلو پیشرفت آنها سد نمایند مگر از آنجایی که انقلاب نور متضمن منافع اکثریت توده های زحمتکش ما بوده و دولت مترقی ما به نیروی لایزال آنها اتکا دارد، نه تنها انقلاب به اتمام نه انجامید بلکه روزناروز ریشه های آن در بین توده ها اعم از کارگران - دهقانان - روشنفکران و وطنپرستان صریح و همه اشرار زحمتکش گسترش یافت و نفوذ و پهنای بیشتر گسب کرده حمایت و پشتیبانی توده ها را جلب نمود. چنانچه مردم ما حمایت و پشتیبانی خود را در عمل ثابت نمودند، گروه های مقاومت و دفاع از انقلاب تشکیل گردیده و در کنار قوای مسلح شهروان ما از انقلاب مردمی خود دفاع نموده و در مقابل تجاوزات مسلحانه باند های ارسال شده از خارج و دیگر دشمنان رنگارنگ وطن و مردم دلیرانه و قهرمانانه رزمیدند.

باید ادغان کرد که برای يك مدت زمانی کوتاه در اثر تسلط و حکمروایی امین خاين اين جاسوس ساخته شده (سیا) که بانفوذ و غصب قدرت حزبی و دولتی و با ارتکاب اعمال جنایتکارانه طرز فحاشی و ایجاد فضای مختق سیاسی - بفرقه افکنی بین اقوام و ملیت های برادر ساکن افغانستان و غیره اعمالی که تاریخ از تذکر آن نفرت دارد، انقلاب نور را به بیراهه کشانیده و در جهت بدنام ساختن و قلب جلوه دادن آن از هیچگونه سعی و تلاش خستگی ناپذیر دریغ نکرد، قدرت دفاعی کشور تضعیف گردیده و موجب پراکندگی و فضای عدم اعتماد بین منسوبین قوای مسلح از یکطرف و بین مردم و قوای مسلح از جانب دیگر گردید. بانحول ششم جنوی مرحله نوین تکاملی انقلاب نور که در حقیقت مرحله نجات انقلابسوطن و مردم است یکبار دیگر انقلاب و رهبری آن در مسیر اصولی آن قرار گرفته و اعتماد مردم نسبت به حزب و دولت و انقلاب شان بیشتر و محکمتر گردید و دولت انقلابی مادر پهلوی باز سازی سایر امور سیاسی - اجتماعی و اقتصادی منوجه تنظیم امور دفاعی کشور و جمله تقویت و استحکام صفوف قوای مسلح شهروان ما گردیده و به طرح و تدوین قوانین و مقرره های معین در زمینه گردید چنانچه چنده ماه قبل

که قانون جزایی جرایم علیه احضارات معادریوی نافذ گردید تسهیلات زیادی در مورد جلب و جذب هموطنان ما به قوای مسلح ما فراهم شده و تعداد زیادی به صفوف آن پیوسته و از مزایای انسانی و انقلابی آن مستفید گردیدند. اخیراً جهت تأمین آرمانهای والای انقلاب نور و به منظور تحکیم قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان قانون جدید در باره مکلفیت عمومی عسکری روز ۱۷ جنوی به تصویب رسید. در این قانون تصریح گردیده است که دفاع از وطن، خدمت به مردم و جبهه عالی و مقدس هر فرد کشور می باشد و خدمت در صفوف قوای مسلح شهروان ما مکلفیت نهایت پرافتخار و وطنپرستانه اتباع محسوب می گردد.

طوریکه در اعلامیه کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، هیات رئیسه و شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان تذکر رفته است قانون جدید مکلفیت عمومی عسکری جهت تأمین امن عام و تمام صلح و آسایش در کشور و دفاع از اطمینان بخش از آزادی و استقلال افغانستان دموکراتیک، جلب اتباع ذکور افغانستان را که سن بیست سالگی را تکمیل نموده اند برای خدمت در صفوف قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان پیشبینی و درین قانون دوره خدمت در احتیاط الی سن چهل سالگی تصریح گردیده که نسبت بدوره احتیاط مکلفیت عسکری سابق شش سال کمتر است. همچنان برای سربازان و خورد - ضابطان قطعاً بیکه بیش از معیاد معینه در قوای مسلح خدمت نموده از شرف و ناموس وطن آگاهانه، مجدانه و با فداکاری دفاع مینمایند در هرماه از دو الی سه هزار افغانی معاش اعطا گردیده و در عین زمان دو چند معیاد تعدید خدمت آنها از دوره احتیاطشان تنفیص میگردد. همچنان در اعلامیه فوق تذکرامی یابد که دفاع از دست آوردهای انقلاب نور دفاع از وطن استقلال ملی و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور و تنهائو جبهه مقدس قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان میباشد بلکه جبهه مقدس تمام مردم مسلمان افغانستان نیز بشمار می آید.

خلق در راه دفاع از عین و انقلاب

• • •

دیگر قلت جوب و مواد سوخت در شهر کابل

• • •

ستارگان آسمانه ساز

• • •

عصر طلایی آمار و ارقام

• • •

خوشحال او پوشکین

• • •

نگرش به سینمای شوروی این سینمای انسانی

• • •

جدایی پدر و مادر و سرنوشت اطفال

• • •

اسرار خشونت خانواده بر کودکان

• • •

دکارابین سفندر کسی اوسنی سیاسی او اقتصادی حالات

• • •

شرح روی جلد: هنگامه آواز خوان رادبو تلویزیون کشور

عکاسی روی جلد: از مسعود شمس

در راه دفاع از میهن و انقلاب

جوانان افغان نستان و بالاخره کنفرانس بین المللی همبستگی سازمان دموکراتیک زنان را بحیث مثال درین مورد متذکر شد. که همه و همه فراهم کننده تشکیل جبهه وسیع ملی پدر وطن و بسیج کننده و متحد کننده همه نیروهای مترقی، ملی و وطن پرست افغان نستان در راه ایجاد یک جامعه شکوفان و بهروز می باشد.

اکنون مردم شرافتمند و سربلند ما به خوبی می دانند که کار و بیکاری بی امان و انقلابی و شریفانه در راه عمران وطن و بهروزی مردم و طرد همه دشمنان یعنی ضد انقلاب زیون شده و مداخلات نا جوانمردانه امپریالیسم، تکیه گاه نیرومند انقلاب و مردم ما می باشد. از همین جاست که با اطمینان کامل گفته می توانیم که تشکیل جبهه وسیع ملی پدر وطن که خلق را در یک صف واحد و متحد می سازد مشت های سنگین و پولادینی است که حواله دهان کثیف دشمنان انقلاب، مردم و وطن ما می شود.

از آنجا که حزب و دولت انقلابی جمهوری دموکراتیک افغان نستان بطور مجدانه و بیکار آرزو مند بهروزی و بهتر زیستن مردم ماست به همه ما اعم از پیر و جوان، شهری و دهاتی، کارگر و مامور و دهقان و کسبه کار و تجار ملی و صاحبان سرمایه ملی و دریک کلمه موجب همه مردم شرافتمند افغان نستان است تا از دل و جان و در عمل به دور حزب دموکراتیک خلق افغان نستان این حزب شهیدان و قهرمانان هرچه فشرده تر حلقه بزنند و بادرک واقعیت مردمی و انقلابی مرحله نوین انقلاب نور با کار و بیکار مستند امکانات عملی ایجاد یک فردای تابناک، فردای خوشبختی، برادری و برابری را فراهم و مساعد سازند. ما اطمینان راسخ داریم که مردم ما تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغان نستان در آینده نه چندان دور شاهد طرد و قلع و قمع ضد انقلاب این دشمنان اصلی پیشرفت کشور و حامیان بی شرم امپریالیستی و هر مونیستی آنها خواهند بود، و دریک جبهه وسیع ملی و دموکراتیک یعنی جبهه وسیع ملی پدر وطن به اعمار افغان نستان انقلابی و مستقل خواهند پرداخت.

زنده باد مردم آزاده و زحمتکش ما، زنده باد صلح در سراسر جهان

و قهر ما نانه همه موانع و مشکلات را مرفوع نموده و با سر بلندی و اطمینان درین جهت به پیش می رود باید تذکر داد که پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب شکوهمند نور امکانات عملی بمیان آمدن این آرمان و لا یعنی تشکیل جبهه وسیع ملی پدر وطن را عملاً بوجود آورده است. جبهه ملی وسیع پدر وطن آن سیستم متشکل شدن همه خلق در سازمان های اجتماعی و سیاسی است که علما و عمال وحدت همه خلق را تامین می نماید. ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغان نستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم در گزارش علمی و انقلابی شان در نخستین کنفرانس بزرگ نیروهای ملی و وطن پرست در مورد جبهه چنین فرمودند: «... جبهه ملی پدر وطن سیستم وسیع و توده ای سازمان های اجتماعی سیاسی است که ستون فقرات آنرا اتحاد کارگران و دهقانان تشکیل می دهد و تمام طبقات، اقشار و گروه های ملی و دموکراتیک همه نیروهای اجتماعی و مذهبسی وطنپرست را برای همکاری بخاطر منافع وطن ما افغان نستان انقلابی متحد می سازد...»

حزب و دولت انقلابی ما مقدمات تشکیل جبهه ملی وسیع پدر وطن را از همان لحظات نخست پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب نور طرح و عملی نموده است چنانچه می توان کنگره معلمان کشور، کنگره طبیبان و دیگر مستخدمین امور صحی، کنفرانس وسیع روحانیون کشور، کنفرانس موثریت و مفیدیت کار ارگان ها و موسسات دولتی و وزارت خانه های جمهوری دموکراتیک افغان نستان، کنگره مؤسس اتحادیه ژورنالیستان و کنگره مؤسس اتحادیه نویسندگان و شاعران جمهوری دموکراتیک افغان نستان، کنفرانس همبستگی بین المللی سازمان دموکراتیک

باند های صادر شده از خارج و تروریستان و آدم کشان اصل دیگریست که مبارزه بی امان حزب دولت و مردم را در راه ایجاد یک محیط سالم و آرام در کشور شهادت می دهد. این مبارزات علاوه از آنکه ضد انقلاب رازبون و ناتوان ساخته توطئه های امپریالیسم نیز نقشش بر آب ساخته و می سازد. همان طوریکه دشمنان داخلی و خارجی مردم ما یعنی ارتجاع سیاه، ارتجاع منطقه، امپریالیسم، شوئیسم، عظمت طلب پیکنگ و دیگر نیروهای ارتجاعی دریک صف نامقدس علیه انقلاب و میهن مادست به توطئه و دسیسه می زنند و با براه انداختن یک جنگ اعلام نشده با مردم ما کینه می ورزند، مردم آزاده ما همیشه و بطور دایمی بر کمک های بی شایبه و بی غرضانه همسایه و دوست بزرگ شمالی خویش یعنی اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای برادر سو سیالیستی و کلیه نیروهای ملی و مترقی جهانی اطمینان داشته و از آن بر خوردار بوده است.

اینک که حزب دموکراتیک خلق افغان نستان ((پیش آهنگ طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان کشور)) به نمایندگی از مردم دلیر و زحمتکش ما قدرت سیاسی را بدست دارد، با صداقت و صراحت طرح و تشکیل جبهه وسیع ملی پدر وطن را روی دست گرفته و بشکل بیکار و خستگی نا پذیر درین راه پیش می رود. زیرا تشکیل جبهه وسیع ملی پدر وطن نه تنها کلیه نیروهای انقلابی، ملی و وطن پرست را در امر اداره دولت سهیم می سازد بلکه در شرایط فعلی جامعه ما بهترین شکل بسیج کننده و متحد کننده همه مردم نیز میباشد باید اذعان داشت که حزب و دولت انقلابی ما حتی یک لحظه هم از مشکلاتی که در راه ایجاد همه جانبه جبهه که در تاریخ کشور ما برای اولین مرتبه بوجود می آید، غافل و بی خبر نبوده و

در نخستین سالگرد قیام ظفر نمون ۶ جدی، این نجات دهنده انقلاب وطن و مردم، خلق جاسوس شکن و امپریالیسم دشمن افغان نستان شاهد برگزاری کنفرانس بزرگ نیروهای ملی و وطن پرست جمهوری دموکراتیک افغان نستان برای گزینش ترکیب کمیسیون عالی تدارک کنگره مؤسس جبهه ملی وسیع پدر وطن بودند.

یکسال قبل در همین روز مردم ما به پایمردی اردوی دلیر و آزادیبخش ما و تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغان نستان آرمانهای کبیر انقلاب نور را از آلودگی و انحراف و اشتباه مرگبار که در اثر سلطه امین و باند فاسدش بمیان آمده بود بشکل قهرمانانه و وطن پرستانه نجات دادند و با اتکاء بر تنوری واقعا انقلابی اصول انقلابی را در حیات جامعه ما احیاء نمودند. پس از پیروزی قیام ۶ جدی حزب، دولت و مردم ما دست بدست هم داده و اقدامات سازنده ای را برای ایجاد حیات دموکراتیک و قانونیت دموکراتیک در عمل پیاده نمودند. تزه های کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغان نستان بمناسبت دومین سالگرد انقلاب نور، طرح، تدوین و تنفیذ اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغان نستان (قانون اساسی مؤقت) دستگیر و طرح های چار پلینوم کمیته مرکزی حزب، سفر تاریخی هیات عالی رتبه حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغان نستان بر رهبری ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغان نستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغان نستان به اتحاد جماهیر شوروی سو سیالیستی و نتایج گرانبها، و ارزشمند این سفر، بیانیه ها و گزارش های زعامت انقلاب ما، همه و همه موید و مصدق اقدامات سازنده فوق می باشد. هکذا مبارزات رویا روی اردوی قهرمان ما، قوای خا رندوی و امنیتی بیاری بی شایبه مردم علیه

سلسله گفت و شنود ها و نشست های انتصابی ژوندون در زیره

يك بررسی و انگیزه یابی همه جانبه پیرامون :

دیگر قلت چوب و مواد سوخت

در شهر کابل رفع

گردیده است

ذخیره خود را احتکار میکنند تا بعد از تمام شدن مقدار ذخیره شاروالی آنها به قیمت دلخواه به فروش رسانند ، به این اساس بهتر است شاروالی تهیه و تامین مواد سوخت را به اندازه کافی عمده دار گردد ، یعنی شرایط را برای توريد مقدار چوب کافی مساعد گرداند و خود کنترل و مراقبت از نرخها را به دوش گیرد ، تا خریسد و فروش آزادانه اما به نرخ



- در این گرد هم آیی این اشخاص شرکت داشتند
- ۱- حشمت اورنگ معاون کمیته ولایتی کابل
 - ۲- مجرم علی معاون شاروالی کابل
 - ۳- دکتور عرب گل طوطا خیل سکرتر جنرال جمعیت افغانی سره - میاشت
 - ۴- دیپلوم انجنیر حفیظ الله نوابی رئیس د افغانستان د تیلی ملی موسسه
 - ۵- دیپلوم انجنیر عبد الستار صافی رئیس برق کابل
 - ۶- شمس الدین رئیس تفتیش شاروالی کابل
 - ۷- دگر من ارکان حرب احمد الدین مدیر عمومی او پرا سیون وزارت دفاع ملی
 - ۸- دیپلوم انجنیر محمد قاسم پوپل معاون ریاست پلان وزارت معادن و صنایع
 - ۹- غلام حضرت معاون ترانسپورت عمومی
 - ۱۰- انجنیر محمد حسن عثمان امر ارتباط ذغال سنگ
 - ۱۱- میر عبد الرحمن مدیر عمومی تخنیک ریاست انحصارات دولتی
 - ۱۲- عبد الله بشیر شور «به نمایندگی از خانواده های کابل» و برخی از اعضای گروه مشورتی ژوندون

شا روا لی صورت گرفته بتواند.

معاون شاروالی کابل:

اگر مقدار چوب مورد نیاز برای تمام فصل زمستان در قریب تمام مناطق و مثلاً در تابستان از منابع اولی خریداری و ذخیره گردد چون رگودی در عرضه به وجود نیاید دلیلی باقی نمیماند که عده بی فکر احتکار بیفتند ، چنانکه مشکلات کمبود گرانی چوب همیشه در مواقع و موارد دیده شده که ذخیره چوب به مقدار کافی و مورد ضرورت وجود نداشته است یک مورد دیگر هم در این زمینه این است که شهریان کابل نباید متوقع باشند شاروالی کابل تمام مستوفیانت ، تهیه ، خرید

که هر روز کابل در مجموع پنجصد سیر چوب می سوزاند که سوخت نانوائی ها و حمام ها هم شامل همین رقم است .

دیپلوم انجنیر نوابی :

معاون شاروالی در سخنان خود اشاره یی داشتند به اینکه گویا شاروالی در نظر دارد مقداری چوب سوخت را تهیه و بعداً آنها به شهریان کابل به فروش رساند ، با استنادی که ایشان در رابطه عرضه و تقاضا نمودند ، می خواهم بگویم این اقدام شاروالی خود در بلند بردن قیمت مواد محروقاتی کمک میکند ، چرا که منابع عرضه محدود میگردد و چون قیمت فروش شاروالی ارزانتر از مارکیت های آزاد است ، فروشندگان چون

مشکلات ترانسپورتی در زمینه

انتقال چوب به کابل رفع شده است

معاون شاروالی کابل :

ما حجم این مصارف را به صورت دقیق تعیین کرده نمیتوانیم زیرا احصائیه شهر کابل جز به صورت تخمینی ارزیابی شده نمی تواند ، اما مطالعات ما حاکی است

دکتور عرب گل طوطا خیل :

آیا میتوانید بگویید روزانه مصرف عمومی چوب سوخت در شهر کابل بچه پیمانه است ؟

مسائل

سیاسی و اجتماعی، فرهنگ و

انتقال، ذخیره و توزیع چوب راعهده دار گردد، چه نه برای این کار پول و سرمایه کافی دارد و نه هم این حق را به خود میدهد که عده بی از فرو شدندگان چوب را که همین کار یگانه مد رک عاید و تامین معیشت خانواده شان میباشد بیکار گذارد و یا به عاید کم و مشروع شان لطمه بی وارد آورد. ما با تمام امکاناتی خود میکوشیم و تلاش میوزیم که قیمت چوب محروقاتی را به کنترل آوریم، اما در این مورد باید ارگانها و سازمانهای دیگر هم را یاری دهند و مشکلات را در نظر بگیرند به عنوان مثال حداقل در سالهای آینده چوب مورد ضرورت خود را در آغاز سال و در موقع گرما تهیه کنند تا با رسیدن زمستان دچار دشواری کمبود مواد محروقاتی نگردند. این یک تقاضای بسیار صمیمانه و در عین حال گله دوستانه است، چرا که قیمت بحران کنونی در زمینه مسایل محروقاتی به همین سبب است که ادارات، موسسات و ارگانها سازمانهای دولتی در موقع کمبود چوب اقدام به خریداری مقدار زیاد چوب کردند و یا از شاروالی تقاضای تهیه و توزیع آن را داشتند که همین وضع در بلند رفتن قیمتها اثری بزرگ داشت.

انجمن نوایی:
به تأیید گفتهها و پیشنهادات روف راصع در زمینه رفع مشکلات کمبود مواد محروقاتی واز میان برداشتن پرابلم برای همیشه به اجازه شما چند مورد رایاد آوری

میکنم:

یک اینکه کنترل و مراقبت از قیمت به منظور ثابت نگه داشتن آن مفید یستی نخواهد داشت مگر اینکه در منابع اولی آن یعنی ولایات، پکتیا، پکتیکا، ننگرهار و غزنی صورت گیرد تا از دست اول قیمتها در کنترل باشد وگرنه در صورت قیمت چوب در این منابع بلند برده شود مراقبت از نرخها در شهر کابل مؤثریت زیاد نخواهد داشت دو اینکه مسئله جلوگیری از احتکار در پایین آوردن قیمت و ثابت نگه داشتن آن در یک حد معین نقش عمده دارد ووقتی تمام مقادیر چوب انتقال داده شده به کابل عرضه گردد خود به خود حجم تقاضا کم می گردد و میان فروشندگان رقابت در جلب مشتری افزون میگردد و به این صورت در بدل مفاد کم فروشنده حاضر به فروش میشود.

اما موضوع مهم تر از همه این مسایل این است که باید ما به تعویض انرژی توجه جدی مبذول داریم، به این معنی که تمام موسسات صنعتی و ارگانهای دولتی موظف شوند از انواع دیگر انرژی مانند ذغال سنگ، مواد نفتی، گاز مایع و شیوههای دیگر به جای چوب محروقاتی استفاده کنند.

وزارت معادن و صنایع به نو به خود و تا جایی که به سازمانهای آن ارتباط میگیرد در این موارد کارهایی را در دست اجراء دارد مثلاً همین اکنون چگونگی استفاده از گاز مایع برای پخت و پز زیر مطالعه قرار دارد.

اما این به تنهایی کافی نمیشود و باید موضوع بصورت همه جانبه

در همه ابعاد اقتصادی و اجتماعی و فنی مورد مطالعه قرار داده شود و یک راه عملی کاوش گردد که با تطبیق آن به مرور مشکلات حل شده بتواند.

اورنگ معاون کمیته ولایتی کابل:

باتوجه به آنچه که در این گردهم آیی تاکنون به وسیله روف راصع، انجمن نوایی، معاون شاروالی و چند گوینده محترم دیگر به طرح آمد به اجازه شما می خواهم بگویم خرید چوب به وسیله شاروالی حجم تقاضا را تغییر نمیدهد بلکه در نهایت آن را از نظر فورم و شکل دگرگون میسازد و به همین دلیل هم خرید چوب به وسیله شاروالی راه حل معضله نمیشود. مگر اینکه این خریداری در موقع مساعد سال و از مراکز اولی و تولیدی چوب در جنوب و شرق کشور صورت گیرد و در شرایط اقتصادی به کابل انتقال داده شود که در این صورت اگر این شیوه عمل دوامدار باشد مارکیت هاهمیشه از چوب پر بوده و دلیلی نه برای احتکار باقی میماند و نه هم برای بلند رفتن قیمتها.

مواد دوم که من از آن یاد میکنم این است که شاروالی تنها اداره مسئول تهیه انرژی نمیشود و ما هم نباید این توقع را از این موسسه داشته باشیم تا سازمانها و ارگانهای دیگر نیز بی تفاوت بمانند و همه خواستها را متوجه شاروالی سازند.

به عنوان مثل وزارت معادن و صنایع میتواند با افزایش توزیع ذغال سنگ و دارا بودن چند مرکز فروش بخشی از مشکل کمبود مواد

محروقاتی و حتی تعویض انرژی را به عهده گیرد.

در این زمینه تاجایی که به حزب تعلق میگیرد از هیچ همکاری مضایقه نکرده چنانکه همین اکنون بیش از سیصد نفر مضایقه نکرده چنانکه همین اکنون از جوانان داوطلب خدمات امور اجتماعی مصروف استخراج ذغال از معادن میباشد. همچنین شورای انقلابی بیروی سیاسی کمیته مرکزی و هیئات رئیسه شورای انقلابی بعد از مطالعاتی چند فیصله های راتصویب ووظایفی را به وزارت معادن و صنایع، وزارت ترا نسپورت و ریاست برق کابل محول ساخته اند که تطبیق هر یک آن در حل و رفع دشواری کمک فراوان میکند.

در مورد علل و انگیزه های اساسی کمبود چوب محروقاتی باید بگویم این مشکل از آنجا ناشی میگردد که شاروالی کابل امسال به دلایل اقتصادی و شاهد سببهای دیگر نتوانست به حد کافی چوب تهیه کند. و از سویی هم این پیش بینی موجود نبود که بعداً مشکلات امنیتی در انتقال چوب به وجود میاید، اما باید واقعیتها را بی پرده بامردم در میان گذاشت و یکی از این واقعیتها این است که در چند هفته و ماههای اخیر شرایطی به وجود آمده بود که تامین کافی امنیتی در راههایی که در انتقال چوب به کابل و شمال مورد استفاده قرار دارد وجود نداشت و یا حد اقل دارندگان و سایل نقلیه شخصی احساس خطر میکردند و حاضر نبودند در این راهها رفت و آمد داشته باشند.

به این دلایل با آنکه اکنون شرایط کاملاً عوض شده و راه هادر خطر قرار بقیه در صفحه ۲۱

هنر، جوانان، جوانان و خانواده ها

هنر و مردم

از : رهروان

نوای شعر و موسیقی

در افغانستان باستان

باید گفت که روح لطیف و طبع نازک در بند زیبایی ها ست با آنکه ذوق ها تغییر می یابند و شاعر و گوینده و موسیقی دان شاکرد عصر و زمان خویش می شو ندو نغمه سرا از محیط ماحول خویش الهام می گیرد ولی زیبایی طبیعی در هر زمانی و تحت هر گونه شرایط با هر تماشاگری ، از نظریه دمساز می شود و مفتون محسورش میسازد ، بدین اساس دیوانها ی گویندگان گذشته ما طبیعی اند جاوید و چناندار و صاحبان این دیوانها میسازم اند که در طراحی اطوار طبیعت ماهر و پویا اند اگر صورتگران زبر دست افغانستان باستان توانسته اند منظره گرینز پای رابا کلاک هنرمند موبین خویش در بند خاطر نگاهدارند بهترین آنها که چون ستاره ها نیردخشان در آسمان تاریخ فرهنگ و هنر درخشیده اند ، بهمین منظره هابذیع ، آنی داده اندو جانش بخشیده اند که اشعارآبدار در دیوانهای معتد شاعران کشور کهن سال ، و اصطلاحات موجود موسیقی درین اشعار ناب به این ادعای ماجان می بخشدوقول ماترا فوت میدهد .

رنگها و آهنگهایی که در اشعار شاعران و موسیقی دانان پیشین توصیف شده است از ذوق موسیقی و نقاشی آنان حکایت می کند ، اطلاع از موسیقی درین اشعار جلوه بارزی دارد و آوای مرغان خویش الحان شاعران موسیقی نوازان ماهر ماترا بیاد آهنگها و نغمه های خنیا گران می اندازد آواز پرندگان و

فآنی ، دانشمند طیب ، فیلسوف و موسیقی دان کشور بوعلی سینای بلخی و دیگران نشان میدهد که علم و موسیقی در افغانستان باستان ابعاد وسیعی داشته و نغمه سرایان هنرستان این سر زمین آثار ناب شعر و نغمات دلپذیر موسیقی از خود بجا گذاشته اند .

طبیعی وزمه های روحبخش بلبلان در دره ها و کوهپایه ها می باشد .

اصطلاحات موسیقی مندرج در دیوانهای شعر - دانشمندان معروف کشور ما نند منو چیری بلخی (که با بیتی جعلی او را دا مغانی قلهداد کرده اند) ، خاگانی ، فردوسی ، نظامی ، سنایی

شعر و موسیقی امروز ما میراث هنر و ادبیات کشور کهنسال ماست

تاریخ هنر ، فرهنگ و ادبیات کشور کهنسال ما شاهد است که : در افغانستان باستان شاعران بلند پرواز و موسیقی دانان و خنیا گران چیره دستی بمیان آمده که هر کدام در وقت و زمان خویش و بادر نظر داشت شرایط اجتماعی جامعه شان در ابداع شعر و آفرینش نغمه های روح انگیز و دلپسند فرهنگ و هنر کشور باستانی شانرا غنا بخشیده و نامی جاودانه در تاریخ این سر زمین برای خویش گمایی نموده اند .

دره های زیبا ، وادیهای سرسبز منظره هایی در دامان کوهپایه های سر بلک کشیده این مرز بوم و آب و هوای گوارا و فور نعمت ، نغمه سرایان و بلبلان چهستان شعر و موسیقی این دیار را با طبیعت انسی مخصوص داده که دیوانهای شاعران گذشته و امروز پراز نغمه های موزون و گلهای لطیف شعر و هنر است .

سروده های مذهبی گاتبا و عبارات مو جز اوستا این کتاب مذهبی آریای باستان و گروه های آوازخوان جمعی هنرستان آریانای باستان که هر کدام احیا کننده وحدت یکدلی و هم آوازی بوده اند نمایانگر آنست که درخت شعر و موسیقی در کشور ، ریشه دیرینه دارد و هنرمندان وطن این ریشه را آبیاری نموده و به روز زمان به درخت پر باروری تبدیلش کرده اند که اوج گیری شعر و شاعری بعد از اسلام در این سرزمین و ایجاد نغمات دل انگیز و اختراع آلات متنوع موسیقی که هر یک نمایانگر غنای فرهنگ و هنر کشور دو گذشته بوده و الهام شاعران و رامشگران از زیبایی های



امروز جوانان و نو آموزان ماعسلوه ازمو سیقی محلی و کلا سیک به آلات موسیقی مدرن آشنایی حاصل میکنند .

همانطوریکه امروز نغمه سرایان و رامشگران بیروچوان را که ازدانش و سواد بهره‌ای ندارند ولی با استعداد سرشار ذاتی ای که دارند آلات موسیقی محلی شانرا می نوازند و آواز می خوانند، در کنج و کنار کشور می یابیم در گذشته

هانیز در دهات و روستا های شمال و جنوب هندوکش رامشگرانی وجود داشته اند و به ساز

طبیعت نگاره گریهترین الهام شاعران و موسیقی نوازان مادر گذشته و امروز بوده است.

با ذکر این سطور دیگر جای تردیدی باقی نمی ماند که شعر و موسیقی امروز ما میراث فرهنگ و هنر کشور کنهسان ماست که مانا

کله کله یا باده به تا ناله - به تا ناله شسا به ناله مقلد



در مورد هنر های محلی ما امروز تو چه زیاد می‌دول میشود .

کتون به غنای فرهنگی مان افتخار می کنیم و کار های هنری ایشان بحیث بهترین آثار ناب در موزیم های ملی و آرشیف ملی به بهترین وجه نگهداری می شود که این هم علاقه مفرط دولت ملی و مردمی ما را در زمینه حفظ میراث های فرهنگی و آثار قیمتدار باقیمانده از گذشته نشان میدهد .

باید گفت که : یاد داشت خاطرات ما حفظ نمودن يك منظره زیبا ی طبیعی که تغییرات جوی آنرا دگرگون میسازد و نگهداری صحنه ها و سانه ها را وسایل هنری و هنر آفرینی امروز آسان گردانیده است زیرا نقاش با رسام دیروز برای کشیدن و ترسیم يك منظره زیبای طبیعی مجبور بود همه چیز را بخاطر سپارد و ساعت ها روی آن کار کند تا منظره مورد نظر را چایجا حفظ نماید ولی کار عکاسی و هنر فلمبرداری در لحظه ای می تواند مناظر دلفریب طبیعی و صحنه های جالب و دیدنی را عکس برداری کند و برای همیشه بیاد کار گذارد . برای نقاشان و میناتور یستان امروز مانیز مواد و وسایل ارزان و فراوان دستیاب می شود که با حفظ سنت های مینا توری و نقاشی و یاد گذاشتن بجای پای پیشینان توام بانو آوری آثار زیبایی از خود بیاد کار بگذارند .

شعر و هنر امروز بیشتر از دیروز صیغه مردمی دارد و الهام از زندگی انسانها می گیرد و شاعران مردمگرای معاصر و موسیقی نوازان ، اکنون دست اندرکار اند تا شعر و موسیقی را در خدمت توده ها قرار دهند و زندگی ایشان الهام کار های هنری شان باشد .

اگر اکثر از شاعران و موسیقی نوازان پیشین بیشتر بز م آرای دربار ها بودند و شعر های هنری نابی انقدر وصف زورمندان و فرمانروایان خود مختار می سرودند درین میان شاعران مرد مگرای و بیزار از خوان رنگین این این وان نیز با بعرضه وجود گذاشته اند که از مردم حرف زده اند ، زندگی محرومان را در شعر و موسیقی شان ترسیم نموده اند و نیز هنر شان در بیداری توده های محروم در جهت رستن از زیر سلطه ستمگران کارگر افتاده که می توان تنها این مصراع را گواه آورد .

زندگی آخر سر باید بندگی در کار نیست ، بندگی مگر شرط باشد زندگی در کار نیست بهر صورت آثار ناب و پدیده های هنری گذشته همه اجزای فرهنگ غنی باستانی درین کشور اند و کار های هنری دیروز و امروز وطن تسلسل حفظ میراث های فرهنگی افغانستان را ادامه میدهد که بر هنرمندان ، شاعران ، موسیقی نوازان است تا رسالت تاریخی شان را درین بخش از تاریخ کشور که مردم مابسوی اعمار يك جامعه نوین و ایجاد زندگی شگوفان روان اند ، فعالانه انجام دهند و این آرزو را مردم کشور از هنر مندان و هنر آفرینان و دانشمندان که چشم و چراغ جامعه خود اند ، داشته و دارند .

قابل تذکر است که غنای فرهنگ امروز ما مربوط می شود به کار های هنری ای که در ساحه شعر و شاعری ، موسیقی ، آهنگ سازی فلمبرداری ، عکاسی ، میناتوری عیقل ترانی و غیره در کشور انجام می شود و آثار بهتر که صیغه بشر خواهانه را داشته باشد وقتی مورد بر سسی دانشمندان در آیند ، قرار گیرد همانطوریکه بهترین کار های هنری مردمی مردمان دیروز در سر خط مجموعه تحقیقات محققان امروز قرار دارد ، در سرخط مقالات و موضوعات پژوهشی محققان فردای کشور جا خواهند گرفت .

چار مین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان که بنا ریخ بیست عقرب ۱۳۵۹ در پیوند باار زیا بی پیا مدهای سفیر تاریخی ببرک کارمل، منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان، کشا یش ریافته بود از لحاظ ملی و بین المللی اهمیت ویژه بی را حایز میباشند زیرا در این پلینوم ببرک کارمل گزارش مفصل و دقیقی را در ارتباط ارزایی نتایج سفر خویش به اتحاد شوروی ارائه کردند که قضایای مهم ملی و بین المللی را با یک سر همبندی خلاق و منطقی منعکس ساخت.

آنچه که در این پلینوم بیشتر از مسایل دیگر مورد توجه قرار گرفته توسعه روابط دوستانه و برادری افغانستان - شوروی میباشد، گرچه روابط افغان شوروی بر پایه حسن علائق بعد از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر و آنگاه که کشور ما به استقلال سیاسی خویش نایل آمد پایه ریزی شده بود که تا قبل از انقلاب ثور بنا بر موجودیت حکومت مات ارتجاعی طور یکه خواست مردمان اتحاد شوروی و افغانستان بسط و انکشاف نیافت، بانهم اتحاد شوروی، یگانه کشور دوستیست که از هیچگونه کمک های مادی و معنوی بمر دمان افغانستان دریغ نکرده و همواره دوست وفا دار و بیکیفر زحمتکش آن کشور ما بوده است. مگر بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور، روابط دوستانه افغان شوروی بیش از هر وقت دیگر گسترش یافت و بخصوص بعد از ششم جدی و آغاز هر حله نوین انقلاب این روابط بنحوی عالی ارتقا و توسعه یافت که با سفر تاریخی ببرک کارمل به اتحاد شوروی نیز باز هم توسعه خواهد یافت و به طرز زوین تکامل خواهد نمود.

استقبال گرم حزب مردم و دولت اتحاد شوروی از هیات عالی مرتبه حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان و خاصه از ببرک کارمل نشا نگر آنست که مردمان حزب و دولت اتحاد شوروی نسبت به افغانستان و مردم آن آزاد و شریف آن و نسبت به انقلاب شوروی علائق نهایت زرف و یرتوان دارند طوری که ببرک کارمل در گذار شش مفصل خود که در چار مین پلینوم کمیته مرکزی ح. د. خ. تقدیم داد.

شوند در زمینه چنین فرمودند: ((در هر جا که هیات ماکام میکند اشد دریا یتخت بر جلال شوروی به شهر قهرمان مسکو، در تفلیس زیبا ویا در مهد انقلاب اکتوبر لنینگراد، در تا شکند پایتخت بزرگ از پاکستان اتحاد شوروی، در میان کارگران، کسان نوردان، در میان دهقانان کلخوزیان با علمای شخصیت های فرهنگی همه جا و همه جا ما را با شور و شو ق و نشاط دوستانه با دست فشردن انقلابی با درود های گرم و آتشین مردم افغانستان با آرزوی پیروزی و پیروزی هادر تکامل بیشتر انقلاب ثور، استقبال می نمودند همه اینها حقیقت کما ملایحی را یکبار دیگر

و اعلامیه مشترک هر دو کشور که متکی بر اراده و خواست مردم مسان جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر سو سیالیستی شوروی میباشد از لحاظ اهمیت ملی و بین المللی در سراسر توخت تمام زحمتکشان جهان تا نیرات خوب و مطلوبی را در راه حل قضایای بغرنج مربوط به منطقه و جهان بجا خواهد نهاد. علائق مردم مان، حزب و دولت اتحاد شوروی و بخصوص صلیو نید ایللیچ بر یژنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و روی و صدر هیات ریسه شوروی عالی اتحاد جماهیر سو سیالیستی شوروی نسبت به پیروزی مردم افغانستان و تکامل نظر مندانه

دین

نقش پیامدهای سفر تاریخی ببرک کارمل در ژرفای روابط دوستی افغان-شوروی

به اثبات میرساند که بین مردم افغان شوروی و جمهوری دموکراتیک افغانستان روابط طراز عالی و نوین دوستی بی شائبه، خدشه ناپذیر و برادری و مبتنی بر همبستگی انقلابی و اصول انترناسیونالیسم ایجاد شده و بیش از پیش تحکیم مییابد.))

استقبال آتشین مردم مان، حزب و دولت اتحاد شوروی از ببرک کارمل و هیات معیتی شان، در واقعیت امر ابراز احساسات نیک، دوستانه و بی شائبه شان نسبت به حزب، دولت و مردم دمان ما بود که باز تا بنده روابط طرف دوستانه افغان شوروی بوده و بالاخص در شرایط کنونی این اساسات بیش از هر وقت دیگر افزایش یافته است. بهمین منوال هدف و مضمون مذاکرات و مصاحبات

انقلاب ثور و دو مین هر حله تکاملی آن و همچنان در امر تعمیق و گسترش وحدت واقعی وارگاتیک حزب دموکراتیک خلق افغانستان و اتحادی که مل ضد انقلاب نمایانگر آنست که مردم مان، حزب و دولت اتحاد شوروی هما نظور یکه در پرده روابط دوستانه و دوستی با افغانستان، همواره به استقلال و تمامیت ارضی و منافع مردم و مصالح کشور ماعمیقانه احترام داشته و در هیچ موارد مردم افغانستان را تنهاسا نکذاشته اند لذا در پروسه تکاملی انقلاب ثور و در امر مبارزه عادلانه و قهرمانانه مردم، حزب و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان علیه ضد انقلاب، نیز از هیچگونه کمکهای اقتصادی، نظامی، کلتوری

و تجاری و تخنیکی دریغ نخواهد کرد و دامنه این کمکها که بخصوص بعد از ششم جدی و آغاز دو مین مرحله تکاملی انقلاب ثور سر یعانه توسعه یافته و تقویت مییابد بعد از سفر تاریخی ببرک کارمل بکشور کبیر شوروا نیز بصورت بی شائبه و به نحوی عالی بسط و انکشاف خواهد یافت، طوری که ببرک کارمل در بیانیه خویش به چار مین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، نستان فرمودند: ((در هنگام مذاکرات هر دو جانب ابراز علاقمندی نمودند که بعد از نیز همکاری دوستانه میان حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب دموکراتیک خلق افغانستان رشد و توسعه یابد اشکال همکاری های تخنیکی، اقتصادی و تجاری بین کشور های مان بسط و تکامل حاصل کند و روابط دوستانه و دوستی افغان شوروی و اتحادی فر هنگ، معارف، صحت عامه و سیورت عمیق تر و وسیعتر گردد.

در فروغ بیامدهای بیضند سفر تاریخی ببرک کارمل بوضوح کامل درک میگردد که دوستانه افغان شوروی اکنون در سطح روابط احزاب و دولت هر دو کشور، بروق اصول انقلابی و بر پایه پر نسبیتهای انترناسیونالیسم نیز ژرفش و بسط همه جانبه می یابد، وعده کمک های مختلف و دوام و افزایش آن از جانب اتحاد شوروی به جمهوری دموکراتیک افغانستان که در طی مذاکرات دوستانه ببرک کارمل و لیونید ایللیچ بر یژنف بعمل آمده است یکبار دیگر موید آنست که اتحاد شوروی به شکوفا نی افغانستان، بهروزی مردم افغان شکوهمند ثور علائق بی نهایت دوستانه و بدون هرگونه اغراضی و سوئیت را حایز می باشد، اینگونه علائق انسانی در حقیقت، ماهیت انقلابی و انسانی حزب و دولت اتحاد شوروی و ممثل اراده نیک و روحیه بشر دوستانه مردم مان قهرمان آن کشور میباشد طوری که لیونید ایللیچ بر یژنف در صافتی که بافتخار ببرک کارمل در قصر کریمین تر تیب داده بودند چنین گفتند: ((موقع آنست تا آنها بیکه بر جمهوری دموکراتیک افغانستان تجاوز میکنند بدانند که پلانهای ماجراجویانه آنها محکوم به ناکامی است و رو تسد بقیه در صفحه ۱۹

د بلفار یا هیواد وپیزنی

ورباندی زیات شول، اون وړخ بلفاریادخپل مترقی نظام په رڼاکي یوقوی او پرمخ تللی اقتصاد لری چی دواړه شقه یی (زراعتی او صنعتی) پرمخ تللی اونوربه هم پرمخ ولاړ شی .

اوهم د بلفاریا غرنی برخی نیی ورسوگانی (چراگاه) لری مختلف خاړوی لکه غسواپی پسونه وزه اوخوک په زیات شمیر په کیروزل کیری .

د بلفاریا صنایع او معادن د دولت په لاس کی اوملی دی کړنه اومالداری د بزگرمی اتحادیوپه سیستم اداره کیری د بلفاریا تجارت دنړی د ټولو هیوادو سره صورت نیسی . د بلفاریا عمده صادرات تنباکو ، شراب، لبنیات، دکلا، بوغطر پوستکی اوخینی ماشین آلات دی .

د بلفاریا وگرمی او تاریخ : په پخوا نیو پیروی کی بلفاریا دروم دامبرا آوری یوه برخه وه دهغه وخت داوسیدونکی په باره کی اطلاعات لږدی په دریمه میلادی پیړی کی دسلاوخینی طوایف دغه خای ته

راغلی وو او داصلی اوسیدونکوسره یوخی شول . په اوومه پیړی کی داوتیکور قبایل چی د بلفار دشعبو څخه وو په دی خای مسلط شول اوسلطنت یی تاسیس کړ او تیکوریان د سلاو

یانوسره یوخی شول دهغوژ به او عادات یی قبول کړل اود بلفاریا اوسنی خلق له هغوی سره دیوخی کیدلو نتیجه ده په نهمه پیړی کی عیسوی مبلغینو دارتود کس له کلیسا څخه

دمسیح مذهب په بلفاریا کی خپور کړ خوشه لدی جنگ د بلفاریا یی دسلطنت اودختیج روم دولت چی مرکز یی بیزانس یا اوسی استا نبولوپه لایتقطع صورت دوام درلود .

دمسیحی خوار لسمی پیړی په اواخرو کی دزمانی ترکانو بلفاریا ونیوله اوتقریباً پنځه پیړی یی حکمرانی ورباندی وکړه توخوچی په نولسمه پیړی کی دیونان اوبالقان دټولو

مناطقو دآزادی خواهی دنهضت په تعقیب بلفار- یا هم دخپلواکی دلاس ته راوړلو لپاره تصمیم ونیوه لمړی ځل په کال ۱۸۷۶ دعثمانی دولت په ضدودریدنه اگریچی ددوی دغه قیام مغلوب شو خو یو کال وروسته په ۱۸۷۷ کال کی دروسی دولت دترکانوپه مقابل کی دجگری اعلان وکړ

اوبالقان ته یی لشکر کشی وکړه او وروسته دزمانی لښکرو له مغلوبیت څخه د بلفاریا یی په یوه برخه کی یونیم خپلواکه حکومت تشکیل شو خو کاله وروسته شرقی رومیلی هم دزمانی دولت په ضد شورش وکړ اود بلفاریا سره

یوخی شو په ۱۹۴۶ کال کی دعامه را دیسو دمرا جمی په اثر په بلفاریا کی دخلکو جمهوردی حکومت تاسیس شو دنوی اساسی قانون له مخی مقننه قوا په یووا دمجلس پوری اړه لری داو د بلفاریا په باره کی لثم معلومات

پوهنتون لری . د بلفاریا ټول مهم ښارونه عبارت دی له روشچوک او پیلون په شمال کی پلودیو په جنوب اودوارنا او بورگاس بندرونه د توری بحیری په ساحل کی ریمتروک گراد د بلفاریا نوی صنعتی ښار دی .

د بلفاریا پیداوار او اقتصاد : بلفاریا اساساً یوزرا عتی هیواد دی تقریباً د مملکت دریمه برخه په خنگلو پټه ده اوپا ته برخه یی تقریباً کرنی ته مساعده ده دنوموړی هیواد مهمترین محصول غنمی دی او اوربشی، جوار، تنباکو، پنبه کتان اونوری

مختلفی میوی او انگور هم ډیر شته چی ډیره شراب جوړولو کی استعمالیری . دوربښموند جنجی روزنه هم په ډیره پیمانه مروجه ده دهیواد په جنوبی برخه کی په حدود دشلزده ایگره مځکه دکلاب په بوټوپټه ده . د بلفاریا بزگران ددغه گل په روزنه کی خاص مهارت لری اومختلف انواع یی منځ ته را وړی دی اود محصول څخه عطر اودکلاب عرق استخرا

جوی اوتولی لری ته یی صادروی . د بلفاریا ډیر مهم پیداوار د ډبرو سکاره دی برسیره په دی مالکه، المونیم، طلا، مس او دهمر مختلف انواع هم استخراچیری . دنړی تر دوهم جنگ پومس بلفارا مهم صنایع نه درلودل صنعتی تصدی یی مجموعاً دروزرونه رسیدی چی ډیری یی عبارت له کو

چنیو موسسو څخه . وی دکارگرو مجموعی تعداد له پنځه اویازرو څخه ډیره ونوسور تقریباً ټول په کرنه بوخت و مگر کله چی د بلفاریا هیواد ددویم نړیوال جنگ په موده کی دهنلری فا شیسستی لښکرو څخه په خپل د بلفاریا دخلکو او دشوروی اتحاد دصلحی قواو په واسطه وساتل شو او ترڅو چی نننی

مترقی نظام په بلفاریا کی ټینگ شونو دصنا یعو دایجادو لو لپاره یو وسیع پلان ددرنو صنایعوپه شمول منځ ته راغی اوبه نتیجه کی هغه مصرفی صنایع لکه نساجی، شراب سازی موجود ووتوپه اونور شقوق لکه فلزکاری، انجنری اوکشتی سازی دموتور جوړول اونور

پیدا کوی د بالقان ختیځه برخه چی ۲۰۰۰ او ۲۵۰۰ متر وترمنځ لوړوالی لری ددانیوب درود خانی اوزه دمرستیا درود خانی لکه حوضی څخه چی جنوب خواته ازی بحیری ته بپیری بیلوی اما د بالقان په ختیځه برخه کی د سلون له مقام څخه تر توری بحیری پوری د یوزر مترو څخه لږ لوړوالی لری . د بالقان مهم کوتلونه دادی :

ترویان ، روز آخرنی کوتل چی عبارت له شیبکا څخه دی نږدی یو صومعه چی په شیبکا معروفه ده موجوده ده چی ښایی دبیزانتین د صنعت دعالتیرینونو څخه وی .

دریم په جنوب کی یوه بله غرنی منطقه مرکبه له هغوسلسله غرونو څخه چی دبالقان داصلی سلسلو څخه بیلیری دجنوب په استقامت د (اژی) تربحیری رسیری اونومو- پی بحیری متعددی جزیری چی په تاریخ کی دیونان په جزایرو معروفی دی په حقیقت کی دغو غرونو دسلسلو څخه مهمترینه چی درو

دوب په نوم یادیری د بلفاریا اویونان په منځ کی واقع ده دریلوداغ څوکه چی ۳۳۰۰ متره لوړوالی لری په دغه غسره کی ده برسیره دمریستا په رودخانی چی پخوا مودگر کړه دستا رودخانی هم دبالقان دغره دجنوبی نشیب څخه نشات کړی دی چی د بلفاریا په جنوبی ساحه کی له عبور څخه وروسته په یونان کی

داخلیری اود (اژی) بحیری ته بپیری . د بلفاریا اقلیم د دانیوب په جلگه کی شما لی بادونه لری چی یوی اندازه دی دغه جلگه سره ده اما په جنوبی نواحیو کی د مد یترانی له بادونو څخه استفاده کوی ډیر معتدل دی همدا رنگه دهیواد اقلیم په ټولو برخو کی سالم اودسوپ والی اوتود والی څخه مصنون دی .

د بلفاریا مرکز د صوفی ښاردی چی دبالقان دغرونو په جنوب اود هیواد په لوییدخی برخی کی پروت اواقع دی دغه ښار (صوفیه) چی په څلورمه میلادی پیړی کی دترا ژان له خوا ښانوی و دبالقان یو لرغونی ښار اوداو سپنی دپتلیو اوتجارت مهم مرکز دی اوله نیم ملیون څخه ډیر نفوس اویومهم

موقعیت اوجغرافیای اوضاع د بلفاریا دخلکو جمهوریت دبالقان دسبه جزیری له هیواد څخه دی چی داروپا په جنوب شرق کی دتوری بحیری په لوییدغه کناره کی واقع دی دجنوب څخه په یونان اوترکی اودلوییدیځ څخه په یوگوسلاویا محاط دی دشمال په برخه کی ددانیوب او دخانه بلفاریا درومانی له خاوری څخه بیلوی .

د بلفاریا یی هیواد تقریباً یومستطیل شکل لری اوددوالی یی دیوگوسلاویا له سرحداتو څخه د توری بحیری تر شامله پوری تقریباً ۴۵۰ کیلو متره او عرض یی ددانیوب له سیند څخه د یونان د سرحد پوری ۲۵۰ کیلو متره دی . مجموعی مساحه یی په حدود

دیوسله دولس زره کیلو متره مربع اونغوس یی تخمین اتو میلیو نو نفرونه رسیری . د طبیعی ساختمان له نظره ، بلفاریه په څو مشخصو برخو ویشله شوی ده چی له ختیځ څخه لوییدیځ ته په موازی توگه امتداد لری .

لومړی په شمال کی ددنیوب درود خانیسی ودای یوه وسیعه اوهواره جلگه ده چی د طبیعی ساختمان له حیثه د رومانی دجنوبی جلگی امتداد گنل کیری . دغه جلگه دایسکور اواسام درود خانو په واسطه چی د دانیوب معاونین دی او نوری کوچنی رود خانی چی

مستقیماً توری بحیری ته بپیری آبیاری کیری . دویم په منځنی دبالقان د غره سلسله چی داروپا جنوب شرقی ټوله شبه جزیره د هغی په نوم موسوم ده د بالقان غرونه چی په حقیقت کی دترانیسیلوانی آلپ اولری کاربات دغرونو دجنوبی امتداد دی ډریو هیوادو بلفاریه ، رومانیه او یوگوسلاویه د سرحداتو

داتصال دنقطی څخه چی یو تاریخی معروف معبرو او داوسپنی په مشهور دی شروع شوی دی چی په اول کی د بلفاریسی او یوگوسلاویا ترمنځه جنوب ته امتداد مومی اما وروسته په ۱۵۰ کیلو متره مسافه دعتماً دختیځ خواته او پی او د بلفاریا له منځه د توری بحیری د ساحل تر حدود وپوری امتداد

قادر فرخ‌مند هنرمند با استعداد که

آرزو دارد در ژیسور شود

بیست سال عمرش را در تئاتر سپری کرده نقش‌های زیاد و رنگارنگ را مو فقانه بازی کرده همیشه طرز کارش مطلوب و مورد پسند است.



نمایشنامه‌های (از باب پونتیلیا و نوکرش ناتلی) (خشم خلق) «شب و شلاق» (ممنوعه) را خیلی عالی بازی کرده و آرزو دارد در ژیسور خوب شود. در سینما و تلو یزیون نیز حصه گرفته مخصوصاً نقش اتللو را خیلی ماهرانه تمثیل کرده است. قادر ازدواج نموده است و پدر دود خترو یک پسر است و در محیط خانه و کار مورد احترام همه است.

ایرینا کو بچینکو یکی از موفق‌ترین و با استعدادترین ستاره‌های تیاتر و سینمای اتحاد شوروی است.

ایرینا هنوز محصل آموزشگاه هنری شو کین بود که برای ایفای نقش لیزا از فلم (آشیانه اشرف) دعوت شد این فلم به اساس داستان تور گنیف ساخته می‌شد. با وجود اینکه ایرینا در چند فلم محدود حصه گرفته اما مورد استقبال گرم قرار داشته و آینده درخشان در انتظارش است.

ایرینا هنرمند خیلی سخت‌گیر است یگانه در ژیسوری که می‌تواند همراهی ایرینا مو فقانه کار کند اندری میخا لکوف کا بنچنسوفسکی است این در ژیسور توانایر ینشارا برای اولین بار بروی پرده کشید و برای تبارز استعدادش کمک کرد. ایرینا به این در ژیسور عقیده دارد و عقیده داشتن هنرمند به در ژیسور کار بزرگی است.

ایرینا در فلم (ما ماوا نیا) «چخوف» در نقش سو نیا درخشید. در فلم (حما سه یک عشق) ایرینا ابتدا دختر ساد، جلف و سرزده را خیلی موفق بازی میکند این دختر در مقابل عشق او از قهر مان فلم خیلی عادی جلوه میکند اما بعداً این دختر زندگی واقعی را درک میکند زن قهر مان فلم میشود ایرینا در زمانیکه مادر میشود عواطف مادری را خیلی طبیعی و زیبا بازی میکند زن قهر مان فلم میشود ایرینا زن مقدس را در لحظه ای که کودکی در آغوشش است هنرمندانه بازی میکند او به هر یک مقدس که در کلیساها وجود دارد شباهت دارد.

ایرینا کو بچینکو هنرمند

با استعداد و خارق العاده



دستارگان

افسانه

ساز

ایرینا کو بچینکو



چارلز پوکینسکی

چارلز پوکینسکی در سال ۱۹۲۲ برایش کار پیدا کردند و خودش در آمریکا تو لد یافته والدینش از لتوانی بودند که بعدا به امریکا مهاجرت کردند. خانواده اودر کمال فقر زندگی میکرد چارلز طفل نهم بود هنوز دهساله نشده بود که پدرش به مرض سل گرفتار شده و مرد چارلز فقط در روزهای میتوانست مکتب برود که یکی از برادرانش بخانه میبودند ووی لباسهای آنها را میپوشید.

چارلز در شانزده سالگی در همان معدن که قبلا پدرش کار می کرد شامل کار شد.

بعد به عسکری رفت. بعد از جنگ موبل فروشی میکرد اما باز هم به معدن ذغال رفت دو ست ها پیش بخاطر اینکه پول بدست آرد در یکی از تیاتر های دور افتاده

برایش کار پیدا کردند و خودش توانست رول های درجه سوم را بازی کند و از همان تیاتر کوچک و دور افتاده توانست برای خود در عالم هنر جای پیدا نماید آهسته آهسته او را به سینما دعوت کردند و نقش های فرعی را بازی میکرد و بعد از فلم دوازدهم تخلص خود را برو نسون گذاشت.

چارلز در سال ۱۹۷۱ جایزه اسکار گرفت و در ۱۹۷۲ از طرف زور نالیستان بحیث موفق ترین اکتور انتخاب شد.

چارلز پرونسون حالا سالانه فقط در يك فلم کار میکند تا وقت زیاد برای خانواده بزرگ خود داشته باشد. مرد متین و آرام است و هیچ شباهت به کسانی ندارد که نقش زنان را بازی کرده است.



شبانه اعظمی

از : وافی

شبانه اعظمی ستاره تحصیل یافته هنرمند جدی سینمای هند وستان

تلو یز یون جمهوری دموکراتیک افغانستان فلم های انکور، سپیده امر، اکبر، انتونی را نمایش داد. شبانه اعظمی در هر سه فلم در تیپ های مختلف ظاهر شد. همیشه زن های بی دفاع و مظلوم را که شرایط بد اجتماعی آنها را تحت فشار قرار داده توسط این هنر پیشه خیلی مو ففانه بازی می شود. در چهره وی مشا عده می کنیم که با پرابلم های گونا گون زندگی مشکلی را سپری می کنند پرابلم عمده حقوق مساوی زن با

مرد است که در جهان مترقی سالهاست حل گردیده است. مگر در مشرق دست نخورده باقی مانده و این پرابلم ها مورد دلچسپی رز یسوران مترقی سینمای هند است.

شبانه اعظمی اخیرا در يك فستیوال در تاشکند دعوت گردیده و سه فلم شبانه اعظمی بنا مهیای (ريك راسته)، (فقیرا) و (همرای شما) به نمایش گذاشته شد که این فلم هامورد علاقه تماشاگران واقع گردید.



چارلز پوکینسکی

شروع شده است. ولی طی قرون بعدی و جدید در موارد مذکور توجه بیشتری در ساحت مذکور معطوف و مبدول گردید و با تاسیس سازمان احصائیوی، نشریات و انتشارات آماری توأم با تحلیل و تجزیه فضایی علمی، بسط و انکشاف یافت، بنحویکه بکثرت مراجع علمی و دانشمندان، به مرور سالهای متعددی در راه تعمیم و ترویج دانش احصائیه، گامهای سنجیده و متداومی برداشتند بطور مثال: کنفرانس کنووال در سال ۱۷۴۸ میلادی به تدریس احصائیه در پوهنتون گوتنن پرداخت.

شیرازه های خدمات علمی و آشنایی ابراهیم دیویو (۱۶۶۷-۱۷۵۴) و کارل گاس (۱۷۷۵-۱۸۵۵) در راه تنظیم محتوای احصائیوی و مساعی کویت لت (۱۷۹۶-۱۸۷۴) دانشمند معروف از نظر تشخیص روش های جمع آوری ارقام تثبیت اساسهای نوین آماری، در آلتروکتب احصائیوی ذیدخل شناخته شده و ماحصل آن در پیریزی نشرات آماری بی تاثیر نبوده است.

همچنان در سال ۱۷۷۰ ضمن یکی از کتبیکه توسط (هوبن) از لسان آلمانی به انگلیسی ترجمه شده یک فصل محتوای آن راجع به احصائیه بوده است و در سال ۱۷۷۵- ارقام سرشماری چین طور کتبی به امپراتور و قتل چین ارائه شده رساله (قواعد نفوس) رابرت مالتوس دانشمند اقتصاد و کشیش قرن هزده در سال ۱۷۹۸- انتشار یافت (لاگرانژ) در سال ۱۷۹۹- اثر پرارزش خود را تحت عنوان «حل معادلات عددی» انتشار داد.



مطالعه و بررسی و نمونه گیریهای متنوع در رشته های مختلف فرا آورده های اقتصادی به شمول چوب و کتله های درختان که در اقتصاد عمرانی و رفیع مواد سوخت برای باشندگان کشورهای جهان خاصا ممالک عقب نگه داشته شده ارزش حیاتی دارد، از نظر موسسات ملی و بین المللی آماری پوشیده نمی ماند و تهیه ارقام کارآمد در آن مورد نیز بنوبه خود دارای اهمیت است.

متفکران عقیده دارند که در حقیقت تحولات واقعی در این موارد از قرن شانزدهم بدینطرف

باشند و از حدود معین آن تجاوز نکنند، اعتقاد و توافق باهمی داشته است.

بعدا روی این مساله نظرات و عقاید ارائه شده بشکل مختلف تقریبا غیر منسجم و پراکنده بوده است. ولی بعد از قرون بعدی بکثرت زیاد دانشمندان و متفکران اند و خت های علمی

شانرا در موارد ارقام و اعدادی که اساس عام احصائیه را پیریزی می کند بشکل کتب و رسایل تدوین و نشر کردند. مثلا پیر دوی فرانسوی در قرن هفدهم شپکار علمی و اثر ارزنده خود را بنام (نیوری اعداد) تالیف کرد و بدسترس علاقمندان دانش گذارد. اسحق نیوتن بر علاوه کشف قانون جاذبه از سال ۱۶۸۴ تا ۱۶۸۶ کتاب (اصول) را نوشت و روش نوینی را برای «حساب بینهایت کوچکها» ایجاد نمود. لایبنیتس در سال ۱۶۸۴ مقاله مبسوطی را تحت عنوان «حساب عناصر بیتهای» بت کوچکها، منتشر کرد.

در قرون وسطی که انعطاف و التفات با امور احصائیوی کمتر محسوس و مشهود بود، از یکطرف عدم انکشاف علوم و تکنالوژی و نا برابری های سویه فرهنگی و از جانب دیگر عدم درک و تشخیص سالم ذهنی افراد جوامع به اهمیت احصائیه و ارقام، ساحت انتشارات احصائیوی را محدود و حتی رجوع و تمایل به فعالیت های جمع آوری امار و احصائیه ها را در حال تذبذب و رکود گذارده بود. اما برخی

خبرنبار عبدالله «محب حیرت» از مباحث تحقیقی

عصر طلایی آمار و ارقام

اللاتون فیلسوف معروف یونان باستان در کتاب مشهور (جمهوریت) خود (بحدود ۳۳۰۰ سال قبل از ارتباط فزونی نفوس با جنگ و حرب تذکری داده و ارستو در مورد کنترل شدید از دواجها و تحدید ولادتها و محدودیت اطفال که مسایل مذکور باندازه توان مادی (مالکیت) فرد متناسب و هماهنگ

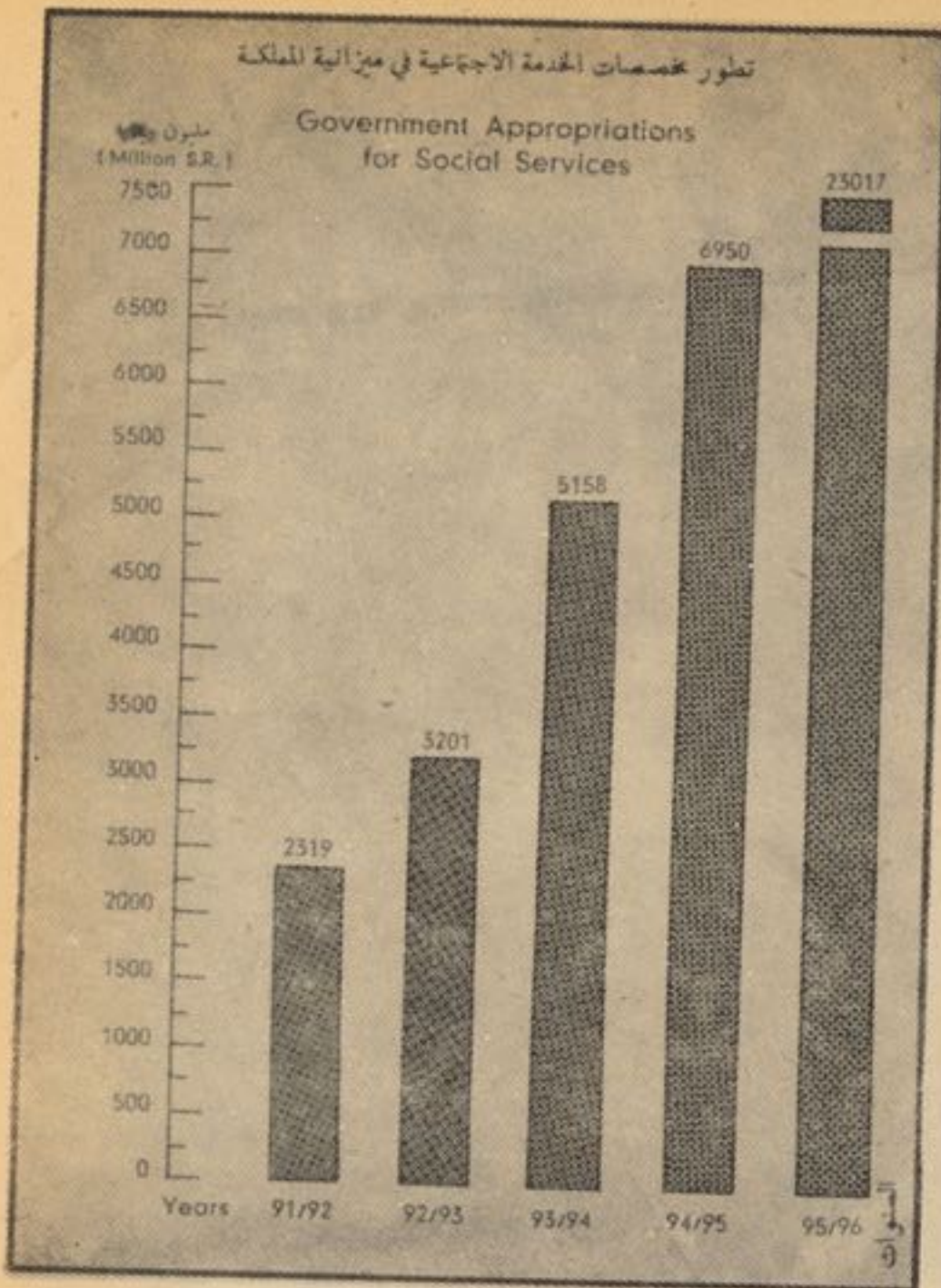
UNDP
Fifth Anniversary Issue
NEWS

UNDP STAFF PUBLICATION NOVEMBER DECEMBER 1978

CONTENTS

	Page
• ICDC Conference: Hard Work and Good Timing	2
• Letters	3
• UNDP Postcard	4
• Popular Myths	6
• UNDP Morocco Goes Solar	7
• Profile OPE	8
• Who's Where	12
• Council Column	16

از جمله نشرات اقتصادی و آماری ملل متحد بخش اطلاعات مختص از گوشه های مختلف جهان، بخصوص کشور های عضو ملل متحد، در تنظیم پیامها و ذخایر معلوماتی برای علاقمندان آن همیشه مورد نظر و عمل است. تابلوی فوق نمونه از نشرات اختصاصی بین المللی است که معرف اسم و محتوای آن میباشد.



نمونه دیگری از گراف های آماری در دستاورد خدمات اجتماعی که مورد پذیرش و تطبیق موسسات آماری ملی، منطقه‌ای و بین المللی قرار داد.



گوشه از آرشیف یابانک ارقام که در کشورهای مرفی و روبه انکشاف حتی در موسسات احصائیوی کشور های مختلف و ارکانهای بین المللی، مرجع استفاده آمارگران، اقتصاد دانان و متخصصان قرار دارد.

موسسه دامسندی بسوك كه سال ۱۸۰۵ میلادی رویکار آمد به نشر برخی آثار و معلومات احصائیوی اقدام کرد. همچنان یکی از دانشمندان و محققان احصائیوی موسوم به «سانسور وینو» در شهر «وینز» پیرامون شناسایی وقایع اجتماعی از روی ارقام کتابی را انتشار داد.

در سال ۱۸۴۱ میلادی (سوسمیخ) نتایج تحقیقات خود را در باره جمعیت، بشکل رساله منتشر کرد. همگام با این عصر و زمان مساله

آمار بیشتر به پوهنتونها راه پیدا کرد و مورد تدریس قرار گرفت. در سال ۱۸۵۳ رویداد های کانگرس بین المللی احصائیه منعقد شد بروکسل منتشر گردید. با تاسیس انستیتوت بین المللی احصائیه در لندن سال ۱۸۸۵ مفکوره نشرات احصائیوی تبارز نمود و قوت گرفت، آوانیکه مطالعات احصائیوی چندان اهمیت نداشت، یکی از انجمن های علمی رساله (جانت گران) رادر باره مطالعه و بررسی جمعیت انتشار داد و متعاقباً (پتی) یکی از محققان آن زمان موضوع مذکور رادر کتاب خود دنبال کرد.

دانشمندی گفته است که

در ابتدای قرن نوزدهم کشور ها عموماً نتیجه بررسی اوضاع خویشرا جز اسرار شمرده و هیچگاه مایل نبودند تا کشور دیگری از میزان نیروی اقتصادی و کیمانی آنان مطلع شوند. ولی امروز مفکوره بر عکس در چنین موارد تحقق پذیر است بطوریکه همگان به این عقیده اند که دولت باید خود را بشناسد و بشناساند و آمار و احصائیه را موثرترین وسیله شناخت حقایق بداند. چه تحقیقات و نتایج علمی در رشته های گوناگون باره احصائیه بیشتر مستند و موثق می تواند شد.

در روشنائی تجسبات علمی وقتی قد می فراتر گذاریم متون ماخذ موثق دروای مطالب مستند که مبین گزارش های مبحث مورد نظر است با چنین عباراتی مارا به اصل حقایق میرساند بطوریکه متذکر شده اند: «در قرن

نژده میلادی احصائیه دانان عهد مذکور، آن دوره راه قرن واقعی آمار، مینامند. چنانچه درین عهد نشراتی چند پیرامون سر شمار یسا انتشار یافت. ولی باورد قرن بیستم محققان و صاحب نظران آماری آنرا در قرن طلایی اشعارت احصائیوی نامیدند و اکثر دول اروپایی به

نشر و بخش نشرات احصائیوی بیشتر توجه و منبهک شدند و با طبع و نشر مجلات و حتی سالنامه های احصائیوی دست بکار شدند. «کارل مارکس» فیلسوف دانشمند نامدار

که میتودها و روشهای علمیش، در اواخر قرن نژده هواخواهانی پیدا کرد و در اوایل قرن بیست ارزش های معنوی آن به پدید آیی تحولات بزرگ اقتصادی منتج گردید دو کتاب «کاپیتال» خود پیرامون اهمیت آمار اشاراتی کرده است. همچنان «لنین» فکید که خود دانشمند پرنبوع، فیلسوف مبتکر، سیاستمدار

احراز می کند.

بقیه در صفحه ۵۰

منسو بین کمیته ملی المپیک و ریاست عالی ورزش به خاطر سهمگیری شان در اولین سالروز تاریخی مرحله نوبین و تکاملی انقلاب شکوهمند نورکه مرحله نجات انقلاب وطن و مردم محسو بهمی شود به افتخار این روز تاریخی مسابقات شکوهمندی برگزار شد.

درین رخداد تاریخی وطن عزیزما تیم های فوتبال بو هنتون کابل قوای مسلح ، پامیر ، میوند ، آمو و کارگر سهم گرفته که روز شنبه ۲۹ قوس تیم های بو هنتون کابل و قوای مسلح آغاز گر این مسابقات بودند .

هر دو تیم جهت جا گیری شان از صدر جدول و کسب این جام افتخار آفرین رخداد تاریخی میهن مان افغانستان قهرمان و انقلابی مسابقه شانرا بایک آمادگی عالی نسبت به دیدار های قبلی شان از سر گرفتند طی هشتاد دقیقه وقت تثبیت شده بدون نتیجه گیری کار شانرا پایان دادند و آنها حسب مقررات برای بیست دقیقه وقت اضافی بازی را ادامه دادند که درین مدت بازی باز هم مساوی خاتمه یافت و حسب قوانین طرح شده این مسابقات ، سر نوشت آنها با ضربه آزاد بینالتی تعیین شد که تیم بو هنتون کابل با استفاده ازین شانس پیروز گردید .

روز یکشنبه ۳۰ قوس تیم های فوتبال کارگر و آمو در برابر هم قرار گرفتند که درین مسابقه تیم فوتبال کلب آمو با تلاش بیکیمر و نتیجه سازشان تیم کلب کارگر را با وارد نمودن سه گول به شکست مواجه ساخت . روز دوشنبه اول جدی تیم پامیر مر بو طوزارت ترانسپورت که از جمله نخبه ترین تیم های فوتبال کشور و دارنده لقب قهرمانی چندین ساله تا قبل از مسابقات امسال است در برابر تیم فوتبال کارگر با همه تلاشها و درگیری های شان عاجز مانده نتوانستند درین بازی کاری را به نفع شان پایان دهند و سر انجام تیم کارگر دو بار توپ را به داخل گول تیم پامیر نمود . و شادی کنان میدان مسابقه آنروز را ترک گفتند .

روز سه شنبه دوم جدی تیم بو هنتون کابل و میوند دو مدعی خوب این مسابقات رویا روی هم قرار گرفتند که بازی بعد از تلاشهای اعضای هر دو تیم ، بازی سه مقابل صفر به نفع تیم بو هنتون کابل



Dorothy Hamill

یکی از صحنه های جالب سکی روی یخ

دایور از عبدالکریم «پوبل»

مسابقات فوتبال زیر نام «جام پیروزی» دایر گردید و تیم آمو به گرفتن آن موفق شد

زن و شوهر قهرمان مسابقات سکی روی یخ ، با جهان ورزش وداع نمودند

در طول تاریخ ورزش کشور اولین دسته دختران ورزشکار مابه خارج کشور سفر نمود



حرکات جالب سکی روی یخ واقعا تماشایی است



ورزشکاران سکی روی یخ از مهارت های خاصی برخوردار اند .

خاتمه یافت و به این رقم تیم پوهنتون کابل در جریان این مسابقات به دو مین پیروزی شان دست یافتند . روز چهارشنبه سوم جدی تیم پامیر جوان و پر تلاش با طرح يك پلان عوض نموده نسبت به مسابقه قبلی شان که در برابر تیم کارگر شکست خورده بودند موفق شدند در دیداری تیم آمورا با وارد نمودن يك گول به شکست مواجه سازد . که با ختم مسابقه تیم های پامیر و آمو دور اول مسابقات پایان یافت و نتایج عمو می ارزیابی شد تا تیم صدر نشین جدول هردو گروپ را به دور دوم معرفی سازند که بعد از ارزیابی نتایج عمو می تیم های پوهنتون و آمو به حیث تیم کاندید دور فاینل در هردو تیم شناخته شدند که آنها روز شنبه ششم جدی مسابقه نهایی جام پیروزی قیام ظفر مند ششم جدی را از سر گرفتند که در نتیجه این دیدار تیم فوتبال گلب آمو موفق گردید حریف خوبی خود را که در مسابقات پیشین ازین رویداد نیز حریف دور فاینل آنها بود شکست بدهد و به دست یابی جام پیروزی ششم جدی توفیق یافتند .

ورزشکاران شرکت کننده حرکات موزون و دیدنی را با آهنگ های مست و دلنشین طرف نظرشان که برای تماشا چنان هم خالی از کیف نبود دنبال می نمودند که در هر قسمت از نمایشات تماشاچیان با شور و شعف خاصی ورزشکاران را با گرمی استقبال می نمودند . حرکات آنها چنان گیرا و دلپسند بود که تماشاگران لحظه از دیدن آن بدور نبودند و هر حرکت آنها را با علاقمندی زیاد تماشا میکردند .

طوری که چهره های اشتیاق کننده گان این ورزش از طریق برده تلو یز یون نمایان میگردد در بین شان تفاوت سن زیاد دیده میشود به این معنی که خرد ترین ورزشکار در سنین ۱۴ و ۱۳ در بین دختران بود و بزرگترین آنها در حدود بیست و چهار سال داشتند که با وجود تفاوت سن ، آنها با چنان درخشش و مهارت نمای شگرفی می نمودند که نمیتوان در مورد تمرینات آنها چیزی گفت ؛ و فکر میشود که آنها سالهای زیادی را در فراگیری مهارت های این ورزش پشت سر

ورزش دو ستان گرامی مابه خاطر خواهند داشت که از چندین بدین سو مسابقات بین المللی ۱۹۸۰ سکی روی یخ در یکی از جمنازیوم های سر پوشیده مسکو با اشتراک تعداد زیاد کشور های مترقی و صلحدوست و کشور های انگلستان و ایتالیه تحت نظر نمایندگان کمیته بین المللی المپیک و مقامات

نهاده اند و موفق گردیده اند مشکل ترین حرکات را به تمایش بگذارند که این حقیقت آنها نشان دهنده پشت کار متداوم و موجودیست

- آخر یکبار گفتم که او نیست.
 پس برو ید پی کار تا ن .
 میگو بی اصلا تزار ی و جود
 ندارد .
 سر گرو عبا ن توقف کس ر د
 دستش را بالا آورد و گفت :
 - درگفتن چنین حر فها دقت
 کن . آن وقت با لحن دیگری
 تو ضیح داد .
 - او در شهر نیست .
 ا زمیا ن جمعیت کسی با جواب
 داد .
 - خیال میکنم هیچ جانباشد .
 - مرده ...
 - شیطانها نکند او را تیرباران
 کرده باشید ؟
 - خیال داشتید ملت را نابود
 کنید ؟
 - ملت را نمیکشند، از او استفاده
 میکنند .
 - شما تزار را کشته اید مسی
 فهمید ؟
 - تو کیستی . سر باز . میدانی
 سر باز یعنی چه ؟
 در جای دیگر پیر مردی که
 ریش باریک داشت به حرارت با
 سر باز ن حرف میزد و می گفت:
 - شما آدمید ما هم آدمیم !
 امروز لباس نظا می تن شما -
 ست فردا لباس شخصی ، آنوقت
 میخوا هید کار ، کنید نان لازم
 دارید نه کار پیدا می شود نه نان .
 بچه ها آنوقت تازه شما هم بهمان
 درد گرفتار میشو ید که حالا ما
 دچار آن هستیم ... خوب ! اگر
 شما آنوقت نان و کار بخوا هید
 باید به شما تیر اندازی کرد ؟
 و برای اینکه شکمتان گرسنه
 است با ید شمارا کشت ؟ ها ؟
 سر بازان از سرما می لرزید ند
 پایا میکردند بوت ها را به زمین
 میزدند گوشها را میمالیدند تفنگ
 ها را از یک دست بدست دیگر می
 داد ند ، چشمها نشان با طرف
 حرکت می کرد لبهای یخ زده خود
 را بهم میفشردند بر صورت آنان
 که از سرما کبود شده بود آثاریاس
 و نو میدی پریشانی و حماقت
 خوانده میشد پلکها روی هم می-
 افتاد ، چشمها مخفی میشد ، فقط
 چند نفر آنها که گوی بی بچیزی می
 نگریستند چشمها را تنگ کرده
 بودند و دندا نها را بشدت برهم
 میفشردند . چنین به نظر میرسید
 که بز حمت میخوا هند آتش کینه
 و دشمنی خود را نسبت باین توده



نغمه تازانوف
 اثر ماکسیم گورکی

پیوسته بگذشته

که برای خاطر آنها سرما می‌خورند
فرو نشانند از چهره های افسرده
ورقت بار آنها آثار خستگی و آنده
میبارید. مردم سینه بسینه برابر
آنها ایستاد بودند و گاهی در اثر
فشاری که از عقب پانها وارد می
آمد کمی پیش رفته بسر بازان تنه
می زدند.

مردی با چهره رنگت بریده
آهسته گفت:
- آرام!

دیگران دست سر بازان را
گرفته بودند و با حرارت با آنها
سخن میگفتند سر بازان همچنانکه
چشمک میزدند گوش میدادند
صورتها پشان تر کیم نا معینی
بخود میگردفت و آثار ترس و
خجالت در چهره آنها پدیدار
میشد یکی از آنها بجوانکی که کلاه
پوستی بسر داشت گفت:

- دست بتفنگ نزن.
اما جوانک آهسته با انگشت
بسینه او زد و گفت:

- تو سر بازی یا جلا... ترا
احضار کرده اند که از روسیه در
برابر دشمن دفاع کنی اما حالا
وادارت کرده اند که بسمت ملت تیر-
اندازی کنی میفهمی؟ ملت یعنی
روسیه.

سر باز جواب داد.
- ما تیر اندازی نمیکنیم.
- نگاه کن! روسیه، ملت روس
آنجا ایستاده است و میخواهد
تزار را به بند... کسی حرف او
را برید و فریاد زد.

خیر! نمی خواهند!
- اگر ملت بخوهد را جمع بکار
هایش با تزار صحبت کند چه
خلا فی کرده است؟ خوب بگو
به بینم ها!

سر باز خیره خیره تگریست.
- من نمیدانم.
نفری که در کنار او بود گفت:
- بعد دستو ر داده اند حرف
نزنیم.

آنوقت با یانس و نو میدی آهی
کشید و چشمانش را بزی-
انداخت.
ناگهان یکی از سر بازان از
شخصی که مقابلش ایستاده بود
با مهربانی پرسید:

- همشهری! اهل (ریا زان)
هستی.
- نه اهل «پاسگو فسکی»....
تو اهل کجایی؟ من اهل «ریازان»

آنوقت خنده بلند ی سر داد و
مثل آدمهای یخ کرده شانه هایش
را بالا انداخت.

مردم در برابر صف تیر رنگ
و مستقیم سر بازان میجنبیدند و
چون امواج رودخانه ای کسه
بسنکها میخورد خود را به آن می
زدند دور میشدند دوباره بر می
گشتند. بسیاری بزحمت درک
میکردند چرا باینجا آمده اند و چه
می خواهند و در انتظار چه چیزی
هستند. نه مقصود معینی داشتند

و نه هدف آشکار که بر آن آگاه
باشد فقط حس رنجش شدید و
بریشانی و اضطرابی بر آنها
چیره شده بود بسیاری تشنه
انتقام بودند و این اشتیاق آنها را
بهم پیوسته درجاده نگه داشته بود
اما کسی نبود که عقیده دل خود را
بر او خالی کنند و از وی انتقام
بگیرند... سر بازان کینه آنها را
بر نمی انگیزتند و آنها را تحریک نمی
نمودند، آنها مردمان کند ذهن و



بدبختی بودند سرما آنها را از پای
در آورد. بود و بسیاری حتی قادر
نبودند از لوزه که بر اندامشان
مستولی شده بود جلو گیری
نمایند، مثل بید میبار زیدند و
دندانهایشان بهم میخورد.
آنها میگفتند:

- ما از ساعت چهار صبح تا بحال
اینجا ایستاده ایم.
مصیبت بزرگی است.
دراز بکش و بمیر....
- اگر شما پراکنده شوید ما
هم بسر باز خانه بجای گرمی
خواهیم رفت.

- ساعت چند است؟
تقریباً ساعت دو بعد از ظهر
بود.
سر گروه بان گفت:

- برای چه نگران شده اید منتظر
چه هستید؟
کلمات او صورت جدی و بسا
وقار و لحن اطمینان بخش صدایش
خشم و غضب مردم را فرو مینشانید
مثل اینکه تمام سخنانیکه اکنون
او میگفت از روی عقل و فهم و
عمیق تر از کلمات عادی و ساده اش
بود.

چیزی نیست که انتظار بکشید...
فقط قشون برای خاطر شما رنج
میبرد.

مرد جوانی آنوقت پرسید.
- بسمت ما تیر اندازی خواهید
کرد.

سر گروه بان اندکی خاموش
شد و با آرامش جواب داد:
- اگر امر کنند تیر اندازی می
کنیم.

بشنیدن این حرف سیل سرزنش
و ملامت و دشنام و استهزا از میان
جمعیت برخاست مرد سرخ رو و
دراز اندامی با صدای رسا تر از



دیگران پرسید.
برای چه برای چه تیر اندازی
میکنید.

سر گروه بان پشت گوشش را
خاریده تو ضیح داد.
- پس میگوئید دستو فرمانده
را اطاعت نکنیم.

سر بازان حرف مردم را می
شنیدند و باد لنتگی و افسردگی
خاطر چشمها را برهم میبردند.
یکی از آنها آهسته گفت:

- خوب بود یک جیر گرم و
داغی اینجا بود!...
صدای کینه جو و غمناکی
پرسید.

- خون مرا میخواهی.
سر باز دلتنگ شد و با ترش رویی
گفت:
- من حیوان نیستم.

چشمهای بسیاری بصورت تهای
بزرگ و تخت سر بازان که در
خط زنجیر طولانی ایستاده بودند
با خاموشی و کنجکاوی تحقیر و
تفره مینگریست اما اکثریست
کوشش داشت با آتش میجسان
خود آنها را گرم کند، در قلبهای
شان که چون سر باز خانه ای
محکم بسته شده و حسن انسانیست
را برا نگیزد.

اکثریت، مردم میخواهند ستند کاری
انجام دهند و بظرفی احساسات
و افکار خویش را بصورت موجود
زند و جان داری مجسم نمایند
و خود را لاجو خانه باین مجسمه
های سرد و خاموش میزدند که
تنها یک ارزو داشتند و آن اینکه
هر چه زود تر به جای گرمی بروند
و اعضای یخ زده و گوفته خود را
گرم کنند.

حرفها پیوسته گرمتر و واضح
تر میشد.
مرد فریبی باریش بلند و
چشمها ن کیود گفت:

- سر بازان آخر شما کیستید؟
شما فرزندان ملت روس هستید!
ملت از فقر و گرسنگی رنج میکشد
به کلی فراموش شده است، پناهی
ندارد، کار ندارد، نان ندارد، و
امروز آمده است از تزار طلب
یاری و کمک کند. اما تزار بشما
دستور داده است بجانب ما تیر
اندازی کنید سر بازان! ملت از
پدران و برادران شما تشکیل شده
است تلاش و تکاپوی او تنها
برای خودش نیست بلکه برای
اسایش شما هم هست. شما را
بضد ملت بر می انگیزند بیدرکشی
و برادر کشی و امیدارند آخر کمی
فکر کنید راستی نمی فهمید که
بضرر خودتان اقدام میکنید.

بنظر میرسید که صدای آرام
و یکنواخت چهره رووف وریش
سپید و ظاهرا آراسته این مرد
و کلمات ساده و بی ریای او سر-
بازان را بهیجان آورد. است.
آنها در برابر نگاه او چشمها
را بزیر انداخته بودند و بدقت
گوش میدادند. برخی در حالیکه
سر تکان میدادند آه میکشیدند.
عده دیگر ابروها را درهم کشیدند
بودند و به اطراف نگاه میکردند.
کسی با صدای آهسته به پیر
مرد نصیحت کرد.

بقیه در صفحه ۴۲

خوشحال او پو شكين

سنگر

اقلان

اقلان نه مری

هغوی همیشنی او ژوندی دی.

د هغوی د ژوند لادخو نې یوگي نگو له څنگه دمر کی دکو می به خواکی تیره شوی ده. له داراو ناهیلو سره یی د تل له پاره مخه ښه کی یده.

به ټول ژوندانه کی درون او انسانی هدف په سره واپ کی مخ په وړاندی درومی او هیڅکله نه تر شا کیږی .

د نوم وړ کو سر تیره په شان دنوم او نښان دکپلو له پاره نه جنکیږی بلکه دانسان دنیک مرغی او همیشنی خلاصون په لار کی سر، مال او شتمنی ښیندی .

دانسانی لوږ و هیلو د بــــری او سر ته رسیدو په کږ لیچنه لار او د قربانی په وخت کی د ټولو په مخکی اود امتیازونو په وخت کی تر ټو لو ورو سته او په ورو ستنی کږښه کی ځای لری اود هیچ امتیاز د تر لاسه کو لو لیوال نه وی ، ځکه چی د امتیازو نولیاو لیا یی اقلان ته کلک گوزار ورکوی او له تورو خاورو سره یی برابروی .

هغوی د باتورانو په شان هدف مند ژوند کوی ، خپله ژمنه تر سره کوی او هن دا چی مړینه یی هم د ژوند یوله پاره ستر ویاړنه او ویر نه پریږدی .

هغوی د تورتیم درنا کولو او دورخی دبری په خاطر ځان لکه د یوه ویلی کوی اود هد فوال ژوند دلاری کیږی . لیچو نو په روښا نه کو لـــوسره خپل خوږ عمر پای ته رسوی . هغوی باوری دی چی دخپل اولس او زیار ایستو نکو پر گنو دسو کالی او خلاصون دبسیا کیدوله پاره باید له ځانه تیر شی او خپل هوډ جن سر وښندی .

هغوی پر ننگ سرو نه پدی اود خپلو سر ښیندو نو په اڅکا زو خپل خوبوری او دبیر یو بیږیو په درانده خوب و یده شوی خلک را وینوی چی دخپلی آزا دی د ښمن منگلی ماتی کړی .

هوا

هغوی له خلکو سره دپیو ستون پت پتانی او راز موندلی وی او په دی بو هیری چی دمر کی خونسری منگلی هم ددغه پیو ستون مرغلین پری شلو لای نه شی یوازی او یوازی له خلکو سره به نه شلیدونکی پیوستون کی بت او ننگ، هوډاو تکل، بری او پایښت نغښتی دی چی برته له همدی اړیکی نه ډیر غښتلی قو تو نه پرزیږی او له مینځه ځی .

۱۳۵۹ ر ۷ ۲۰ ټلو یز یون

خو شحال خان خټک زموږ دوپارلی هیواد افغانستان لوی شاعر اود ښتو ژبی پلار اود شو روی اتحاد دروس ستر شاعر پو شकिन یو له بل سره ډیر گډه اړ خو نه لری چی د افغانی او روس دنوروشاعرانو په پرتله یی د ادب په لوړ ځای کی ځای تر لاسه کړیدی .
خوشحال او پو شकिन دواړه په بله یو او مخورو کور نیوکی زیږیدی

برمخ یی دمزله وهلولوی ورپسرا - نیستلی دی .

دپو شकिन تر زېږید نی یو سلو لس کا له پخوا کله چی خوشحال دخپل وخت له زړه بو گنوونکی چا -

پیریال سره آشنا شو اود پښتو دشعر او ادب چینه یی ورپو لسه په پښتو ژبه له در بارو نو څخه

یی سهر او ډیر لیری به او لس کی شته والی در لود ، خو شحال خټک په همدغه خپل شوی او تر ټول شوی ژبه کی د هماغه وخت د ناخالو

سر بیره داسی مړ غلری ویی چی ساری یی لږ پیدا کیدای اوستری ادبی بانکی بلل کیدای شی چی رانلو نکو

ته دستر فر هنگی میراث به تو گه پاتی شوی او پیری پیری به خپل برلاستوب او اصالت خوندی وساتی .

همدا شان دخو شحال تر مړینی یوسلو لس کا له ورو سته چی د روس ستر شاعر داد خپل او لس

رښتیا نی تر جمان خپلی ستر کی پرا نیستلی دروس د تزارانو په اشرا -

فی دربارونو کی فرا نسوی ژبی دومی دومره برلاستوب موندلی و چی

پوشکین په پور تنیو شرا یطو کی ا دادب او شعر دیوه ما هر خټک

په توگه دروسی ژبی بنسټ کښیښود او دخپلورا ټلو نکو له پاره یی اغز نه لار هواره کړی له اود اشرا فی دربارد ستاینو پر ځای یی دخپل او لس

ویاړونو او ویرنو بوللی ، و بللی خوشحال او پو شकिन دواړو د خپلو لرغونو او قهر ما نو او لسو نو

اود خلکو د ژغورن ډگر ته ورو دانگل اود ښکیلاک گرو او زبښناک گرو د لوټ او تالان پر ضد یی خپل انسانی

غږ او چت کړی اود خلکو په راو یښولو سره یی د هغوی دښمنانو ته د سر خوږ پیدا کړی اود را ټلو نکو

یالیتو بو نو دیوه یی ولکوله ، خو - شحال خټک دهند دگور گیا نو د ښکیلاک گری امپرا طوری د غیر انسانی

چلند پر ضد د ژوندانه تر با یه پوری دخپلو باتورو ملگرو ایمل خان اود ریاخان په ننگه او ملاتړ د آزادی

بیرغ رابانده وساته اود ننگ لو ست یی دگور گانی رنښور له خو نسری

زندان نه تر لاسه کړی .

پو شकिन هم دخپل او لس دېز گرا نو او زیار ایستونکو پر گنو

اود روس د ستری امپراتوری تر ښکیلاک لاندی مظلومو او لسو نو له ترخه

ژوندانه اوزړه بو گنوونکی چا پیر - یال نه انقلابی زده کړه وکړه اود

خلکو د خلاصون له ژغو رنده غور څنگ دیکا بر یستا نو، سره ملگری شو چی دگر پیا یدیف او چا یدایف

په ملگر تیا یی د زر غونځرا غ ادبی ټولنه لاپیاوړی کړی له او داو لسی

سندرو په را مینځ ته کولو سره یی د خلکو په راو یښو لو کی لو یسه ونډه

وا خپستله . پو شकिन لکه خوشحال دخپل

او لس ویر نو او ویاړ نو تو دی او سړی ترانی و بللی چی له همدی کبله یی د هماغه وخت د تزاری

واکمن کړی که وگټله او په سا پیر یا اویا سلاو یڅکی معبد یعنی سپی خورو

ځایو نو کړی د پښتو کیدو پر پیکره وشوه مگر د هغه دڅښو مخسورو

خپلو انو په شفاعت و پسر نو او دروسی جنو بی بر خوته دلیکونکی

په توگه وشړل شو . لکه څنگه چی خوشحال خټک خپل

د شعر او ادب درنگینو مرغلرو ډیره برخه تنبور جیل کی وپیله ، پو -

شکن هم د تزار ری روسی دامپرا - طوری په جنو بی سیمو کی چی تبعید شو ولیکلو چی په روسی اد -

بیاتو کی یی د قفقاز اسیر ، جگړه مار - ورو نه ، دباغچه سرای فواری اونور

ډیر نامتو دی . خوشحال او پو شकिन دواړه تکره

نثر لیکو نکو و چی دشعر اونشر دښکلو مرغلرو په پیلو سره یی

پښتو اوروسی ژبی له غږ ند والی او مړینی نه وژغور لی اود مړ ژوند توب

له منگلو نه یی له ژغورلو وروسته د غور - یدو او بشپړ له تابه خواته بوتللی .

لکه څنگه چی خوشحال خان خټک په خپلو ادبی مرغلرو کی دخپل کام

او او لس د ژوندانه تیاره گوتونه دادبی نقد بوا سطره غنند لی دی .

پوشکین هم دخپل او لس د زړه بو گنوونکی ژوند په بیلا بیلو

اړ خو نو رڼا اچولی او ناوړه څیزونه یی غنندلی دی .

پاتی به ۵۱ مخکی

علل کمبود و گرانگی

ندارد باز هم اگر وزارت دفاع ملی اقداماتی برای بی امنی های احتمالی در دست اجرا گیرد موثرتر داران با کمال علاقه و وسایل خود را در کار انتقال چوب میگذارند و از این اقدام دولت بسیار شادهم میگردند چرا که این وسیله زندگی شان است و با توقف موثرها عاید شان کاهش مییابد. ((چنانکه همین شیوه به کار گرفته شد)) در مورد اینکه راه حل عملی و همیشه گمی معضله چه میباشد، به نظر من باید ارگان هایی مانند وزارت معادن و صنایع ریاست عمومی ترانسپورت زمینی وزارت ترانسپورت و توریسم، وزارت آب و برق و شاروالی کابل همه با هم تمام مشکلات محروقاتی

و اینکه عدم امنیت شاهراه ها یکی از علل اساسی نرسیدن چوب بکابل و کمبود و گرانگی آن در اویل زمستان محسوب میگردد.

رئیس امور سیاسی در پاسخ به این مسئله چنین ابراز نظر کرد که تاکنون شاروالی کابل تقاضای در این زمینه به عمل نیاورده و در صورتیکه ضرورتی محسوس باشد و پیشنهادی به وزارت دفاع صورت گیرد این وزارت حاضر است هم چنانکه تاکنون بوده هر گونه شرایط تامین امنیت را برای کاروان های حامل چوب در نظر گیرد.

این یاد آوری از آن جهت شد که شاروالی کابل در جریان آن قرار داشته باشد.

که در کار انتقال چوب وظایفی به عهده دارند با آرامش خاطر به ایفای وظایف خود بپردازند و از جهت تامین امنیت کاملاً اطمینان داشته باشند.

نماینده وزارت دفاع ملی :

باتوجه به اینکه در این گردهم آیی تاکنون به وسیله چند گوینده محترم اشاراتی شد به مشکلی که برای چند هفته محدود از نظر تامین امنیت انتقال چوب به مرکز به وجود آمده بود چند نکته را برای روشن شدن بیشتر موضوع یاد آوری میکنم.

همانگونه که محترم اورنگ معاون کمیته ولایتی کابل در بخشی از سخنان خود اشاره کردند بعد از پیروزی مرحله نوین انقلاب شور مرحله نجات انقلاب و مردم و مرحله بی که تمام منافع استثماری محافل ارتجاعی به خطر جدی از میان برداشته شدن همیشگی قرار گرفت، ایسنا محافل با تمام قدرت کوشیدند و تلاش به خرج دادند که به زعم

گروپ ها و گروه ها خاتمه دهد و تامین امنیت را در تمام شاهراه ها تضمین کند.

باندهای خرابکار که قدرت مقابله رو در روی رابا قوای مسلح بیدار و انقلابی کشور مابه هیچوجه در خود نمیدیدند تکنیک مبارزه سیاه خود را عوض کردند و دست به دزدی غارت، چپاول و یرانگری، تخریب حریق و راهگیری و اذیت مردم به اشکال گوناگون شدند که ایجاد مانع در انتقال چوب به مرکز در یک مدت کوتاه شیوه بی از این گونه اعمال ضد انسانی محسوب میگردد و در جریان اقدامات آنان در همین مدت کوتاه بود که شهریان کابل کم و بیش با مشکلاتی در تهیه و خرید مواد محروقاتی و خاصاً چوب مواجه گردیدند، اما موضوع عدم امنیت در شاهراهها کاملاً دروغ و بی اساس است و این شایعات پیشرفته بی بود که عمال این باندها و گروه ها برای مشوش ساختن



لطفاً لحظه‌ای با ما درمیزگرد و ژوندون بنشینید

را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهند و برای آن یک طرح عملیاتی علمی را پیشنهاد کنند که وظایف هر یک از ارگان‌ها را مشخص سازد و گام های موثر نیز در جهت تعویض انرژی برداشته شود.

رووف راصع :

به ارتباط و تایید گفته های محترم معاون کمیته ولایتی کابل یاد آور میگردد که چند روز پیش به ارتباط یک موضوع به همراهی مدیر ژوندون ملاقاتی داشتیم با برید جنرال گل آقا رئیس عمومی سیاسی وزارت دفاع ملی، و در جریان همین ملاقات بود که در خلال صحبت اشاره بی رفت به موضوع مورد بحث کنونی

معاون کمیته ولایتی کابل :

من باید یک نکته را به گفته های قبلی ام بیفزایم و آن اینکه عدم تامین امنیت شاهراه ها که قبلاً به آن اشاره کردم و مدت کمی وجود داشت. اکنون به صورت قطع از میان رفته و وسایل نقلیه حامل چوب با هیچ مشکلی در این مورد روبرو نمیشوند. حزب با در نظر گیری مشکلاتی که به وجود آمده بود تصمیم قاطع را به مرحله اجرا قرار داد و اکنون تعدادی از اعضای آن در شاهراهها و نقاطی که پیش از این مواجه با خطر بود موضع گرفته اند.

با این توضیح امیدوارم شاروالی کابل و مقامات وارگان های دیگری

خودشان در راه پیروزی قطععی ماسد ایجاد کنند و مشکلاتی را به وجود آورند و به همین اساس بود که آنها دست به ایجاد گروه ها و باندهای خرابکار زدند و مقاومت های بزرگ را ترتیب دادند اما خوش بختانه همانگونه که قوای مسلح با حمایت قاطعانه مردم افغانستان توانست که انقلاب را به پیروزی رساند در این مرحله نیز با برخورداری از حمایت تمام طبقات و اقشار زحمت کش و رنجبر و روشنفکران کشور و پشتیبانی فرد فرد مردم نجیب و شریف افغانستان موفق گردید که به تمام اشکال مقاومت ضد ملی و ضد انقلابی این باندها

اذهان مردم شریف مایخس میگردند.

راخله راصع :

برای رفع اساسی و یکباره دشواری و مشکل محروقات من فکر میکنم در قدم نخستین باید احصائیه های دقیقی از میزان نیاز مندی کنونی شهر کابل به مقدار انرژی سوختن تهیه گردد و بعد امکانات تعویض انرژی به میان آید چه در شرایط کنونی که شاروالی کابل همانگونه که محترم معاون شاروالی در جریان صحبت خود اشاره کردند هیچ احصائیه بی در این مورد ندارد طرح هرگونه پلان اقدامی شتابزده است که موثریت در حد توقع نخواهد داشت.

ناتمام



هیروئین سینمای اتحاد شوروی
تصویر راستین وزنده ای از مردم
وروداد های زمان های گذشته را به
خوبی روی پرده سینما نمایش میدهند

ملی و نظامی خلق های اتحاد جماهیر
شوروی سو سیا لیستی را تصویر
می کنند در سال های اخیر
نیز فیلم های در باره تاریخ
ملی جنگ جهانی دوم تهیه شده
است این رده بندی مانند هر
مبحثی در تاریخی هنر قابل
بحث و بررسی است رده های
گوناگون نقاط مشترک بسیار
دارند و گاه بر هم منطبق می شوند
اما پذیرفتن آن، برخورد با فیلم
های تاریخی شوروی را آسان
می سازد.

در کشور شوروی در تمام مرا-
حل تکامل سینما و حتی در خلال
دوران پیش از انقلاب فیلم های
بر پایه سوزن های تاریخی
تهیه شده است نخستین فیلم
عمده سینمای روس ما نند
(ستگار ازین) «بوریس گودونوف»
«یک عروسی روسی قرن شانزدهم»
(او از کلاشنیکوف بارزگان)
که در سال های (۱۹۵۷ تا ۱۹۵۹)
ساخته شده اند به گذشته
دور می پردازند. اما این فیلم
ها به جای آن که روح زمان
های گذشته را منتقل کنند در
حقیقت تنها نمایش های بورژ-
وایی بودند که در لباس های
تاریخی با زی می شدند
نخستین تلاش اصیل برای

ترسیم سوشل پیک حاد تاریخی
در فیلم دفاع از ستوپول
(۱۹۱۱) دیده می شد این فیلم
که محور آن میدان نبرد بود -
کیب پیچیدگی ای از ویژگی های
سلطنت طلبان ارتجاعی و احسا-
سات دموکراتیک میهن پرستانه
را نشان می داد. فیلم های بعدی
مانند (۱۸۱۲ تا ۱۹۱۲) (وسپند



نگو شی به سینمای شوروی این سینمای انسانی

های تاریخی سینمای شوروی در
چندین رده مجزا قابل بررسی
است فیلم های تاریخی انقلابی در
را بطنه با جنبش انقلابی تاریخ
حزب کمونیست، انقلاب کبیر
سو سیا لیستی اکتبر و جنگ دا-
خلی فیلم های پیرامون دوره
های اخیر زندگی خلق روس
وسا پر خلق های اتحاد شوروی فیلم
های زندگی نامه ای که زندگی
نمایندگان بلند پایه دانش، فر-
هنگ و چهره های درخشان تاریخ



صحنه‌ی از فیلم «چهل و یکم»

سال سلسله روما نو ف (۱۹۱۳))
گر چه مدعی نمایش حوادث تاریخی عظیم بود ند در واقع کیفیت با بین تری داشتند. فیلم را می توان تا ریخی شمرد. بیشتر این فیلم ها از آثار ادبیات کلاسیک روس اقتباس شده بود (سید بی بی بیک از یو شکین بویاراورشا از لرمونتوف جنگ و صلح از تولستوی و غیره). تمام این فیلم ها عمدتاً بر پایه مناسبات روسیه و ما نیک قبرمان داستان ها استوار بودند.

انقلاب و سینما - دوره سینمای صامت :

انقلاب کبیر روسیه سینمایی اکبر و ظریف و سرشت سوژه ها و سبک سینمای تاریخی را از بنیاد دیگرگون ساخت بر جسته ترین و هو شمند ترین فیلم سازان و طیفه دشوار بزرگداشت رشادت های انقلابی مردم

صحنه‌ی از فیلم «زندگی زیباست»

تزاری ارا نه می کرد قبر مانان فیلم برای نخستین بار در تاریخ سینما کارگران انقلابی بودند که به عنوان سازندگان تاریخ به نمایش درآمدند.

رژمنابو تیو مکین واکتبر :

اصول تازه ای که در فیلم (اعتصاب) ابداع شده بود در فیلم بعدی ایزنشتین به نام (رژمنابو تیو مکین ۱۹۲۵) به طرز درخشانی تکامل یافت.

مقصود اصلی ایزنشتین آگادروانو (فیلم نامه نویسی) وادوار - دتیس (فیلم بردار) در این فیلم نشان دادن مهم ترین رویداد های سال (۱۹۰۵) بود یک شنبه خونین، اعتصابات با کور او و انوو و آشوب های مادمسا میر در مسکو اما وقتی کار بر روی فیلم آغاز شد در یافتند که گنجاندن آن همه رویداد در یک فیلم ناممکن است (ناتمام)

یکی از اولین آثار این مجموعه فیلم (اعتصاب) (۱۹۲۴) اثر سرگی ایزنشتین بود اثری که بر تافته از شور سینمایی تصویری از نبرد انقلابی پروتاریای روس علیه رژیم

و نیت مبارزه انقلابی را به عهده گرفتند. سرگی ایزنشتین و سه و لود بود دو فکین الکساندر داوژنکو و معا صرین شان نخستین فیلم های انقلابی تاریخی شوروی را عرضه کردند.



صحنه‌ی از فیلم «آسمان صاف»

وظایف سازمان دموکراتیک زنان افغانستان

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان به‌دنبال مشعلدار نهفت انقلاب بی‌زنان میسر چون سایر سازمان‌ها نه‌ای مترقی فسیل از چرخش پیروز مند ششم جلدی در برابر دیو سیمکار ارتجاع و جنایات دشت اوروزیم امین و باند سیاه اش شجاعانه رزمیده اند و در کنار وفای رزمنده حزب دموکراتیک خلق افغانستان در بدترین لحظات، مشکل ترین کارها را انجام داده اند و در جریان این مبارک شجاعانه تعقیب، تهدید، برکناری از کار، زندان و شکنجه را متحمل شده اند.

باید گفت که با بمیان آمدن تحول شش‌جلی زمینه های گسترده برای سهم گیری زنان در همه ساحات زندگی اعم از سیاسی اقتصادی و اجتماعی فراهم گردیده و زنان را نسته اند که حتی در سنگرهای داغ‌پیکار در کنار دیگر رزمندگان سهم خود را در سرکوبی دشمنان وطن و انقلاب فعالانه و شجاعانه ایفا نمایند که البته در اثر فعالیت‌های زیاد در این اواخر سازمان دموکراتیک زنان افغانستان جهت وسعت هر چه بیشتر صفوف خود جلب و جذب وسیعی را در بین اقشار مختلف زنان آغاز نموده و توانسته که در مدت کم تا هم صفوف رزمنده سازمان دموکراتیک زنان افغانستان را گسترش دهد.

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان جهت تشکیل زنان و بغا طر بر آورده شدن ارما نه‌ای سیاسی اجتماعی و اقتصادی زنان کشور ما ایجاد گردیده و در طی این پانزده سال با صراحت می‌توان گفت که از هیچ‌گونه تلاش برای بر آورده شدن آرمانهای بزرگ زنان دریغ نکرده و در مختق ترین و دشوارترین شرایط هم شجاعانه در کنار سایر نیروهای وطنپرست رزمیده است. زنان مسلح و ست جهان اینکه تا چه حدودی در کار موفق بوده سوا نیست که نباید با آن بر خورد ذهنیگرا نه نمود.

وظایف سازمان دموکراتیک زنان افغانستان از بنو تاسیس محدود در ساحه ملی نبوده بلکه در کنار سایر نیروهای مترقی و وطنپرست در بزرگداشت از مناسبت‌های مهم بین‌المللی و همبستگی با نیروهای مترقی جهان بخصوص زنان پیشرو اقدام نموده است.

باید متذکر شد که سازمان دموکراتیک زنان افغانستان افتخار عضویت فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان را نیز کسب نموده و می‌کوشد روز تا روز روابط صمیمانه تری را بین زنان افغانستان و همه زنان صلح‌دوست جهان برقرار نماید که این خود گام بزرگ جهت تحکیم و تقویت روابط نیک‌بینانه میان ما با همه سازمان‌های مترقی در جهان است.

در لحظات حساس که مبین مان - پیروزمندان بسوی نور بسوی آینده شکوفان به پیش می‌روند نباید اینرا فراموش کرد که عناصر ضد انقلاب این خطا شان شب پرست در لبه گور می‌خواهند بطول عمر خود بی‌فزاینده زنان آگاه و با احساس وطن را در سنگر گرم مبارزه سازمان دموکراتیک زنان افغانستان فرا می‌خوانیم تا در جهت دفاع از دست آورد های انقلاب در صفوف سازمان دموکراتیک زنان متشکل شوند.

سپری نمودن اوقات فراغت فرزندان در خانه

اطفال همیشه احتیاج به تفریح و استراحت دارند و از اینکه درین سن و سال بی‌بازی آنها کامی است بهتر است آنها را تحت بپر دازند از آن لذت ببرند مادران عزیز - مرا قبت خودتان به بازی سرگرم کننده -

بگو سید که این توقع را در فرزندان خود وادار کنید تا مجبور نشوند که به سراغ خراب‌گوش کمتر کنید که تمام اوقات بعد از مکتب را به وسایل خانه برونند، و خرابکاری و ابله‌آوردن یک نوشتن و خواندن درس بگذرانند روز چند بازی با سرگرمی جدید برای مدت زیادتی

اطفال را سرگرم نگاه می‌کند و مادران نیز ۲- هر تپ کردن عکس:

باخیال راحت می‌توانند به کارهای منزل رسیدگی نمایند.

که خارج شدن اطفال از خانه کارمشکلی است و در ضمن ضامن راحتی اعصاب شما هم می‌باشد پیشنهاد می‌کنیم:

۱- قصه گفتن و بازی هوش:

به اطفال یاد بدید که باهم مسابقه بیست سوالی بدهند یا اینکه یکی از بچه ها شخص معر و فی را انتخاب کند و از دیگران بخواهد با سوال کردن وادما و اشاره اسم آن را تشخیص و پیدا کند. یک جایزه کوچک و کم قیمت برای برنده این مسابقه، مدت زیادی اطفال را وادار خواهد کرد که با دقت و علاقه با این بازی ادامه دهند.

۳- کار دستی:

از آنها بخواهید برای پتان قاب عکس و اشیایی امثال آنرا بسازند. بهتر است درین مورد خودتان هم کمک کنید مثلا ساختن گیلان از کاغذ و غیره.



جدایی پدر و مادر

وسه نوشت اطفال

بعضی زنان و شوهران که دارای خاصیت ووجه مشترک نیستند و اخلاقشان سازگار نیست خود را خوبت احساس نکرده تصور می کنند که جدایی و طلاق بهترین راه حل مشکل آنهاست در حالیکه چند طفل قدو نیم قد هم دارند اقدام به طلاق و جدایی می کنند که به یقین با انجام این کار اشتباه بزرگی را مرتکب می شوند.

اینچنین زن و شوهرها بعد از تب و تلاش زیاد و گرفتن یک وکیل و با مصرف یک مقدار پول و وقتی به هدف خویش نایل شدند و با رضایت خاطر محکمه را ترک نمودند تازه متوجه می گردند که واقعا دست به جرم و جنایت زده اند جنایتی که اصلا قابل عفو و بخشش نیست و با دیدن نمره های نامیمون از دواج این ناراحتی ها بیشتر شده که به یقین این عذاب و جدان تا ابد با این پدران و مادران خواهد بود.

معمولا درین نوع جدایی ها طبق توافقی یکی از طرفین از گرفتن اطفال محروم می شود و سرپرستی اطفال را یکی از آنها قبول می کند و طرف مقابل هر هفته و یا هر ماه بدین اطفال بر عهده و نرسیده می رود و اطفال معصوم و بی گناه به دیدن پدر و یا مادر چشمش روشن می شود مثلا اگر پدر است اطفال میدانند که سرخورده این پدر هستند بدین دیگر گرم و محبت آمیز نیست و سوالاتی نزد ایشان خلق می شود، مثلا اگر آن مرد پدرشان است چرا به خانسه آنها بود و یا شن ندارد؟ و با آنها و مادرشان زندگی نمی کند؟ چرا ما نند پدران دیگر به آنها شربتی، لباس و غیره سازمان و

لوازم زندگی را تهیه نمی کند؟ بالاخره این چراها در ذهن اطفال تراکم نموده گذشته از آنکه روح طفل را متاثر می سازد و مانند مور یا نه او را میخورد عقده های را نیز برای اطفال خلق می کند که یک عمر با آنها خواهد بود که به یقین عواقب آن ناگوار و دردناک است. اگر پدر و مادری با یک احساس انسانی در برابر اطفال خویش، این غنچه های باز نشده و این موجودات که دست های ضعیف و کوچک شان آینده ساز است آینده که به یقین شکوفان است و فارغ از همه ستم ها و مظالم حیوانی، بر خورد در دست نمایند و بگو و مگوی های فانی را نادیده بگیرند و حتی بخاطر داشتن فرزند خود راوقف نمایند جا دارد تا بنام یک پدر و مادر مهربان و با وفا بخود ببالند و افتخار نمایند.

قبلا متذکر شدیم که وقتی زن و شوهر از هم فاصله می گیرند معمولا اطفال نرسیده یکی از آنها مخصوصا مادر می ماند که همه مسئولیت آن ها را بر عهده می گیرد و پدر گامی بسراغ آنها می آید که متاسفانه با آمدن خود مشکلی را بر مشکلات قبلی می افزاید مثلا وقتی اطفال چند ساعتی را با پدر سپری می کنند از حرف های نو و وعده ای چوب و نرم می شنوند آنها با تمام وجود و با احساس طفلانه شان تسلیم خواهند شد و از مادر شکوه و شکایت می نمایند وقتی دوباره نزد مادر بر می گردند بهانه گیری و بر خاشگری را شعار ساخته و طرز معاشرت و برخورد آنها بکلی عوض می شود مثلا غذاهای را که قبلا

به اشتها و میل صرف می نمودند با کمال بی میلی و بی اشتها می خورند و از بی مزه بودن آن شکایت می نمایند و غذای را تعریف می نمایند که با پدرشان در یکی از رستوران ها صرف نموده اند و از مادر میخوانند که همان غذا را باهمان لذت و طعم طبخ نماید از اینکه اطفال بیشتر از بزرگان زیرک و کنجکاوند و بیوسته از پدر می پرسند که چرا روا بط شما با مادر ما بر هم خورد؟ چرا به منزل نمی آید و چرا از مادرم جدا شده اید؟

که پدر برای اینکه خودش را بی گناه نشان دهد و برائت حاصل نماید همه گناه را بدوش مادر می اندازد و برای اینکه در ذهن اطفال کو بیده نشود خودش را شخص مهربان و پدر روف جلو میدهد. بدین ترتیب با صحبت های میان تپ میخواند ذهن اطفال را که چون آئینه صفا و روشن است غبار آلود و مکدر سازد. گاهی اتفاق می افتد که اولاد

روای این ملحوظ گامی گامی تصمیم می گیرد که از رفتن آنها نزد پدرشان جلو گیری کند و نگذارد بیشتر ازین برای اطفال لم، برای جگر گوشه هایش عقده تولید شود و سوال های گنگ و طفلانه ذهنشان را مور یا نه وار بخورد. اما وقتی متوجه می شود که اطفال به پدرشان به آن مرد قصیرا لقلب علاقه و محبت فراوان دارند و نشود با این عمل بیشتر از بیشتر به عقیده های روحی شان افزوده گردد پسند با قبول همه دشواری ها و مشکلات زانوی غم را در بغل گرفته و بسا همه ناراحتی هادر فکر آینده می افتند آینده که جگر گوشه هایش دارای تربیت سالم دارای روحیه وطن دوستی و وطن پرستی و غیره شجاری ای انسانیه بار آیند تا بتوانند از داشتن نام مادر بخود بیالند و افتخار کنند.



چه بهتر که زن و شوهر رفیق زندگی هم باشند تارقیب زندگی

تاسم

شعر نیمه شعر
که قافیه را سوزان
بنایم بر دم زان آواز

باز سوزانیم چو باد
باز سوزانیم چو باد
باز سوزانیم چو باد



ترا نه برای گفتن

بین حقیقت مردن را ، بین
فسردن و بزمردن را ، در گل
بین شکوه شگفتن را ، در غنچه
وازديار کدامین تيار میایی
بخوان ترانه گفتن را !

په گېرې: ده چه دپایه توده غېزه کی
دادمرگی دور کی شپه سبایکه
په گېرې: ده چه دمینی په مسیتو کی
دادغونو نور کی اپیداکم

سر غنډوی شاعر ته

کړانه زړه کی ته را نپیر دی آشنا
زمون دلاری عقیدی آشنا
له تاسره یو څو خبری لرم
سپری ، تودی ، خوږی ، ترخی آشنا
ته دغمو نو او ویرو نو شاعر
زه دبپو زلو در نحو نو شاعر
ته دزیار کېنو در پرو نو شاعر
زه یی دکر یگور یادو نوشا عر
ته داوولس دسرو ننگو نو شاعر
زه یی دشخړو اورزمو نو شاعر
ته یی دماټو او پر یو شاعر
زه یی دبرم او پرتمو نو شاعر
زه او ته دواړه بید یا نی بوتی یوو
اغزی پرست یوو، گل لمانځوو نکي
نه یوو
له هر یو ځلی نه بت مه جوړ وه
موږ بت شکن، بت جوړوونکی نه یوو
ته دسپری ځمکی په زړه کی کړه
درازوان ژوند ون تاوده تخمو نه
زه به دی شا پرو ته او به سیخوم
چی را زرغو ن شی به کی سره گلونه
لاره او ږده ده کړ لیچو نه لری
شاعره واوره چی ستو مان نه شی
داڅو لاپیل دی تر پای ډیر واټن شته
په وړاندی څه چی پنبیمان نه شی
د خو نوری لار هر یو گام و تږه
دهر کړ لیچ لنډول زغم غواړی
دهر کی کو می کی دلاری منزل
پهلوان زړه غواړی لوی غم غواړی
وا وړه زما د ننگ خبره واوره
پردغی لارچی خوو ټول عمر به خوو
که په لیمو او په خاپو پرو تک شمی
خان په منزل تهرسو رسو و
په وړا ندی درومه چی راستون نه شی
څه د هد ف په لور مخه گر څوه
دسر بنند نی وخت کی جکی جکی
دابه تاوردی چی ما مه هیروه
دلهم ۱۹-۱۳۵۶ کال
کابل - سمندت خانه

سر شاک

پرسیدم از سرشک، که سرچشمه
ات کجاست ؟
نالید وگفت: «سر» زکجا چشمه
از کجاست
لبخند لب ندیده ی قلبم که پیش
عشق:
هر وقت دم زخنده زدم، گفت:
نا کجاست !

(قصایب)

وصف عشق

در عشق جنو نیست که تد بیر ندارد
 دیوانه این بادیه زنجیر ندا رد
 مجنون منشانرا بخرا بیست تمایل
 ویرانه دل حا جت تعمیر ندارد
 نا صبح منم آن سو خنه عشق که هرگز
 درمن سخن سرد تو تا تیر ندارد
 بی سوز محبت نشوی محرم اسرار
 داغیکه مراسوخنه تفسیر ندارد
 ازمن مگنر شوخ شکار افکنم ، اینجا :
 چون من نگه ناز تو نخجیر ندارد
 وصفت چه نو یسم که ملا مست نکند عشق
 حسن تو خیا لیست که تصو بیر ندارد
 در حلقه آنان که محبت شناسند .
 بارق به جز از عشق تو تقصیر ندارد .

آرزو

همی خواهم که چون مرغان دریا
 به پهنای طرب ها پر کشایم
 ز تم پهلوی به امواج خروشان
 سرود مست دریا ها سرایم
 * * *
 همی خواهم که چون بیک طرب ها
 بهر جامزده عشرت رسانم
 جهان لیریز سازم از خوشی ها
 نشان غم درین عالم نمانم

دنبه کلا دنیا کی

زلفی ماران ماران شونهای خندان خندان
 سترگی پیا لی بیالی رخسار گلان گلان
 پایه دی غشی غشی وریشی کمان کمان
 موسکادی اور بلوی اوشکی باران باران
 ژوند میله تانه زار شه سر می قربان قربان
 زماذره تود جهان به تاودان ودان
 راوړه درمان درمان د ساحلی دردونه
 شور ساحلی

آرامگاه عشق

جانم بلب رسید ، بگو قبر کیست این ؟
 یکنظره خون چکید ، بدامان من ز دست
 چون جرعه ای شراب غم ، از دیدگان
 مست ...

فریاد بر کشید : که ای مرد تیره بخت !
 بر سنگ سخت گور نوشته است ، هر چه
 هست ...
 بر سنگ سخت گور
 از بیکران دور
 با جوهر سرشک
 دستی نوشته بود :
 «آرامگاه عشق»

دولت عشق
 دولت عشق بیا زنده بماند
 دولت عشق بیا زنده بماند
 دولت عشق بیا زنده بماند
 دولت عشق بیا زنده بماند
 دولت عشق بیا زنده بماند
 دولت عشق بیا زنده بماند
 دولت عشق بیا زنده بماند
 دولت عشق بیا زنده بماند
 دولت عشق بیا زنده بماند

اثرات خشونت خانواده بر کودکان



امروز کلیه دانشمندان و محققان متفق القولند که خانواده یکی از موثرترین محیطی است که بخواهی قادرست بالای اعضای خود اثرات مطلوب یا نا مطلوب را بگذارد و رفتار و کردار آنها را پایه گذاری نماید و در نتیجه از آنها انسانهایی خوب یا با لکس منحرف و تباہ شده بیافریند و تحویل اجتماع دهد .

جامعه شناسان خانواده را یکی از شالوده های اساسی حیات اجتماعی بشمار میاورند و آنرا آئینه تمام نمای اجتماع میدانند بهمین جهت و تقابلی را که بعینه دارند بسیار سنگین و در خور اهمیت فراوان میدانند .

یکی از روانشناسان نیز در تعقیب همین نظریات مینویسد که اثرات بد و نا مطلوب شرایط نادرست و زبان آور خانواده می بر روی اعضای خانواده حتی و مسلم میباشد خانواده نقش بسیار اساسی و با اهمیت را در نحوه رفتار و اعمال خود ایفا میکنند و مخصوصا اثرات بسیار فطری بر روی اطفال دارد خانواده تنها محیطی است که به طفل تعمیم شده است . او درینجا متولد شده است و بدامه زندگی در همین محیط مجبور میباشد یا لااقل میتوان گفت که اولین سالهای عمرش را باید در اینجا بگذراند بهمین جهت به آن نام (محیط بی چون و چرا) یا (اجتناب ناپذیر) داده اند . یک طفل از اولین سالهای زندگی باید تمام شرایطی که با او اجازه دخول در اجتماع را میدهد از این محیط کسب نماید .

باتوجه بآنچه که گفته شد میتوان با اهمیت خارق العاده خانواده پی برد بالاخص که مساله انعطاف پذیری اطفال و شکل گیری آنان مطرح است . با در نظر گرفتن این موضوع مسوولیتی که متوجه خانواده است بزرگتر و بیشتر جلوسه گرمیشود . بدلیل همین قدرت و اهمیت است .

بنابر این کودک در اجتماع دارای همان رفتار و کرداری خواهد بود که آنها را در خانواده خود مشاهده می کند .

بهر حال در محیط خانوادگی است که باید اصول اخلاقی کودکان را جستجو نمود . خانواده است که روی شخصیت اعضا تاثیر میگذارد و بالاخره روی رشد طبیعی شان اثر میگذارد .

یک محیط زیان آور، استعداد های اخلاقی جرم را پرورش میدهد و بر شدت گسترش آنها می افزاید در حالیکه محیطی که از تربیت خوب و کامل بر خورداری دارد آنها را از میان میبرد و خصوصیات صحیح و رفتار های عالمانه را جانشین میسازد . روی این اصل بقول شازال (یک محیط پر مهر و صفا و سرشار از محبت خانوادگی، آرامش میدهد و راحت ایجاد میکند مشوق است و اعتماد بوجو دعیاورد) تربیت قدیم که نیاکان و اجداد و پدران ماسخت بیان اعتقاد داشتند و آنرا رکن اصلی نظم و تربیت و پرورش بشمار میاورند متأسفانه مجازات بوده است . بدین طریق که اگر کودکی مرتکب ناهنجاری یا عملی زشت میشد که طرف علاقه پدر و مادر قرار نمیگرفت رفتار خشونت آمیز و تنبیهات بدنی را مهمترین و بهترین روش تربیت میدانستند و باین وسیله ، عمل زبان بخش متوسل میشدند تا کودک را که برخلاف خواسته آنان با معاییر ادب و نزاکت رفتار کرده مرتکب عملی نادرست و ناشایست شده است براه راست هدایت کنند و بدین طریق بزشتی عمل ارتکابیش و اذق سازند . این روش ناهنجار و تربیت که گزند ها یش بشمار است متأسفانه علیرغم پیشرفت های فراوانی که در زمینه و توقف بر زبان بخشی و آسیب رسانی آن بدست آمده هنوز هم در برخی از خانواده ها بالاخص خانواده های سنت طلب و معتقد بر رسوم و آداب گذشتگان متداول است و هنوز هم اقدام با اعمال خشونت



زیرا اوبخود این سوال را مطرح میسازد که چرا بدون آنکه از علت ارتکاب ناهنجاری سوال شود و یا تنبیه کننده باصل والعت اکاهی حاصل کند باید او را مورد مجازات سختی قرار دهد .

این حالت زمانی بیشتر شکل میگیرد که طفل اشتباه کننده واقعا زیر فشار های مختلف و یاد اثر شرایطی و بر خورد های لحظه ای و یا با لخره بعلت تسامح نائی از برخی موقعیت ها و مقتضیات مرتکب اشتباهی شده باشد .

لذت و کوب کودکان و خشونت نسبت بانها روح امر دوید کاری را بیشتر در آنان تشدید میکند آنان را در اعمال و رفتار انحرافی بیشتر و راسخ میسازد . زیرا همه خود را بیگناه میدانند و کمتر کودکی ممکنست زشتی عمل خود را درک نماید تا بوسیله مجازاتی که نسبت باو اعمال میشود از دست زدن مجدد بان عمل خود داری و رزد بنابر این تنبیه را نوعی بیعدالی محض بشمار میاورد و در نتیجه حالت عصیانگری بیشتر در او شکل و قوت میگیرد .

یکی دیگر از بزرگترین صدمات و آسیبهای که خشونت و تنبیهات بدنی بطفل وارد میسازد تضعیف قدرت اخلاقی اوست که بخوبی در همه احوال قادرست سد بسیار بزرگی در راه خطاهای لغز شبای او شود .

امروز روان شناسان در اثر بررسی های بالین رسانده اند که مجازات حتی در بزرگ سالان قدرت اخلاقی را تضعیف و بسادگی نابود میسازد بدین سببست که این امر در کودکان بیشتر صادق است زیرا این قدرت هنوز در آنها شکل واقعی خود را نگرفته و بخشی لازم را بدست نیاورده است .

بنابر این توسل به مجازات مستقیما میتواند ایمن قدرت را که در حال شکل گیری است بکلی از بین ببرد یا لاقول جلوی گسترش آنها بگیرد و بدینوسیله طفل را از داشتن یک پدیده نیرومند بازدارد و از ارتکاب اعمال زشت محروم سازد .

معمولا هر عملی ترسناک که نسبت بانسان صورت میگیرد ترس و واغمه بوجود میاورد . چون انسان در ذهن و تصور خود از آن عمل ترسیمی ایجاد میکند که به مراتب بزرگتر و غول بیکر تر از خود آنست مثلا اگر بکسی گفته شود که اگر فلان عمل را مرتکب شوی بزندان محکوم خواهی شد اثرش به مراتب شدیدتر از خود زندان میباشد زیرا به محض آنکه روانه زندان شد غولی را که از زندان در ذهن خود ساخته است بکلی تصنیف و شکننده و بی مقدار مییابد و ناگهان احساس آرامش میکند . به همین جهت غالبا مشاهده شده است که زندانی پس از خروج از زندان آن ترس واضطراب و رعب سابق را که در نهاد خود از زندانی شدن پرورش میداد دیگر ندارد و تهدید بزندان هیچگونه نگرانی در او بوجود نمیآورد .

این امر در مورد اطفال بیشتر صادق است زیرا تا هنگامیکه کودکی مورد خشونت و تنبیه قرار نگرفته است تهدید به آنها دچار هراس میشود . چون هنوز او نمیداند که خشونت بوسیله آن از بین میرود .

مرحله دیگر که خطرناک تر از کلیه مراحل پیشگفت میباشد زمانی است که حالت اعتیاد از خشونت در کودکی حاصل شود . بدین معنی اگر بکودکی متوالیا خشونت و مجازات اعمال گردد بتدریج روحش بانها خو میگیرد و در عین از اینکه مجددا مورد مجازات قرار گیرد

فراتر گرفته است تهدید به آنها دچار هراس میشود . چون هنوز او نمیداند که خشونت بوسیله آن از بین میرود .

آمیز بهترین وسیله آگاه ساختن کودک با اعمال زشت در رفتار های نا هنجار ارتکابی میباشد .

در باره اثرات نوم و منحوس این نظریه عملکرد و اعمال خشونت بار کتابها و نوشته های فراوان وجود دارد و دانشمندان مختلف در اطراف این روش تا پسند و نا هنجار و بحث های بسیار کرده و صدمات آنرا که گاهی به صورت جبران ناپذیری تظاهر پیدا میکند بوجه گسترده ای باز گو کرده اند .

از دید روان شناسی اثرات نامطلوب این رفتار ها را میتوان بطریق ذیل خلاصه کرد و بدینوسیله هشدار ی بوالدین سنت گرا داد تا در رفتار خود تجدید نظر بعمل آورند و تربیت را بر اصول عاطفی بنا نهند نه بر خشونت و سختگیریهای نادرست و نفرت افزین .

معمولا هر خطا کاری که مرتکب عمل ناهنجاری شود چنانچه بطریقه صحیحی باو فهمانده شود که دست بعمل اشتباه آمیزی زده که بخود و جامعه زیان و آسیب وارد کرده است بدون شک از کرده خود پشیمان میشود و احساس شدیدی نسبت و ناراحتی میکند زیرا خود را گناهکار میدانند . در حالیکه تنبیه و ستیزه گری و مجازات بکلی این روح و این اندیشه سازنده را از وجود خطا کارزایل میسازد زیرا بخوبی مشاعده میکند

به همین جهت دیگر دلیلی وجود ندارد که از رفتار ناشایسته خود احساس گناه و پشیمانی کند .

این امر در نزد کودکان به مراتب قویتر از بزرگسالان است چون اگر بزرگسالان مجازات را قبول کنند وان رعاقت نافرجام ارتکاب عمل زشت محسوب کنند که لازم است هر خطا کاری طعم آنرا بچشد تا دیگر کرد اعمال ناپسند نکرده و از کرده خویش پشیمان شود در نزد کودکان بهیچوجه قابل قبول نیست زیرا بعلت عدم گسترش ذهنی و شکل گیری لازم آموزش تنبیه را یادش عمل محسوب میکنند و بخوبی بی میبندند که گناهکار نیستند بنا بر این ندامت مفهومی ندارد .

در نزد کودکانیکه بر سر جزئی ترین اشتباهات و یا حتی خطاهای بزرگ مورد خشونت تنبیه بدنی وید رفتاری تند قرار میگیرند بخوبی میتوان فقدان احساس گناه و تکرار عمل ناهنجار را مشاهده نمود که بدون هیچگونه شرمساری و احساس ناراحتی مرتکب میشوند .

یکی دیگر از معایب بد رفتار و مخصوصا خشونت و تنبیهات بدنی تحکیم روش ناهنجاری است .

بدینصورت که در خطا کار اعتقاد بعمل ارتکابی را راسخ تر و استوار تر میسازد و نوعی حالت لجبازی و واکنش شدید در او بوجود میاورد .

فراتر گرفته است تهدید به آنها دچار هراس میشود . چون هنوز او نمیداند که خشونت بوسیله آن از بین میرود .

مرحله دیگر که خطرناک تر از کلیه مراحل پیشگفت میباشد زمانی است که حالت اعتیاد از خشونت در کودکی حاصل شود . بدین معنی اگر بکودکی متوالیا خشونت و مجازات اعمال گردد بتدریج روحش بانها خو میگیرد و در عین از اینکه مجددا مورد مجازات قرار گیرد

آی خانم» «یکی از شهرهای

بی نظیر باستانی

بعد آبادیه نشینان در ایسن
 تنگنای میهن استرا تیزیکی بین امیر-
 اتوری چین و آسیای میانه زند گمی
 مینمودند به گمان اغلب همانا بو می
 هاوشاید هم ساکه هایاوسون های شمال
 آمودریا و سر زمین وسیعی و خشن
 بوده باشند. بهر صورت آی خانم
 در واقع مر کزیت عمو می ساحت
 قدیم شهر های یونانی ویا هزارشهر
 بوده و اکنون مردمان این منطقه همان
 نظوراز میراث های فر هنگسی
 و کلتوری آنز مان مباحثات زیادی دارند.
 ساختمانهای مهم دیگری که در
 واقع قصر حکمروای سلسله یونان باختری
 را تشکیل میدهد همان قسمت مرکزی
 یا وسطی شهر است که در حدود

نگار ش: نظر محمد عزیزی
 باشندگان قدیم شهر معروف آی خانم
 پیوسته گذشته

طور یکه در اسناد ملاحظه نمودیم
 آوانیکه سکندر مقدونی حملات نظامی
 اش را در باختر به انجام میرساند
 اعمار ساختمانهای تیب یونانی را
 آغاز مینماید.
 ازبا شدندگان این شهر میتوان دو
 طایفه را مورد تذکر قرار داد یکی کو-
 چی هاویا باد به نشینان که در
 پنجاه الی یکصدوسی قبل از میلاد
 در باختر و بخصوص در آی خانم
 مستقر شدند و به نحو یکه یونانیان
 زندگی خود را پیش میبردند آنها
 نیز ادامه حیات میدادند و دیگر
 باشندگان قدیم باختر بخصوص
 آی خانم با یونانیانی که با سکندر
 یکجا در این جا متمرکز شدند.



ناب رب النوع سیبیل مکشوفه ای خانم



بای چپ یکی از الهه های شهر ای خانم که در آن صاعقه زوس تمثیل شده است.

قرار استاد دست داشته بسا
 سکندر مقدونی در حدود پیش از
 سیزده هزار و پنجاه و سر بازو مردمان
 دیگر یونانی سفر نمودند که عده در
 آی خانم در ساحت دیگر باختر
 مستقر شدند و با مردم بو می منطقه
 بعد از رفتن سکندر در باختر باقی
 ماندند و دیگری همراه با سکندر سفر
 جنوب را در پیش گرفتند، ولی سلو-
 سی ها مخصوصا سلو کوس اول
 و انتیو کوس اول وقتی باختر را
 متصرف میشوند، اساس و بنیاد
 ساختمانهای تیب معماری یونانی
 را در باختر مروج میسازند.
 در سینه در سینه متر مساحت دارد
 در ساختمانهای مدخل ها و دروازه
 های تالار های این ساختمان عمو ما
 چوب و عاج بکار رفته بود. اکثر
 قسمت های ساختمان بشمول دهلیز
 ها و بعضا لبه های برنده هاشیا مت
 بسا ختمانهای جزیره رودی بسا
 رودس یونانی داشته و در ضمن
 میتوان گفت که تا یک قسمتی از این
 ساختمانها بصورت سجه یونانی
 میباشد.
 رویهم رفته ساختمانها و معماری
 این دوره آی خانم کمتر از قصر تخت
 جمشید نبوده و میتوان بعضی پلان
 های آنرا با تخت جمشید مقایسه
 کرد. دانشمندان نظریه دارند که

خاتم بدست آمد و میتوان گفت که مهترین دوره آبا دی شکوه و جلال آن در دوره یونانیان بخصوص ایوا-کراتیدوس و همچنان سایر حکمرانان دیگر است.

تأجاییکه از کتیبه ها و رو شس مهندسی این شهر بر میاید واقعا در وقت وزما نشس خیلی عالی بوده و نظیر آنرا کم میتوان دریانت. از مطالعات اریکیا لوجی با ستا-

نشاسان چنین نتیجه بدست میاید که بعد از بین رفتن یونانیان، پادیه نشینان و کوچیانیکه در اثر حمله و هجوم سلسله باختری هارا منقرض میسازند، در این محل زیست نموده اند این هادر اول کوچی های بودند که بنا مهایی مختلف چون یوچی ها و تایوچی ها، تخاری ها، سا که روکا-ها و باطایفه مختلط و سون های بقیه در صفحه ۵۱

ها و محل نصب آن میباشد. چه بنی مجسمه هادر این شهر بصورت علیحده ساخته شده و بعدا در جای معین شده آن نصب میگردد.

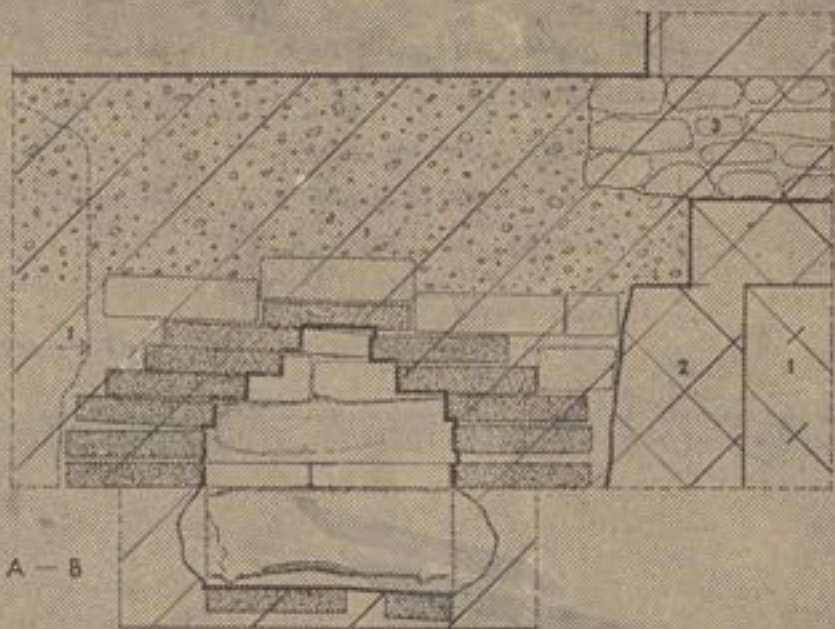
در نتیجه طور یکه قبلا گفتیم آی خانم از چندین دوره مدنی قبایل واقوام مختلف داخل باختر و خارج آن منظور از سرحدات متناهی شده و از نظر شواهد و مدار کسی از دوره های اخیر حفريات شهر آی-

بعضی ساختما نها از قبیل دیوارها، سیستم و تاکتیک چوبکاری و عا ج کاری مشابه دوره هخامنشی های فارس و پارت ها بوده و نزد یکی زیاد با معابد ارتیسس، اثر کاتیسس، واو - ینیسس دارد.

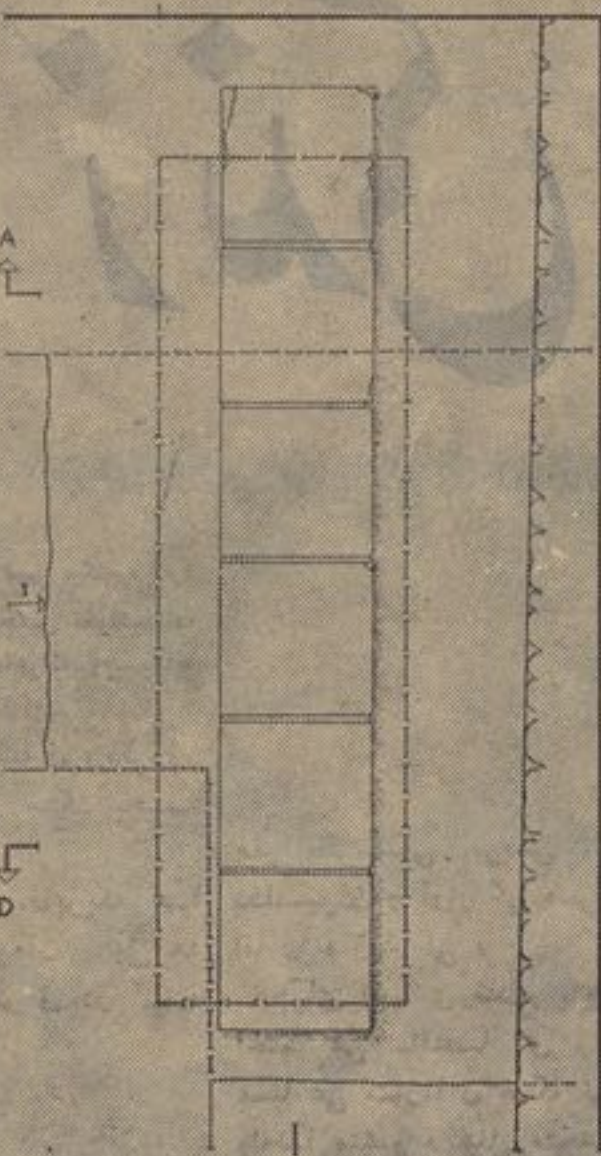
اعمار معابد نیز یکی از دساتیر عمده یونانیان بوده چنانچه در یکی از معابد یکه شکل کنگره یی زادارا-ست، از آن بعضی پارچه های وجود الهه با پنجه های پای رب النوع یونا-نی و علاماتی بگمان اغلب مربوط به یکی از ارباب الانواع مانند زوس بوده باشد که تا کنون بصورت مشخص فهمیده نشده که آیا مربوط بکدام الهه شهر بوده و یا کدام رب النوع یونا نی ولی در هر صورت تسمه پای چپ که با گلپای مقدس معمولا آنرا صاعقه زوس گفته اند، کاریست هنر-مندانه و خیلی ظریف.

در هنر مجسمه سازی آی خانم می توان بر جستکی های مهم و طرازیت هنر مندان یونانی و یونانو باختری را ملاحظه کرد. بخصوص تراش مجسمه مردی کهین سال ایکه قسمتی از سر آن توسط فیته احتوا گردیده و یلان آن تمامی وجود آنرا پوشانیده است، همین طور مجسمه دیگر یکه در واقع مربوط بیک مرد جوان برهنه است «غالبا یکی از قهرمانان اولمپیک باید باشد» بصورت نامکمل بدست آمده است این شیوه مجسمه سازی مشابیهت تام به قواین مجسمه سازی یونانی دارد. در حالیکه تجسم هراکلس روی تختی با موجودیت گزگوری به آن زیبایی که سایر مجسمه های هراکلس از آن برخوردار است در آن ملاحظه نمیشود، مجسمه هاعموما از سنگ نرم بعضا سنگک چونه بوده و معمولا از قسمت های جنناز یوم بدست آمده، جایکه در آن تربیت و تنظیم فکری و جسمی شدنند.

چهره خلیم جوانیکه تو نیکموی بکلی بامجسمه های خاندمین دربار امپراتوران یونان را تمثیل میکنند و با اینکه معمولا در صحنه های وداعیه های سر بازان به شکل فرشتگان و یا به شکل ندیمه ها ظاهر میشوند، مهارت آرتیسست راتو جیه میکند این مجسمه ها و بعضا به رسم الهه ها مربوط بکار قالبگیری ایست که در آن میتوان خطوط اولیه چهره انسانی را توسط همین قالب ها مشاهده کرد، گذشته از همه طرح و دیزاین مجسمه



IV



0 1 2 M

Plancha 17

Herbar de Kneus : Tombe 4.

و این همه دفاع از راه زندگی باسطنی بود و یا
ریاکارانه و یا بنا بر عدم شرایط نامساعد بنا کامی
گرایید .

با استفاده از این شرایط ، دیومنجوس دیگر
بالای زندگی جهان سایه ناگوار انداخت . (به
قدرت رسیدن هیتلر و موسولینی) .
و آن یکی (موسولینی) بیپوده حرافی میکرد
که :

« بیرون از دولت ارزش های انسانی و معنوی
دیگر وجود ندارد » .

و عده هم بیشرمانه بدون داشتن ماهیت دمو-
کراتیک ، القاب دموکراتیک بخود زدند (امریکا ،
انگلیس ، فرانس) .

زمانی قریب شد زندگی جهان در حلقوم نپتک
نازی فرورود

لاجرم عقب نشینی کرد ،
با چشمان خون بار در کنار معشوقه زیبایش

شکستش ظنین انداخت ،
زندگی جهان را غریب آمیخته از شور و شغف
پیدا کرد .

فریاد انسانی فضای ملکوتی رادخشید
زندگی بی (۲۰) میلیون انسان گشته داد .
۳۰۰۰ زندگی بی (۸) میلیون و یا بعضی بیشتر
از آن و یا کمتر از آن داد .

انسان زحمتکش شادی زهزه میکرد ، جهان
غارتگر را می لرزاند

دورا دور حلقه زندگی بعدا در آمد ،

سرك و خطوط آهن مقطوع ... ،
و زندگی هیرو شیمادر (۱۹۴۵)
تحت ضربت انفجار (بیست)
هزار تن قوه واقع شد ...

(شصت و شش) هزار انسان
کشته داد و (هفتاد) هزار انسان
دیگر مجروح ، (۵) حصه مردم خانه
بدوش شدند و (چهار) میل مربع
سر زمین خاکدان ، هر تکب جرم
« ترو من » شد .
همچنان :

را « زندگی باشش مقصد ، هفت
قا عده و شش دفتر اساسی دفاع
میکند .

اهداف دفاعی از راه زندگی :

« بر قراری امنیت و صلح
بین المللی توسعه روابط دوستانه بین
ملل جهان اشتراک مساعی و روحیه تسانند
برای محو هر چه بیشتر فقر ، مرض
جهل ، بیسواد ی بسوی جهانی
و تشویق با احترام حقوق و آزادی
های همه یگر ، داشتن مرکزیت
برای رسیدن به مقاصد » .

راه زندگی

نظاره عریفه

پیوسته بگذشته

از گمان های دفاعی از راه
زندگی :

« اساسا مبله عمومی ، مجلس
امنیت ، مجلس اقتصاد ی و
اجتماعی ، مجلس قیومیت ،
دارالانشا دیوان بین المللی عدالت ،
قواعد دفاع از راه زندگی :

« تساوی ملل عضو ، بجای
آوردن تعهدات و عملی کردن آن
حل منازعات بشیوه مسالمت
آمیز ، عدم استعمال قوه ، معاونت
به موسسه در هر اقدام آن ، رهبری
ملل غیر عضو مطابق قواعد ،
عدم مداخلت در امور داخلی يك
دیگر » .

و تصاویر و مبله عمومی
عمده تر :

اعلامیه حقوق بشر سال ۱۹۴۸
خلع سلاح عمومی و کامل سال

ماهیه هستی و احتیاج را تهیه میکنیم ، آنرا
هیچ گاه - هیچگونه به هیچکس نخواهیم داد .
انسان شور آفرین ، ناچار ماهرانه و جسورانه
برای زندگی جنگیده
ولی متأسفانه شش سال و یکروز ،
خسارات ناشی از جنگ بجای
ماند .

شهر ها ویرانه ، فابریکه ها
بر باد ، معدن ها بر آب ، پل ها
ریخته ، کشتی ها غرق در آب ،

انتحار کرد (هیتلر) .
زندگی زحمتکشان جهان نامش را نازیسم
گذاشت و به فاشیسم مشهور شد .
غول عشرت طلب (هیتلر) همه چیز را به خاطر
نجات خود باخطر جدی تیج داد ولی انسان
از عرق و خون خود بخاطر زندگی آفرینی
مقابله کرد .

جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵) زندگی
را آتش زد .

گاهی هم بر این حماقت او خندیدند که بیپوده
خیال تباهی در سر می پروزانید ، آنگاه که

فقر ، گرسنگی ، مرض ، بدبختی
دفلسیون و آوارگی همرا داشت .
اما راه زندگی ،
برای احیای صلح پایدار ، ترقی
اجتماعی - اقتصادی ، باتشریک
مساعی سازمان همگانی ساخت
(امضا منشور ملل متحد بیست و
شش جون سال ۱۳۴۵ ، کنفرانس
سانفرا نسکو) و از جمله اعلامیه
حقوق بشر :

روح زندگی را تازگی بخشید ،
زندگی آفت زده پر از صدمات و
تلفات را موسسه ملل متحد از

۱۹۵۹ - اعطای آزادی مر دمان و ممالک ، خاتمه دادن سر یع به تحت استعمار آوردن بدو ن شرط استعمار گسر بهر شکل و نوعی که تظا هر کند ، تصویب استعمال نیروی ذروی بمقا صد صلح آمیز و خیر بشر ، اتحاد برای تامین صلح دروقایع تجاوز یاخطر مسلح ، استقلال لیبیا ، آزادی صومالی سال ۱۹۶۰ ، اریتریا برای اتحاد با حبشه خود مختاری حاصل کرد ، قوه اضطراری برای آرا مشس و صلح در نواحی آسیب دیده.....

امنیت بین المللی :
هالند یان و اندونیز یا بی هسا اهداف صلح جویانه را باخطر جدی روبرو کردند که در نتیجه اضلاع متحده اند ونیزی تشکیل گردید و در سال (۱۹۴۷) بین این دو کشور آتش جنگ خاموش شد و صلح استقرار یافت .
همچنان در قسمت امنیت بین المللی کارهای زیر نیز انجام یافت :

متار که و قطع جنگ بالای قضیه فلسطین در سال (۱۹۴۸) بین اعراب و یهودیان - در سال (۱۹۵۰) بالای مساله کوریا تصامیم لازم اتخاذ گردید سال (۱۹۶۰) حمایه از کنگو لیوپولا - ویل در برابر خطر ، برای يك مدت زندگی آوارگان از لحاظ اقتصادی و اجتماعی بوا سطه کمشنر عالی ملل متحد تامین شد (۱۹۵۰ - ۱۹۶۴) ، در (هشتم) دسامبر (۱۹۴۹) موسسه کار و رفاه برای آوارگان فلسطین که در جنگ (۱۹۴۸) سر پناه و وسایل معیشت خویش را از دست داده بودند تاسیس شد .
و به همین ترتیب :

موسسه بین المللی نیروی اتمی بتاریخ (بیست و نه) جولای (۱۹۷۵) جهت تسریع و تحریک جنبشی - اشتراک و سهمگیری نیروی اتمی برای صلح ، صحت رفاه همگانی و تامین ایمن معاونت بخاطر جلوگیری از استفاده نیروی اتمی در مقاصد نظامی ، تاسیس شد .
همچنان در چوکات فعالیتخانه ملل موسسات زیر همه منحصت مدافع راستین راه زندگیتاسیس گردیدند :

«موسسه بین المللی کار ، موسسه غذا وزارت ، موسسه عرفانی علمی و فرهنگی ، موسسه صحتی جهان ، بانک بین المللی برای تعمیر و توسعه موسسه بین المللی مالی ، صندوق اسعار بین المللی ، موسسه بین المللی هوا نوردی کشور ، اتحادیه جهانی پستی ، اتحادیه مواصلت بین المللی موسسه هوا شناسی ، موسسه بین الحکومتی مشورتی دریا - نوردی ، موسسه تجارت بین المللی ، موافقه عمومی بر تعرفه و تجارت .

و همه این تاسیسات . برای صلح و امنیت بین المللی برای پیشرفت اقتصادی و ترقی اجتماعی ، برای احیای حقوق بشری ، برای تامین آزادی و عدالت ، برای حمایت حقوق انسانی علیه مظالم ، برای دفاع از شرافت خلق های ملل جهان است .
ولی متاسفانه اصول اساسی این تصاویر از جانب بعضی کشور های که از منافع عناصر ارتجاعی و در حال زوال دفاع میکنند و دارای رژیم های راست گرا و فاقد ما هیست

دمو گرا تیک اند ، نقص میشود .
همچنان :
در ارتباط به تصاویر خانه ملل ابتکار صدر اعظم ان ملل آسیایی و افریقای بخاطر تا مین مشترک و احترام بعدالت و مکلفیت های بین المللی با طرح ها و تصاویر ده گانه در راه زندگی نقش اساسی ایفا کرد .

«کنفرانس بانکو نک مساه اپریل سال ۱۹۵۵»
و باز هم مناقع خلق های زحمتکش جهان ، خواست توده های تحت اسارت و ستم ، تقاضای مردمان ستمدیده و در حال رشد یکبار دیگر توجه جدی جهان مترقی را بخود جلب کرد .
راه رسیدن به خوشبختی ، سعادت ، رفاه عدالت ، برابری واقعی حقوق را غلبه بر تجاوزات غارتگری ، راه نجات بشر از تسلط استعمار کهن ، جلوگیری از راه نفوذ استعمار نوین ، طرح شد .

«همزیستی مسالمت آمیز»
و راه زندگی دیگر :
زندگی جهانی ، زیست با همی و صلح جهانی را مجدداً با خطر روبرو میکنند .
«جنگ سرد»

اهداف و نیات شوم (جنگ سرد) :
ایجاد پایگاه ها و موسسات ارتجاعی ، عقد پیمان های نظامی و تجاوز کار بخاطر خفقان روحیه آزادی خواهی و مناقع استقلال طلبانه ، تشدید فعالیت استثماری بخاطر نرسیدن ملل عقب نگه داشته شده و به جامعه سعادت و خوشبختی سازمان دادن و وسیع شبکه های مجزب جاسوسی ، ایجاد مواضع برای رشد سر یع کشور های کمر شد آسیا ، افریقا

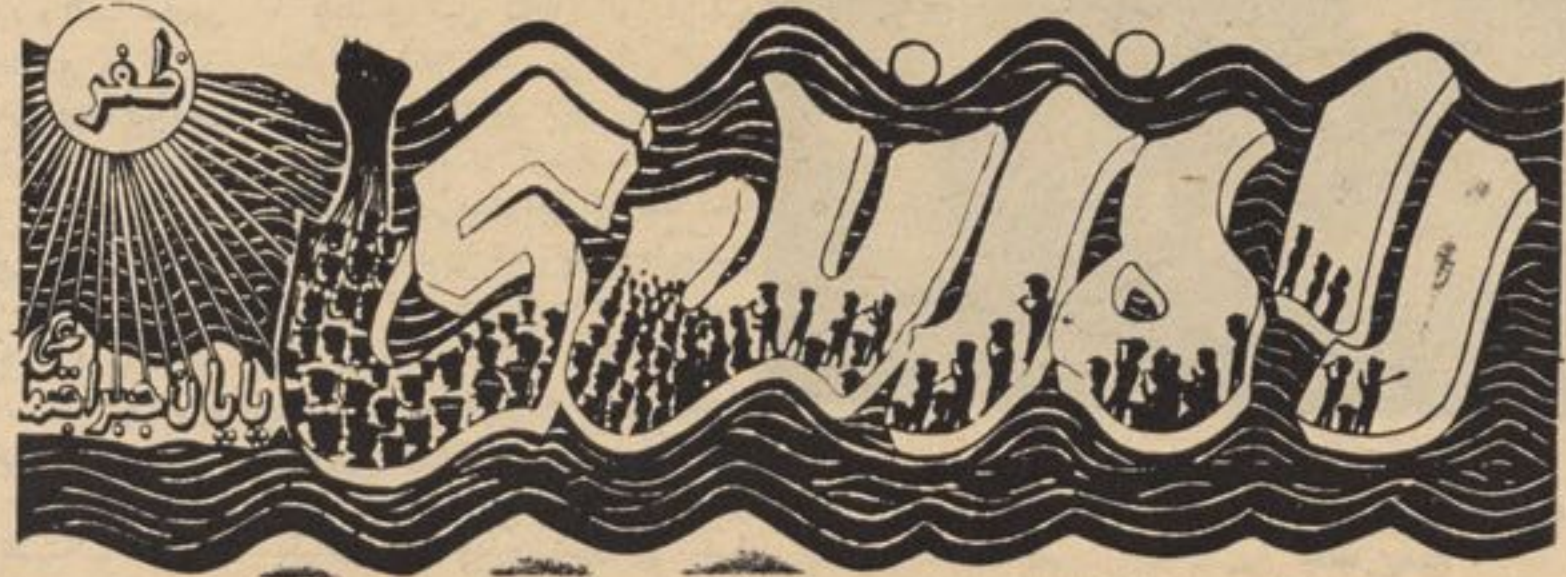
و امریکای لاتین عامل عمده جنگ و خونریزی بین ملتها ، بدنام کردن خانه ملل روا داری آنها مسات بی اساس علیه اندیشه های رهایی بخش عصر ماوبلاک سوسیالیسم .
خلاصه اینکه :

در گوشه از جهان زندگی انساننی دستخوش اشکال وحشیانه نابرابری و تبعیض شده و جبراً انسان به زور سر نیژه از کلیه حقوق سیاسی و داشتن حق تحصیل و کسب دانشس و سایر پیشرفت های جامعه بشری محرومیت حاصل میکند .
در افریقای جنوبی «سیاهپوستان بومی و هندیان»

در جای دیگر ، محافل و گروه های راست گرا و ارتجاعی بر تری نژادی را پیشه میکنند ، با نشخار این کلمه که میان انسان ها با در نظر داشت خصوصیت نژادی از لحاظ استعداد قدرت فکری ، عدم تساوی کامل موجود است . باتکیه روی این

مطلب که میان انسان ها از مبداء زندگی طبیعت یکی را عالی مقام صاحب همه امتیازات ، دیگری را پاسبان عالی مقام فاقدا بتدایی ترین حقوق انسانی خلق کرده است و بدین شکل مرتکب صدها فجایع و اعمال ضد گرامت انسانی در سر زمین های مستعمره می شوند .

در امریکا «علیه سیا هیوستان و بومیان سرخ پوست»
اعمال جانتفسو تر علیه خلق های زحمتکش (رودیشیا) و صدها شاهد زندگیدیکر .
(ناتمام)



نانهایی

از هفت اقلیم

تعلیم و ترجمه: میر حسام الدین برومند

عرصه زندگی روز بروز بر مردمان السلوادور تنگتر شده می رود

شدت نمود است چه ارتجاع بخوبی دریا فته است که پس از انقلاب در نیکاراگوا پیروزی نیرو های انقلابی در السلوادور مسلماً دیگر برای آنان حکم شکست و مغلوبیت قطعی را دارد از نیرو به حیل و نیرنگ های مختلف بر ای سد ساختن چنین یک پیروزی که بسر خواهد رسید ، میباشد اضلاع متحد امریکا بدون شک یک روش ما جرایب یا نه را در سیاست جبهائی تعقیب میدارد اکنون امریکا میخواهد سلطه جوی خود را در امریکای مرکزی تحمیل و آنرا در تحت تهدید خود قرار بدهد از نیرو حلقه های نظامی امریکا با دخالت مستقیم در امور مربوط به السلوادور خواهان سد ساختن جنبش های انقلابی و دموکراتیک در امریکای مرکزی میباشد غافل از اینکه جنبش های انقلابی و دموکراتیک السلوادور با کسب اخبار متعدد چنین استنباط مینمایند که امید واری به پیروزی مردم السلوادور و کسب شدت قدرات آنها در حال فزونی و گسترش است و این پروسه انقلابی بشکل فعال آن عرض وجود کرده است جنبش های آزاد یخواهی بیشتر رشد یافته و جبهه دموکراتیک انقلابی بیشتر خویش را متکی به نیروی مردم میداند ارتجاع در السلوادور و سایر نقاط امریکای مرکزی را فروخته شده و حسد و خشمش علیه نیرو های انقلاب کسب

اشفیک یورگی هاندال «سکرتر جنرال کمیته مرکزی حزب کمونسٹ السلوادور در مورد اوضاع متشنج در السلوادور که ناشی از دخالت خائنه امپریالیزم میباشد طی گزارشی می نویسد:

پروسه و حدت جنبش های انقلابی السلوادور در یک مرحله قاطع و مصمم خود رسیده است . از طریق تشکیل یک رهبری واحد جمیع جنبش های انقلابی ، کنون دیگر میشود علیه دستگا فاصد دولت مبارزه جدی بر خاست . بدون شک پروسه انقلابی می تواند در السلوادور بر بسیاری مواضع و سدها غلبه حاصل بدارد زیرا ما به پیروزی مردم السلوادور مطمئن و متقین هستیم ، بخاطر آنکه نیرو های انقلابی و دموکراتیک السلوادور با کسب اخبار متعدد چنین استنباط مینمایند که امید واری به پیروزی مردم السلوادور و کسب شدت قدرات آنها در حال فزونی و گسترش است و این پروسه انقلابی بشکل فعال آن عرض وجود کرده است جنبش های آزاد یخواهی بیشتر رشد یافته و جبهه دموکراتیک انقلابی بیشتر خویش را متکی به نیروی مردم میداند ارتجاع در السلوادور و سایر نقاط امریکای مرکزی را فروخته شده و حسد و خشمش علیه نیرو های انقلاب کسب

چندی قبل نیکاراگوا اولین سالروز انقلابش را جشن گرفت کنون این کشور دیگر به نیروی مستحکم مبدل گردیده است . جنبش های ترقیخواهی گواتیمالما نیز تقویت یافته است ما متقین هستیم که مردمان هاندورا مس و گواتیمالما میانگیرانه امریکای فریب نمیخورند در السلوادور دیگر با یست بشکل متحد و یکپارچه به چنان نیروی مبدل

گردیم که امریکا به شکست سنگین سیاسی خودش را رو برو بینا بد اطمینان ما به پیروزی روی اصل مصمم بودن خلق السلوادور بشنا یافته است وحدت همه نیروی های دموکراتیک و انقلابی السلوادور که از حمایت و پشتیبانی برادرانه تمام مردمان امریکای مرکزی و خاصاً همبستگی بین المللی برخوردار میباشند ، ما را در مبارزه ما تا پیروزی کامل بر امپریالیزم یاری می بخشد ما مردم نیکاراگوا همنوا با هم صدا میزنیم که نیرو های مترقی جبهائی بیشتر از پیش همبستگی تائرا با خلق السلوادور اعلام دارید تا باشد که به اسرع وقت سیاست محیلانه اضلاع متحد امریکا را خنثی نماییم این امریکاست که با دست اندازی مستقیم عرصه زندگی را بر مردمان

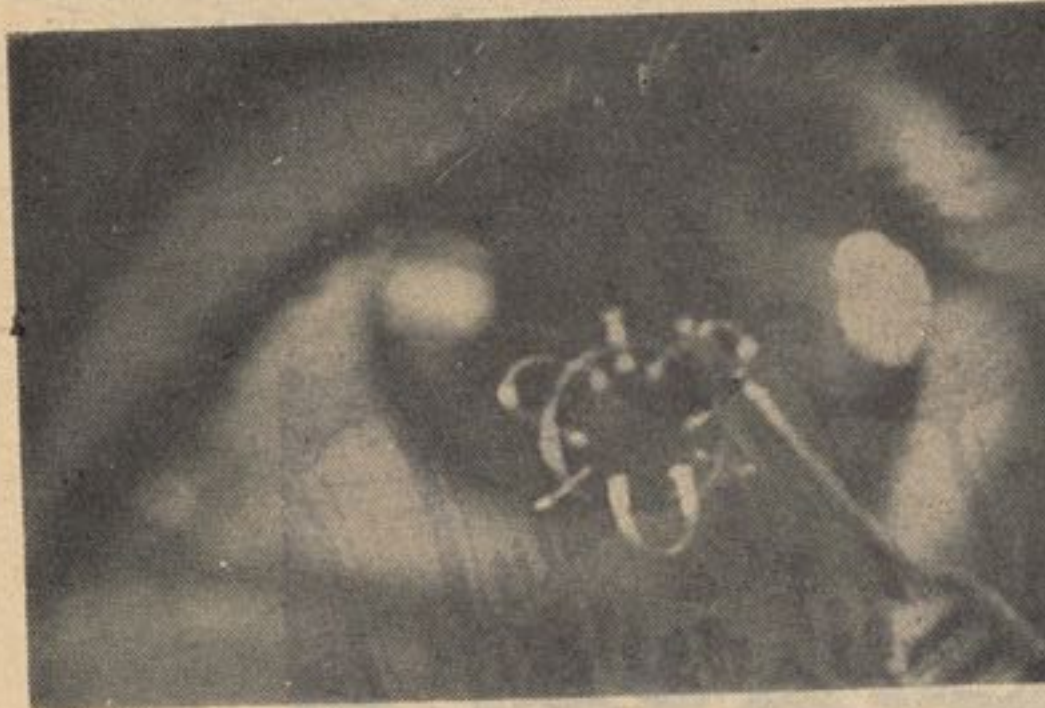
السلوادور تنگتر ساخته است و باز هم این امریکاست که خونریزی و کشتار را در السلوادور دامین میزند و میخواهد نهضت های مترقی را بزعم خودش درین نقطه ای از جبهان خفه سازد و به قتل زنان پیر مردان و اطفال معصوم السلوا دور میبرد دیگر موصوم میبرد دیگر امپریالیست ها بیخس ازین با پرو پاگند نمیتوانند باز هم روی اعمال ننکین خود در السلوادور پرده بکشند چه عصر ما عصر بیداری ملت ها ست و دیگر نیسرو های امر یعنی امپریالیستی و ارتجاعی نمیتوانند سدی در برابر ترقی و بیداری ملت ها ایجاد کنند دیروز یازود جهان شاهد پیروزی های زحمتکشان و رنجدیدگان در السلوادور نیز خواهند بود .

جابجا ساختن عدسیه های مصنوعی

بجای عدسیه های طبیعی چشم نوید

مسر تبار برای کوران

امروز انسان با دستان توانای خود قادر به ساختن عدسیه های گردیده که با ساختن آن، لابراتوارهای جهانی شهرت فراوان یافته است. عدسیه های مذکوره نازک بوده و عدسیه که اخیراً ساخته شده دارای قطر پنج ملی متر بوده و در لابراتوار متعلق به پدروف ، جایبکه سالانه هزاران مریض به وسیله عملیات معالجه میگردند، بکار افتاده است. که با ساختن جابجا کردن این عدسیه در چشم ، میتوان به انکشاف جدیدی را این وسیله در امور عملیاتی باز کرد



۱. عدسیه مصنوعی که جدیداً ساخته شده پس از عملیات در چشم معیوبی بدینسان جابجا گردیده .

لاکن همچو (کرونا) ها که بوسیله ایالت‌ها لوجستان غربی ساخته شده بود طرف ثناعت پدروف واقع شده چونکه ارگانیزم وجود انسان با آن به چوچه مطابقت نداشت با این وصف پدروف و همکاران توانستند فیصدی توافق کرونا را با وجود انسانی بالا ببرند. نظریه تحقیقات و بررسی هاییکه در مورد کرونا ی مذکور صورت گرفت این توافق تا نود فیصد نیز افزایش پیدا کرد. در انعقاد شوروی اولین ویتروم (دستگاه مواد سازی شبیه شیشه) در یکی از لابراتوار های آنجا انکشاف یافت و برای درمان چشم های صدمه یافته بگونه که آله جدید جانشین چشمان اصلی گردد و نور و انعکاس بدهد طرف استفاده قرار گرفت.



پروفیسوری که عملیات جراحی چشم و همچنان سازنده عدسیه جدید میباشد در کناریکی از مشتریانش دیده میشود.

در لابراتوار اخیر الذکر مجادله علیه چشمان نزدیک بین صورت گرفت و با استفاده ویتروم هایی حاصله در آن لابراتوار تکلیف نزدیک بین مریضان چشم بانجوز عینک های پترومی مندرسد مرفوع گردید. در آن تجارب و تحقیقاتیکه دانشمندان بالای چشمان حیوانات انجام داده اند چون نتیجه گرفته اند که در اثر عملیات جراحی میتوان بخوبی این نقیصه را مرفوع ساخت. نظریه ۱۵۰۰ عملیاتیکه انجام یافته، پدروف وانمود ساخت که تمام طرق درمانی و عملیاتی بشر در این راه به پیروزی رسیده است و همچنان از خطرات احتمالی مریضان چشم جلو گیری نموده است. (پدروف) که در عین حال از جمله پروفیسوران

ورزیده کشورش است بازحیات بگیر و بشر دوستانه خویش اینک با ساختن عدسیه های جدید مصنوعی برای چشم و تعویض عدسیه های مذکور و نصب آن به عوض عدسیه های اصلی چشم، مایه شکست در میان حلقه های طبی و مایه مسرت و امیدواری برای آنانیکه عدسیه های چشمان شان از کار مانده است، گردیده در لابراتواری روزانه تعداد زیاد مریضان چشم درمان شده و عملیات موفقانه روی چشمان شان صورت میگردد.

رژیم اپر تاید در افریقای جنوبی از حمایت کامل امپریا لیزم امریکا برخوردار است

در حصص مختلف افریقای جنوبی صدها زن و طفل قربانی تبعیض طلبان افریقای جنوبی میگرددند. در همان سالوادوره قتل و کشتار و ترور مسلط است. درجیلی از هفت سال به اینطرف ترور فضای وحشتناک و سال های خطر ربار آورده است. باندهای قاتل و آدمکش در برازیل و ترکیه به کشتار های خونین میپردازند. روز بروز اخباری ازین قبیل بخش میگردد. مردم پیوسته به همچو نیروهای ارتجاعی، امپریالیستی و همزیستی تفرین میفرستند. امروز پلان های زیادی تنظیم و عملی میگردد که با تطبیق آن هستی و زندگی و موجودیت انسان ها را با مرگ و نابودی دوبرو میسازد و این پلان ها، پلان های امپریالیزم است. در جاییکه امپریالیزم نفوذش را قایم ساخته آنجا تهدید و حشیانه، نوسل به قدرت، تطبیق مفکوره های نیوکولونیالیستی، استعمار جویی

ها و ماسک های دروغین بیوشاند. از جمله ۲۲ فرار داد بین المللی و کنونیون ها که محافظت و حمایت از حقوق انسانی را متضمن بوده، فقط به چهار آن، آنهم بجهت آنکه منافع خودش بیشتر در آن ذیدخل بسوده عمل کرده.

گو نو نسیون در باره منع اسارت منعقد ۲۵ دسامبر ۱۹۲۵، کونونیون بین المللی در مورد بر طرفی همه فورم های نژاد پرستی (منعقد ۷ مارچ ۱۹۶۶)، (کونو نسیون بین المللی منعقد ۱۹ دسمبر ۱۹۶۶) در مورد حقوق اقتصادی اجتماعی و کلتوری، کونونیون در مورد حقوق مدنی و سیاسی (منعقد ۱۹ دسمبر ۱۹۶۶)، کونو نسیون در مورد منع جنایات علیه انسانیت (منعقد ۲۶ نومبر ۱۹۴۸) همچنین کونونیون بین المللی در مورد مبارزه علیه جنایات اپرتاید که بتاريخ (۳۰ نوامبر ۱۹۴۸) عقد گردید. اصلاح متحده امریکا با وصف تعهد کونوسیون ها دلچسپی نشان نداد و بخاطر تحقق آن هیچگونه سعی نمود، برخلاف دیده میشود که مستقیم یا غیر مستقیم به کشتار و قتل مردم در آسیای جنو بشرتی در تحت برده گی و به اسارت نگه داشتن مردمان



صحنه ترور و آدمکشی در افریقای جنوبی.

هنرمند پو لندی و تیاتر تصویریش

«آدام کلیان هنرمند است که با اجرای پروگرام های تصویری روی ستیز، شهرت بسزایی کسب نموده. زندگی هنری این هنرمند پولندی از تیاتر گدی ها آغاز یافت. عامل بزرگ پیروزی موصوف با کار همراهی (جان ویلکوفسکی) بستگی دارد چه ویلکوفسکی خود از رژیم سوران شناخته شده تیاتر گدی هادر پولند بود. «کلیان» با اجرای پارچه نمایشی «یک انسان گورالی» که حکایت از زندگی اقوام گورالی داشت، توانست بر سکوی شهرت و محبوبیت تکیه بزند. وی این پیروزی را خاصاً بخاطر تمثیل موفقانه زندگی دهقانان ناحیه «سوپرتالا» دریافت داشت «کناتر» شاعر و نویسنده چهره دست پولند فلکلور مردم را برشته تحریر کشید و یکی از قصه های مردمی متذکره ویلکوفسکی را به صحنه آورد کلیان درین زمینه نیز با وی از همکاری دریغ

بقیه دو صفحه ۴۸

برگزیده‌هایی از میان فرستاده‌های شما

شعر و شاعر

چه بود گر زندگی هر روز شعری
بود
ومن هم شاعر بی همی
دو را نه
که پسر سخن
کوته‌ترین و بهترین حرف بشر
که میشد قطعه شعر کو تاه تاریخ
انسان
شعری چون حیا شیرین و چون
وجدان گرامی
میشدم پیدا

...

ولب از شعر می‌بستم ، میگشتم
میگشتم
درون سینه‌ها و مغزها را
خوب میکافتم
به هر سر : گرم سو دایی
به هر سینه : تمنایی
نمی‌یافتم ، میگشتم ، میگشتم
که من شاعرم ، شعر میگویم
چه یکتا شاعری ، چه شعریکتا
می
که من در حسرتش چون شعله
گرم محبت تاب میخوردم
دل از گر می سو زنده ، یک
سبد پر از شگوفه بود ، پسر از
جنبش
زخود میرفتم و در بینهایت می
سرودم :
جهان بشریت میشنود آنرا و
میردم
آزادی
جهان بشریت میشنود آنرا و
میردم
غلام حیدر یگانه

بازتاب و اقعیت در ضرب‌المثل های عامیانه مردم

ضرب‌المثل‌های عامیانه مردم که یکی از بخشهای عمده فرهنگ غنی جامعه ما را تشکیل می‌دهند از دیرینه زمانی بدین سو در میان‌توده‌های مردم ما رواج داشته و تا قبل از ایجاد خط و کتابت به شکل‌علائیم، اشارات و جملات کوتاه و پرمعنی در افکار مردم وجود داشتند و با ایجاد تحریر و کتابت از افکار و مغز انسان به صفحات کاغذ انتقال نموده از آسیب فراموشی و نیستی در امان ماندند .

ضرب‌المثل‌های عامیانه که مردم ما در گفتار و تکلم روز مره خویش آن‌ها را بحیث نغز‌ترین و جالب‌ترین کلمات و جملات بکار می‌برند زاده افکار و اندیشه‌های یک ویاجند شخص نبوده بلکه همه از میان توده‌های عظیم مردم بهمان آمده‌اند و به توده‌ها تعلق می‌گیرند .

همانطوریکه توده‌های ملیونی کارگران، دهقانان ، و پیشه‌وران و سایر اقشار زحمت‌کش جوامع‌اند که تاریخ می‌سازند و آنرا تکامل می‌دهند بهمین منوال توده‌های وسیعی زحمتکشان جهان‌اند که فرهنگ را می‌سازند و تمدن‌ها را بیار می‌آورند و آن‌ها را رشد می‌دهند و تکامل می‌بخشند . از این جهت میتوان ادعا کرد که ضرب‌المثل‌های عامیانه مروجه امروزی در کشور ما که بخش بزرگی از فرهنگ و کلتور بومی سرزمین ما را تشکیل می‌دهند از آن توده‌ها بوده بهترین و عالیترین مفاهیم و اندیشه‌های انسانی را در خود نهفته دارند و ازجمله و پدران فرهنگ ساز ما به ابر ارت مانده‌اند .

طوریکه گفتیم هر یک از این گفته‌های نغز و دلکش که ما آن‌ها را ضرب‌المثل می‌خوانیم مفاهیم و معانی نهایت ارزنده و عالی‌رایبان داشته‌اند که از پرمحتوا ترین نوع کلمات و جملاتی بحساب می‌روند که در جریان پروسه تکامل تاریخ و آزمون زمان بیروز-مندانه از بوته آزمایش بدر آمده‌اند و در میان خلقهای تاریخ ساز و دورانساز ما رایج گردیده‌اند .

ضرب‌المثل‌های عامیانه که اساس ایجاد آن‌ها را درک ، تجربه و بر داشت مردم از کنش‌ها و واکنش‌های روزانه ایشان تشکیل می‌دهد . بحیث بهترین رهنما و یاری رسان ما در اجرای امور زنده می‌روزانه بحساب می‌آیند . چه آن‌ها ما را بیشتر قادر می‌سازند تا با درک همه جانبه حقایق به اجرای امور سودمند و نمر بخش بخود و دیگران متصل گردیم و از کنش‌های خالی از مفاد و بی‌جهت اجتناب ورزیم .

همین ضرب‌المثل‌های عامیانه مردم‌اند که پهلوی های مثبت و منفی بسا از واقعیت‌ها و اعمال مثبت و منفی ما را بخوبی ابضا ح می‌نمایند .

بطور مثال در میان مردم معروف است که میگویند : «قمار باز شریک دزد است» این گفته خیلی هارزنده و بجا است که از زمان‌های بسیار قدیم در میان توده‌های وسیع مردم کشور ما رواج داشته‌ما را از توصل به قمار که یک عمل ناجایز و ناپسندیده است باز می‌دارد و قیاحت‌های این عمل را بر مابیان می‌دارد و یا این مثل دیگر که میگوید : «قمار باز یکرود پاک میخورد و یکرود خالک» یعنی اگر شخصی که به عمل قمار بازی عادت دارد یکرود دارا باشد و صد روز دیگر را با دست‌تهی می‌گذراند که این هم پهلوی منفسی دیگری از عادی شدن به عمل قمار و قمار بازی می‌باشد .

و یا این مثل دیگر که میگوید : «وقت از دست رفته باز نیاید» و یا «وقت برابر طلا است» .

همه می‌دانیم که وقت بزرگترین موهبت است تاب و نایاب که اگر بیهوده از دست برود به گفته منزل فوق دو باره باز نیاید . اگر به مفهوم اساسی این مثل پر محتوا به دیده غور و تعمق بنگریم در می‌یابیم که حقیقت بزرگی را در خود نهفته دارد و آن اینکه ما را به کار و بیکار روزانه دعوت می‌نماید و بما می‌آموزد که حتی لحظه‌بی‌اوقات

بقیه در صفحه ۴۸

حفظ وطن

این نسل دلیر آریایی زاده
دایم به عدو درس شجاعت داده
بازی نبود همرة ایشان ساده
در حفظ وطن همه به‌پا استاده
میرمحمد کاظم هاشمی

سکوت

- گفت : از تو ام !
گفتم : انخواست .
گفت : باور کن !
گفتم : نه .
گفت : ترا اشتباه است !
گفتم : از من دستگیر .
گفت : کار دلست .
گفتم : خوب رویی .
گفت : تسلیم !
گفتم : مکر است .
گفت : مرا تم !
گفتم : راستی ؟
گفت : آری !
گفتم : وای عاشق شدی ؟
گفت : چرا نمی‌دانی ؟
گفتم : از چه ؟
گفت : طفلی ؟
گفتم : نه ، میدانم
گفت : بیا ، آری بیا !
گفتم : سکوت کن ! سکوت !

ممتاز

روانشناسی استعمار

برگزیده‌های ازمیان فرستاده‌های شما

استعمار و توجیه وضع عقب ماندگی و کم رشدی این سر زمین ها بر بنیان به اصطلاح عقب ماندگی های ذاتی و نژادی مردمان مستعمره و تسجیل فرهنگ مسخ شده استعماری بعنوان کلتور اعلی و اصیل بوده است .

جریان خود زدایی (تردید و تحقیر ارزش ها و دست داشته های فرهنگی و تاریخی مناطق نا منکشف بوسیله متجددین باشندگان اصلی مستعمره بر اثر تلقین استعمار) که از میان اساسی روانشناسی استعمار و امین میدارد بیشتر از همه توسط متجددین - به اصطلاح تحصیل کرده در کشور مادر (متروبول) و در موقع بازگشت به سر زمین آبایی تحقق میگردد :

جوان بومی بعد از چند سال دوری از وطن آبایی و کسب تحصیل در کشور مادر بمدلول عدم خود آگاهی تحت تاثیر سریع و فوری مظاهر پرزرق و برق و تجمل کشور استعمارگر قرار گرفته و چنین می پذیرد که فرا گرفتن و آموزش تمامی عادات و اخلاق تمدن بورژوازی به منزله توفیق به مدار عالی تمدن می باشد . این وضع در واقع نتیجه مستقیم و غیر قابل تردید جریان ذهنی و سایکولوژی استعمار بردنیای مستعمره می باشد که جوان بومی بر مبنای تداعی سوابق ذهنی به تحقیر و تخفیف ارزش ها و واقعیت های کلتوری خود و پذیرش ارزش های فرهنگی استعمارگر به عنوان ارزش های عالی و وسیله رسیدن در قالب انسان متمدن القاء می گردد .

استعمار باشیوه ها و تکتیک های رذیلانه و نا جوانمردانه به بومی های مستعمره چنین تلقین مینماید که گویا آنان بالذات عقب مانده و حقیر اند و به منظور اثبات شخصیت و هویت فردی و اجتماعی خود فقط يك راه دارند و آن این است که تمام نیرو و تلاش خویشرا در جهت هما نندی و همسانی انسان استعمارگر صرف نماید . که در این همانند گرایي نه تنها اینک عادات ، اخلاق و زبان خود را تغییر بدهد و هویت

بقیه در صفحه ۴۸

مستعمراتی احساس از خود بیگانگی و تردید ارزش ها و اساسات فرهنگی اصیل بومی را تقویت می بخشد . در واقعیت امر استعمار فرهنگی که هدفی جز تخریب و تخریش ارزش ها و واقعیت های فرهنگی در سر زمین های نا منکشف ندارد . قیافه استعمار کهن رادر چهره تقدس معنویات انسانی در جهان مستعمره بیان میدارد .

غول استعمار بعد از تسلط و ازغاب سرزمین های نا منکشف و بسط نظام استعماری به منظور تحکیم نظم استعماری توده های استعمار زده رابه انواع مختلف تحت انقیاد در آورده و با استفاده از تکتیک ها و شیوه های متنوع روان و معنویات توده های مستعمره را در زنجیر کشیده است .

ماشین استعماری کلاسیک بعد از تجهیز پایه های اجتماعی و اقتصادی استعماری و ایجاد وضع مستعمراتی در سر زمین های مستعمره جریان احساس حقارت و خفت رادر فرهنگ و رسوم بومی احاطه کرده و بر توده ها چنین تلقین نمود که گویا کلتور و فرهنگ آبایی و اصیل آنها عقب مانده و از تمدن و تجدد بدور می باشد لهذا ارزش های کلتوری موجود و مسلط بر بومیان مستعمره قابل تر دید بوده و این فرهنگ و ارزش های متجدد استعماری است که مظهر تمدن و تجدد و سبب پیشرفت و ترقی میباشد .

به این ترتیب استعمار کهن با تلقین غلط و نا جایز توده ها در جهت تردید ارزش های فرهنگی بومی و تحمیل کلتور استعماری در پهلوی غارت منابع و پیدوار مواد خام مناطق تحت استعمار ، به کشتن و مسخ نمودن دست داشته های کلتوری و تمدن اصیل مردمان سر زمین های مستعمره نیز پرداخت .

سیر روانشناسی استعمار کلاسیک که با بسیار زیرکی و مهارت موازی با ایجاد تاسیسات استعماری در دنیا تا منکشف پیشرفت هدف آن شیوع احساس حقارت و خفت در بین مردمان بومی مناطق تحت

کرد ، بلکه جریان تحقیر هویت انسان مستعمره رادر مضمون استعمار کلاسیک در مکتب کاملاً جداگانه و حساب شده که هدف آن تسجیل وضع برترانه انسان استعمار گرو توجیه وضع مستعمراتی استعمار زده بر بنیاد برتری های نژادی ، خونی و پیشرفت و تمدن استعماری باشد . ملاحظه کرد .

باتوجه به تاثیرات کیفی مضمون روانشناسی استعماری در ساحات مختلفه شئون حیاتی دنیا ی نا منکشف ، انسان بومی وضع تحقیر آمیز خویشرا در تماس با تمامی واقعیت های اجتماعی و اقتصادی که اکنون رنگ استعماری دارد و سبب غول استعمار بر آن حکومت میکنند ، درک نموده و در ضمیر نیمه آگاه خود از اینگونه برخورد ها که بر مبنای عدم تساوی و بر بنیان برتری و برجستگی به اصطلاح ذاتی انسان استعمارگر استوار است بدیده انزجار مینگرد .

انسان استعمار زده در عین حال که از وضع مستعمراتی خویش به شدت بیزار است و جمیع مومسبات استعماری رابه زعم ظاهر متمدن و عوام فریبانه آن مورد تردید قرار میدهد در معرض حمله جریان ناخود آگاهی استعمار فرهنگی قرار داشته که بارز ترین مظاهر و نتایج استعمار فرهنگی رادر واقعیت احساس حقارت که در بین مردمان مستعمره شیوع یافته و به سرعت توسعه میابد سراغ نمود .

احساس حقارت و خفت در انسان استعمار زده که هدف روانشناسی استعماری را بیان میدارد از نفوذ فرهنگی دنیا ی استعماری و تظاهر پدیده های پرزرق و برق و اغوا کننده تمدن بورژوازی آب خورده مظهر واقعیت وضع مستعمراتی در سیمای استعمار فرهنگی می باشد .

جریان ناخود آگاهی استعمار کلتوری که از طریق روانشناسی استعماری اعمار میگردد بیشتر از همه جوانان و نو جوانان بومی را مورد حمله قرار داده و با استفاده سوء از عدم آگاهی آنان از وضع

واقعیت استعمار بر دنیای مستعمره نه تنها مفهوم غارت منابع عظیم مواد خام و چپاول قوای بشری فراوان و رسوخ اسارت و انقیاد را در تمام شئون زندگی مردمان مستعمره تبیین مینماید بلکه حاوی مفهوم تحقیر شخصیت انسان استعمار زده و تسلط و گسترش انقیاد در روح و معنویات او نیز میباشد .

نظر مختصری به سیر چگونگی استعمار کهن در جهان مستعمره این حقیقت را بیان میدارد که علی الرغم احساسات آزادیخواهی انسان بومی و تنفر و انزجار عمیق او از وضع مستعمراتی خویش و مبارزه و مجادله پایان ناپذیر او علیه استعمار و مظاهر آن ارزش های فرهنگی استعمار باشیوه های ماهرانه و از مجرای روان شناسی استعماری به صورت مسخ شده بر او تحمیل میگردد .

کلو نیا لیزم کلاسیک در سیمای بشر دوستانه و ظاهر متمدن و پیش رفته خود هماهنگ با چور و چپاول منابع مادی و غارت مواد خام سر زمین های نا منکشف شنیع ترین طرق و شیوه ها را در کشتن روح و شخصیت و هویت انسان استعمار زده به کار برده ، عظیم ترین جنایات رادر زمینه رسوخ حقارت مینماید . آنچه روانشناسی استعمار رابه مثابه میراث شوم کلو نیالیزم کلاسیک در سیر تاریخ تبیین میدارد بقا یای احساس حقارت و خود کوچک بینی است .

شکستن زنجیر مستعمراتی و حصول استقلال سیاسی از کشور مادر (متروبول) در روح و ذهن انسان استعمار زده محسوس بوده لزوم مبارزه و مجادله او را در پهلوی تلاش و غلبه به عقب مانده گی های اقتصادی و اجتماعی و توفیق به استقلال اقتصادی احترام ناپذیر مینماید .

پروسه گسترش حقارت و نزول گرایي شخصیت انسان مستعمره به وسیله استعمارگر در سیر توسعه استعمار کهن نه تنها در مضمون فکتور های اقتصادی و مالی استعماری و تجهیز تاسیسات به اصطلاح متمدن کلونیا لیزم میتوان سراغ



هيله

پيوسته بگذشته

از تاريخ بايد آموخت

جوانان با لند و پيكار گرا درين شما ره قبل از آنكه ادامه نبرد قهرمانانه خلق خود را عليه امير ياليزم متجاوز انكرويز بنگاريم لازم است تا به يك وعده ديگر خود كه معرفي كتاب معروف تاريخي افغانستان باستان يعني اويستا است، پير دازيم و بعدا بر رسي خوش را در مورد نبرد هاي قهرمانانه افغان و انگليسي ادامه خواهيم داد. حال بر مي گرديم بر سوابق تاريخي كتاب اوستا: قبلا نوشتيم كه كتاب اوستا توسط (زرتشت يا زرتشترا)) كه اهل بلخ نامدار بود بوجود آمد اين كتاب كه در حدود سه هزار ساقبل از مسر وز تاليف شده بود البته با ييد گفته شود كه اين كتاب در طول چند هزار سال در زير حوادث مختلف تاريخي نمي توانست شكل خالص و كامل و هما نظور يكه در اول تدوين شده بود با قى پماند اوستا بعد از تحمل حوادث و دگرگوني هاي زياد در قرن سوم ميلادي (۱۷۰۰ سال پيش از امروز) در الفباي پهلوي ساساني جمع و تدوين گرديد. تفسير يكه به لسان پهلوي بر اوستا تحرير گرديد ((زند)) ناميده مي شود و تفسير بعدي را كه بر تفسير اولي نوشته شده بود ((پانزند)) ناميده شد. امروزه تنها يك بخش كوچك از اين

دنيا را كه شهر كوپهنا گن موجود است كه تاريخ كتابت آن قرن چاردهم ميلادي مي باشد. رسم الخط فوق الذ كر در قرن ششم ميلادي جهت تحرير كتاب اويستا عهد ساساني بود اوستا از گاتهاي (گات ها يعني ستون) اوستا معلوم مي شود كه دين زردشتي بر اساس توحيدي ويگانه برستي قرار دارد. اين دين ازجنت، دوزخ، برزخ صراط، ميزان و حساب سخن مي زند. هم چنان بر ضد دروغ، قرباني و كشتن گاو، رهزني، بيا باني گردى، چياول و شر شعمار مي دهد و به شهر نشيني، زراعت، مالداري، راستي، راستكاري انسان ها را تشويق مي نمايد عالي ترين اوامر اويستا، درين چند كلمه خلاصه شده است: بنداز نيك گفتار نيك، كردار نيك رويهمر فته مي توان گفت كه ديانت زرتشتي تنها دين معنوي ني، بلكه يك ديانتي اقتصادي نيز بود و اين كيفيت به دين زرتشتي ارزش اجتماعي هم مي دهد

دنيا را كه شهر كوپهنا گن موجود است كه تاريخ كتابت آن قرن چاردهم ميلادي مي باشد. رسم الخط فوق الذ كر در قرن ششم ميلادي جهت تحرير كتاب اويستا عهد ساساني بود اوستا از گاتهاي (گات ها يعني ستون) اوستا معلوم مي شود كه دين زردشتي بر اساس توحيدي ويگانه برستي قرار دارد. اين دين ازجنت، دوزخ، برزخ صراط، ميزان و حساب سخن مي زند. هم چنان بر ضد دروغ، قرباني و كشتن گاو، رهزني، بيا باني گردى، چياول و شر شعمار مي دهد و به شهر نشيني، زراعت، مالداري، راستي، راستكاري انسان ها را تشويق مي نمايد عالي ترين اوامر اويستا، درين چند كلمه خلاصه شده است: بنداز نيك گفتار نيك، كردار نيك رويهمر فته مي توان گفت كه ديانت زرتشتي تنها دين معنوي ني، بلكه يك ديانتي اقتصادي نيز بود و اين كيفيت به دين زرتشتي ارزش اجتماعي هم مي دهد

در عين زمان نما يا نگر از تقا ئي خلقي است كه كتاب اوستا در بين آنها به ميانه آمده است. اوستا از نگاه تاريخ افغانستان كيفيت و ارزش زياد تری دارد، چه اوستا بعد از سرود هاي «ريگويدا» كه نشان دهنده حيات ما لدا ري و نيمه زراعتي و نظام طايفه اي آريائي است: هم چنان مهم ترين منبع و ماخذ تاريخ باستاني افغانستان نيز است. اويستا افغانستان قديم را از نظر باستاني جغرافيا ئي حاوي شا نزده منطقه در دور و پيش سلسله جبال هندو-كش معرفي مي كند، اين مناطق عبارتند از بخدي (بلخ)، راغاب (بدخشان)، مورو (مرو)، هريو (هرات)، هرو او يستي (حوزه هلمند)، هيتو منت (ارغندا ب)، هپته هندو (حوزه سند) وماوراالنهر (سغدیان) وغيره اوستا مردمان اين مناطق آريائي و وطن شا نرا آريائي نامي نامد.

ادامه دارد -

جوانان و تعطيلات زمستاني

در اين روزها كه تعطيلات زمستاني آغاز مي يا بد جوانان ما چه بايد بكنند تا از يكطرف ازادامه تحصيل باز نما نند و از جانب ديگر خوش برون گرام هاي تفر يحيي داشته باشند.

در اين روزگار يكه كشور ما پيش از هر وقت ديگر به قدرت و خلاقيت نيروي جوانان ما نياز دارد با ييد جوانان ما خود را با شرايط زندگي آينده آماده سازند اين آماده گي از همين حالا بايد آغاز يا بد و با پشتكار تعقيب شود، تا با شد كه آينده آنان تضمين گردد. شايد پير سيد كه چطور: خدمت اين عده جوانان بايد عرض شود كه: اولتر از همه به صحت و سلامت خود فكر نمايند و بعدا به كسب دانش و تحصيل. در اين روزها كه رخصتي عمومي شا گر دان معارف است بدنيست كه هر شا گر د چيز فهم در پهلوي كارخانه يك

كتاب بدست داشته باشند، كتاب بيكه به ذوق و علاقه آنان باشد، كتاب بيكه بتوانند به آنان چيزي بيا موز اند.

بهترين سرگرمي و تفريح در شرايط حاضر مطالعه و كتاب است، البته در پهلوي آن استراحت و گردش نبا ييد فرا موش گردد شنيدن موسيقي خستگي را مي زد ايد، به انسان قدرت و انرژي بيشتر مي دهد اشتراك نمودن در كارهاي منزل و همكاري با پدر و مادر در امور خانه يكي از مصروفيت هاي خوبه خواهد بود كه جوانان ماکتر احساس دلتنگي نمايند.

در فواصل بيكاري بهترين تفريح مطالعه است جوانان بيكه زندگي نسبتا مرفه تری دارند ميتوانند بزرگترين خدمتي به ميهن و كشور و مردم خو يش در اين روزهاي رخصتي و تعطيل نمايند. ميدانيد كه اين خدمت

بزرگ و مقدس مبارزه با بيسوا دي اين دشمن مشترك همه بشر مي باشد. شما كه وقت اين را داريد چه ميشود كه با چند ساعت انسان بيسوا دي را كه محروم از بزرگترين نعمت زندگي است با سواد سازيد و با آنها در اين باره كمك كنيد سه ما و كمتر از آن مدتي نسبتا زيادي است كه انسان ميتواند در اين راه خدمتي انجام دهد.

پس بهترين مصروفيت براي جوانان با درد يكي هم اينستكه دست مظلومي را بگيريد و او را در راه با سواد شدن كمك نماييد چشم او را به خط و كتابت آشنا سازيد، و دل او را به نور علم روشن نماييد. بگذا ريد آنان كه سا لها از اين نعمت محروم بودند با كمك شما جوانان با در وطن پرست بر خور دار از سواد گردند تا با شد كه آنان نيز در آينده موجود مفيدی براي اجتماع و وطن خو يش گردند.

من از شما نمی خواهم که مرا تبرئه کنید و یا به من دل بسوزانید اما می خواهم و توقع نیز دارم که عادلانه قضاوت کنید و ببینید که کی مقصر است و علت اختلاف میان ما چیست .
وجه بوده و کدام یک بیشتر مقصریم . ولی قبل از همه بایست به گذشته برگردیم تا بیشتر موضوع و مطلب برایتان واضحتر گردد .

ما از کودکی با هم آشنا بودیم ، رفت و آمد فامیلی داشتیم و وقتیکه بزرگ شدیم و مکتب را تمام کردیم و شامل فاکولته نیز شدیم این رفت و آمد و این آشنایی مانده گذشته دوام داشت و هرگز این ارتباطات فامیلی ما از میان نرفت . تا اینکه در اثر موافقه طرفین و فامیلی ما با هم نامزد شدیم ، این دوره که از بهترین ایام زندگی دو جوان محسوب میشود مدتی گذشت ما در این ایام برای آینده خویش نقشه های می کشیدیم و بخاطر زندگی بهتر آینده طرح های بوجود می آوریم و کوشش میکردیم که این طرح ها را در عمل پیاده کنیم . مدتی تقریباً شش ماه از نامزدی ما گذشت و مادامستیم مقدمات عروسی را میکردیم ، ولی آرام آرام متوجه شدم که آن علاقه و حرارتیکه نامزد در گذشته داشت حالاندر علت را ندانستیم تا اینکه از خودش پرسیدم ولی او انکار کرد و گفت که چیزی نیست شاید مرا خیال بر داشته باشد و از اینطور گپ ها . بهر حال پس از رفتن و آمد زیاد پدر و مادرم به منزل نامزد تاریخ از دواج تعیین شد و به همین مناسبت مقدماتی که برای ازدواج ضروری و لازم بود تهیه دیدیم . شدم اما هر قدر روز تا ریخ ازدواج نزدیکتر میگردد نامزد بیشتر نا راحت تر و دلواپستر میگردد دیدم باز هم برایش گفتم که چه شده ، چرا ناراحت هستی ، آیا خوش نیستی که در این روزها با هم ازدواج میکنم و تمام رو یا های گذشته مان به تحقق می پیوندد ؟ سکوت میکند و چیزی نمیگوید ولی از حرکات که می نماید بخوبی معلوم میشود که سخت نگران است و دایم در حالت یکنوع انتظار بسر می برد

این وضع نامزد با عث نا را حتی من نیز گردید و هزاران سوال را برایم خلق می نمود ، فکر میکردم رازی در میان است که نامزد نمی خواهد من از آن مطلع گردم . بهر ترتیب بود با لایحه و ادارش ساختم که اصل حقیقت را بگویند و او برایم چنین گفت : میدانی احمد من تو را بسیار دوست دارم ، اما نمی خواهم زن تو باشم ترا بحیث یک برادر بسیار محترم دوست دارم ولی فکر میکنم که اگر ما با هم ازدواج کنیم زندگی بدی خواهیم داشت و هرگز خوشبخت نخواهیم بود این سخنان نامزدم آنقدر برایم غیر مترقبه بود که انتظار هر چه را داشتیم غیر

زندگی فامیلیت آشنا گشتم ، دیدم که اگر این وصلت صورت نگیرد بهتر خواهد بود هم تو خوشبخت خواهی بود و هم من .
چه چیز زندگی فامیلی ام ترا نا راحت ساخته که به پیمان خود پشت پا زنی ؟ سکوت میکند ، چیزی نمیگوید ، اما مثل اینکه تصمیم خود را گرفته باشد ناگهان لب به سخن میگذارد و میگوید : یگانه عالمی که مرا از این ازدواج بازداشت و وضع نامساعد اقتصادی است و بس . آن پلان ها و نقشه های که من و تو برای آینده مان کشیده بودیم هرگز نمیتواند با این وضع اقتصاد جا مه عمل پیوسته شاید که تصور کنی من دختری

جو انان و روابط خانوادگی

شنیدن این مطلب را شما فکر کنید یک عمر با هم بودن ، یک عمر برای آینده نقشه کشیدن و با لایحه این طور سخن را شنیدن آن لحظات هرگز در زندگی فرا موشم نمیگردد و اگر هر کسی بجای من نیز می بود هیچگاه این واقعه را فرا موش نمیگردد .
خوب شما را چه درد سر بدهم که از نامزد خواستم تا بیشتر برایم تشریح نماید و موضوع را برایم روشن سازد ، او در ابتدا را ضی نمیشد که اصل حقیقت را برایم بگوید ولی او را درش ساختم که حقیقت با اینکه تلخ و طاقت فرسای بود برایم بگوید او ابتدا زیر بار نمی رفت و بیایا خره گفت و چنین گفت : احمد در این شکی نیست که ابتدا می خواستم با تو ازدواج کنم و تا همین چند ماه قبل به همین تصمیم بودم ، اما وقتیکه از نزدیک به

مادی پرست و پول دوست هستیم . اما من می خواهم که در آینده خوشبخت باشم ، میخواهم چیزی را که آرزوی منم برآورده باشد با شما بیاداری که من و تو همیشه از زندگی مستقلی حرف میزدیم ، ولی گو آن زندگی مستقل؟ آیا تو با این معاش خود میتوانی آن زندگی ایده آل را که هر دوی ما خواهان آن بودیم بسازیم ؟ فکر نمیکنی که هر دوی ما تا به امروز اشتباه نمودیم و تمام آن نقشه ها جز رویای بچگانه چیزی دیگری نبود ، زیرا این امکان را ندارد که آن زندگی ایده آل را بسازی . احمد این را باید قبول کنی که بجای من هر دختری دیگری باشد چنین می خواهد . شاید من نتوانم صاحب همسری مانند تو گردم

ولی نمی خواهم که همین حالا چانس زندگی خود را از دست بدهم از این ریزش خواهرش میکنم که دیگر روی از دواج با من فکر نکنی و از همین حالا تصمیم خود را بگیر برایش گفتم تو که مرا از خیلی قدیم میشناختی ، به زندگی خانوادگی مان آشنا بودی ، و تا اندازه زیاد از وضع اقتصاد ما با خبر بودی چرا آن وقتیکه نامزد میشدیم این فکر را نکردی که حالا میگوی ؟
با نا را حتی میگوید : درست است که ما از کودکی با هم آشنا بودیم ولی این دلیل نمیشود که حتماً از تمام جزئیات زندگی گیتان با خبر باشیم دیدم جرو بحث دیگر فایده ندارد او تصمیم خود را گرفته است ، برایش گفتم که من با دیدن این موضوع را با پدر و مادر در میان بگذارم ببینم آنها چه نظر دارند میگوید این زندگی خود من است ، و این منم که باید تصمیم بگیرم نه پدر و مادرم ، شوهر من میکنم نه پدرم ، این من هستم که آینده من باید خوب شود یا خراب ، پس تصمیم من است با این هم برای اینکه رضایت فراموش شود هیچ مانع ندارد میتوانی با پدر و مادرم صحبت کنی ولی بدان که من تصمیم خود را گرفته ام گفتم خوب ببینم چه میشود این را گفتم و از شد جدا شدم ، روز دیگر به دیدن پدر و مادرش رفتم ، دیدم وضع و پیش آمد آنان نیز طور دیگر است ، پیش خود فکر کردم که اگر زیاد در این مورد با فشا ری نمایم شاید بیسود باشد و قتیکه دختر نخواست با من زندگی نماید چه ضرورتی که این سخنان را به پدر و مادرش بگویم ، و اگر احیاناً برای آنان نیز بگویم آنها چه خواهند گفت ، صرف همینقدر خواهد گفت که :
پسر م ، چه باید کرد ، امروز نمیتوان کسی را به زور و جبر وادار به ازدواج کرد ، امروز خوشی دختر و پسر شرط است و...
و اگر هر طرف داد و فریاد رازد بیا ندامت فایده نخواهد داشت به همین منظور بدو ن اینکه زیاد خود را نا راحت نشان داد .
باشم برای پدر و مادر دختر باقیه در صفحه ۴۹



تهیه و تنظیم از : صالح مجاهد
کپسار

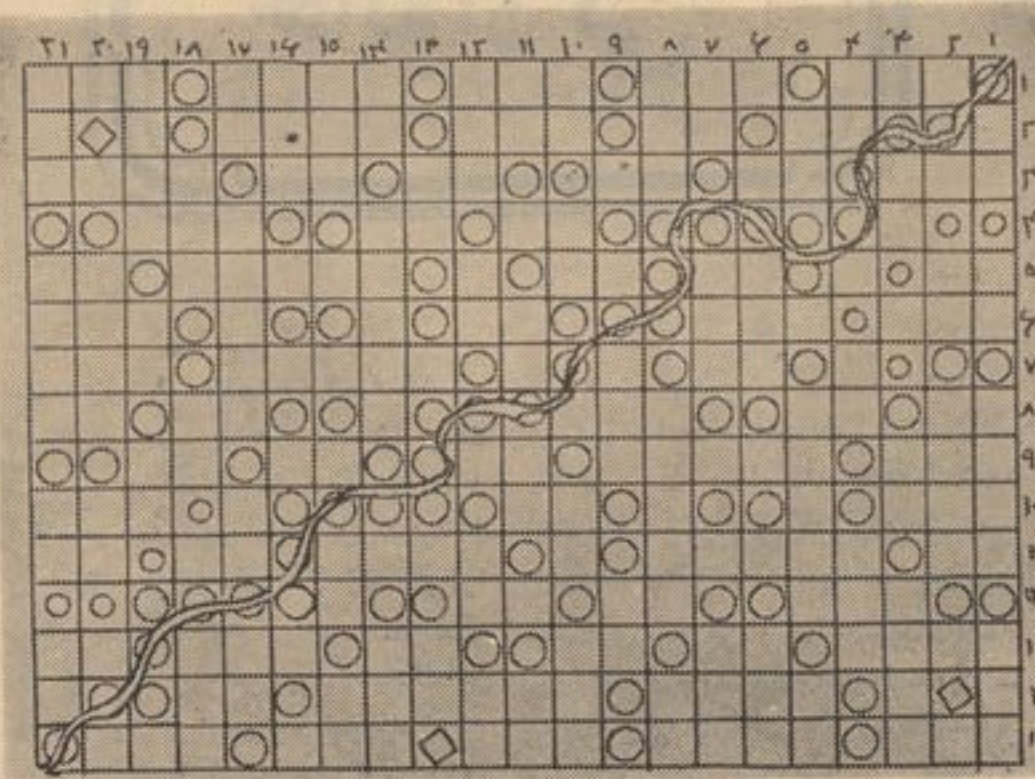
سرگرمی هاد مسابقات

جدول کلمات متقاطع

افقی :-

۱- در قفس سینه آنرا میتوانید پیدا کنید - از ولایات باستانسی کشورها - یکنوع با سبیل (میکروپ) را بنامش مسما ساخته اند - آنرا میپرستیم - فلمی است از کشور هندوستان - ۲- يك حرف را در دوخانه بگنجانید - در روی میرویدسمناره های این شهر باستانی ما شهرت جهانی دارد - ۳- در همین فصل زیادتر استفاده میشود - حرف نقی عربی - کانال خون - عکس زیاده - ردیف گوهر - گهواره انقلاب آسیا - ۴- دو پانزدهم در بین بلبل - معدن - ۵- عددی است - باعلاوه (یاد) اسم یکی از فلمهای هندی - از امراض ساری - قایل شدن - نمیتواند راه برود - ۶- از آلات صیادی ماشین آنرا موراختراع کرد - از ماه های سال به پشتو سه خانه و يك حرف - ۷- گدای پابریده فلمی به اشتراك سایره بانو - در پیشانی یار میز یید - ۸- نصف نشان - رطوبت - در روزهای بارانی زیاد می آید - ازدانه های شطرنج - دیروز - ۹- منظم آن ادا میشود - از آلات محاروبی - عددی است به پشتو - کبل کوتاه - ردیف جدر - ۱۰- گناه ناتمام - رفیق پری - حیوانات را چنین سازند - ۱۱- حرف نقی - اشک ابرها - از کشور های افریقای - عطر میدهد - بو مردم بگریده - ۱۲- ضد جدید است - قلب عوام - جبل کوتاه - ۱۳- وسیله پوشیدن در بدن - ردیف خاشاک - حیوان باربر - طول بدن - خشت وچونه رادر آن بخته میسازند - جام آن

شهرت دارد - ۱۴- ردیف غله می آید یکی از آبشار های مشهور کشور ما - کارنا تمام - ۱۵- بزرگ به پشتو - ازغله جات دول پراگنده - آنرا نگهدارید - از و لسوالی های سمت شمال کشور ما -
عمودی :
۱- از حیوانات جنگی - درنده - اشاره موی بر سر ندارد - ریگزار از فلمهای هندی - در بچک پا جا الف کوتاه - ۱۲- تازه نیست -



دارد - ۲- نصف جاوا - با آن موها را مرتب کنند - ۳- حرف ربط این به پشتو - از پرندگان خوش خوان - ۴- خنک نشده میوه یی است خزانی - ۵- يك نوع پرنده خوش خوان - به خانه هر شخص می رود - دگر ناتمام - ۶- در یمن فصل در درخت ها نمپا شد - دوران او گذشت - ۷- لوده بود د هش

حاصل اکسیجن و هایدروجن - محبت - به عده نرسیده - ۱۳- ضمیمه به پشتو - در موقع تسمات غذایی پیدا میشود - ۱۴- ماه کوچک - باران در گذشته به زمین آمده - منظم آن پدر است - ۱۵- معکوس آن از لسانها ی رسمی ماست - حرف ربط - راه کوتاه - ۱۶- گردنبند - ۱۷- رفیق بولت - پروگرامی

است هفته یکبار در تلویزیون به نشر میرسد - سیب میان تپی - کاکای بی پادر پشتو - ۱۸- وظیفه کارگر - اگر آنرا بازرگرایکجاسازند نام یکی از مناطق کشور ما می شود - گوزن در آن شهرت دارد - ۱۹- پیر نیست - زمان آن است - درد ناتمام - ۲۰- دشمنان مردم ما آن طور هستند - ماده حیاتی - ۲۱- در بد خشان شهرت جهانی دارد - معشوقه مجنون - سمبول باریکی - خودم

این دختر کیست؟



این چهره زیبا یکی از ستارگان غرب است ما آنرا برای شما چاپ نمودیم تا اگر بتوانید بگوئید که این ستاره سینما رادر کدام يك از فلمها دیده اید اگر به شناختن او موفق شدید اسم او را و فلمی را که به اشتراك او دیده اید برای ما بنویسید.

تست جالب خود شناسی ؟



این تست مخصوص دختران میباشد آری بسیاری از دختران مغرور و یا اینکه در زندگی خوش بخت نمپا شدند ما برای اینکه دختران خود را بشناسند نه شکل را برای شان چاپ نمودیم برای ما بنویسید که از کدام تیپ دختران هستید ما برای شان بنویسیم که چه عادات را دارا می باشید فراموش نفرمایید که با انتخاب یکی از اشکال فوتوی خویش را نیز ارسال دارید.

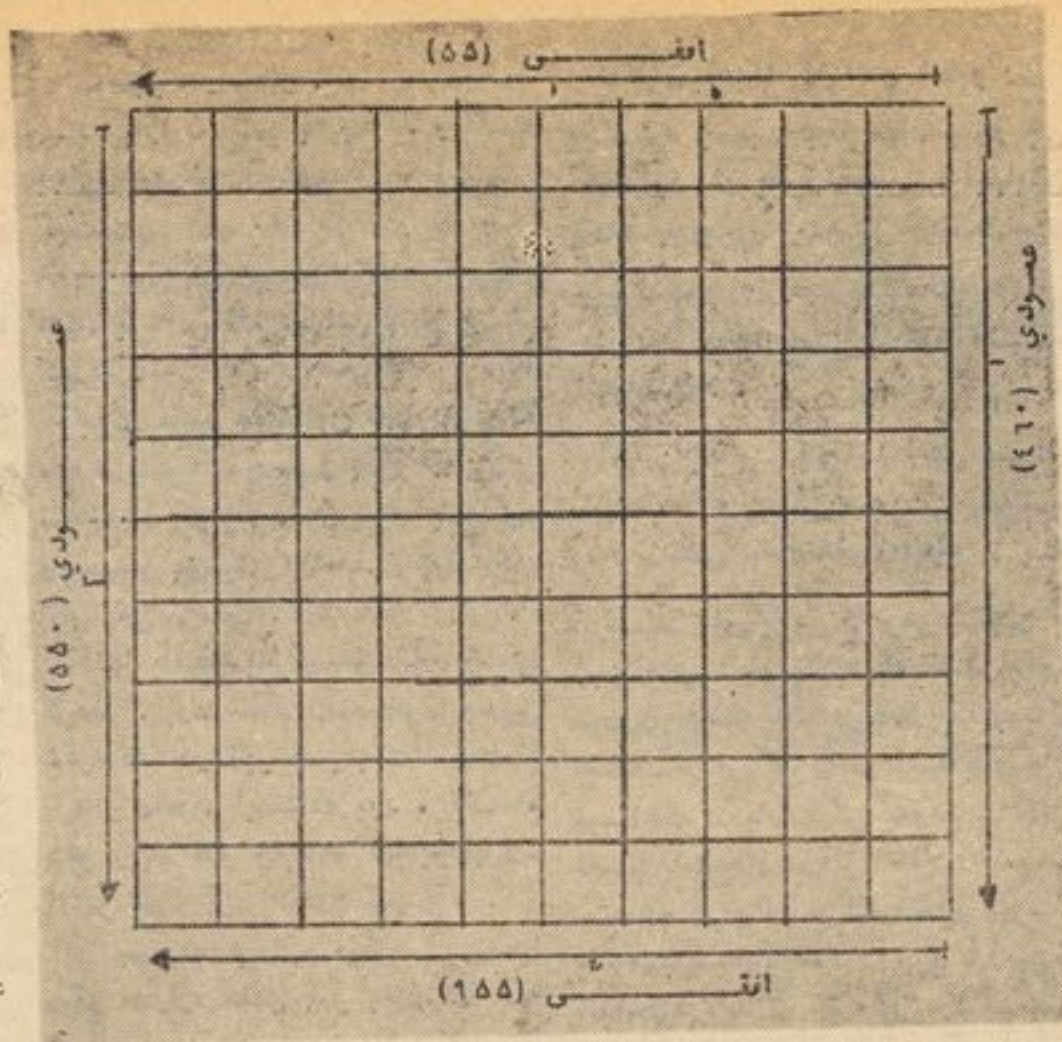
شما بوده باشد طوریکه حد و لزا مشاهده می نمایید همه خانه های آن خالی بوده و با اعداد حسابی خانه بری میگرد.

البته غرض آسانی کار شما بعضی از مشخصات و دستور العمل حل جدول فوق را ذیلا تشریح می کنیم زیرا نظیر چنین جدولی در گذشته کمتر بنشر رسیده و لابد به آن کمتر آشنایی خواهید داشت:

- ۱- حاصل جمع اعداد ستون اول افقی به ۵۵ می رسد
- ۲- حاصل جمع اعداد ستون دهم افقی به ۹۵۵ می رسد
- ۳- حاصل جمع اعداد ستون اول عمودی به ۴۶۰ می رسد
- ۴- حاصل جمع اعداد ستون اول عمودی به ۵۵۰ می رسد
- ۵- باید اعدادی که در خانه های خالی گنجانیده میشود عین عدبانشند به عبارتی دیگر در تمام خانه های جدول عین عدد تکرار نگردد.

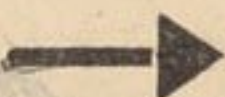
اگر همه اعداد درج شده ستون های اول و دهم افقی و عمودی جمع شوند حاصل شما ۲۰۲۰ میگرد. نوت: جهت معلومات مزید خوانندگان و حل کنندگان محترم اینقدر نقل هم میدهیم که:

در ستون های افقی اعداد در خانه های خالی تسلسل داشته و از قام بهلوی هم یک یک فرقی دارند در حالیکه از قام بصورت عمودی یعنی اعداد بالاتر از اعداد پائین خود ده تفاوت مینمایند. اسم حل کنندگان و از جمله فوتوی یکی از آنها که اولتر بدفتر مجله پرسند در همین صفحه به چاپ می رسد.



جدول جدید

خوانندگان محترم! شما و همچنان جهت به کار افتادن این بار جدول جدیدی را بنا بر این طرح نمودیم سرگرمی هر چه بیشتر و مصروفیت امیدواریم که بدو ق و غلاقه

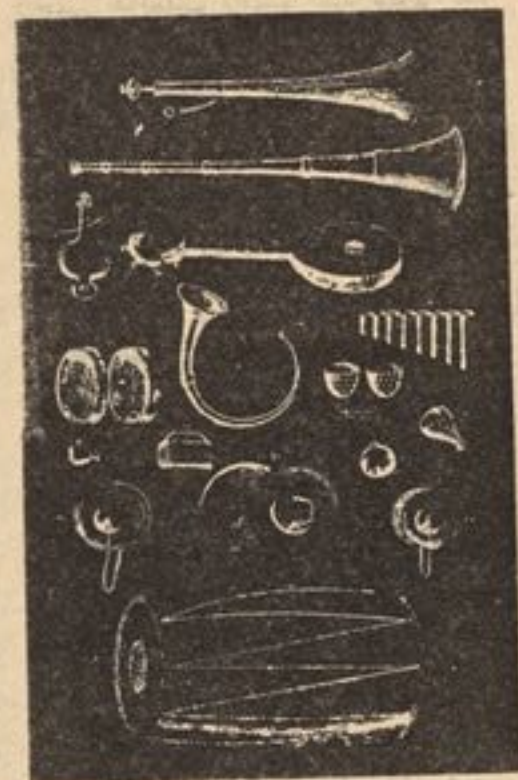


صحنه کدام فلم؟

این صحنه از فلمی است که در هندوستان بمعرض نمایش قرار داده شده است و شما باید این فلم را دیده باشید بهر صورت اگر با سینما علاقه داشته باشید میتونید اسم این ستاره و اسم فلم مذکور را برای ما بنویسید.

کدام آلات موسیقی؟

در جهان امروزی شاید هزاران نوع از آلات موسیقی را دیده اید و شاید هم به آنها آشنایی داشته باشید اما درین جا چند نوع آلات موسیقی را چاپ مینمائیم اول اسمای این آلات را منظم بنویسید و بعدا بگوئید که این آلات موسیقی به کدام دوره و زمان تعلق دارند و هم بنویسید که از این آلات فعلی کدامش مورد استغاده قرار داده



کدام جایزه و کدام ستاره؟

درین تا بلوسه ستاره مشهور سینمای غرب، را مشاهده میکنید که با چهره های شاد دیده میشوند شاید این ستاره هارا در فلما دیده باشید ما میخواهیم که اول اسمای این ستاره را با جایزه که یکی از آنها برنده گردیده است بنویسید برای اینکه زودتر اسم این جایزه را بدانید این جایزه بزودتر پسند جایزه سینمایی جهان بشمار میرود.



نهم ژانویه

- خبر - دار .

سربازان کمی جنبیدند و آنگاه بجای خود خشک شدند افسر گفت:

امر می کنم پر - را آکنده شوید. آنگاه باتا نی قداره اش را از نیام کشید .

برای مردم عملا غیر مقدور بود که متفرق شوند، جمعیت مترا کمی تمام میان کویچه را پر کرده بود و پیوسته از خیابان عده ی تازه بانها می پیوست .

آنها باتنفر به افسر نگاه می کردند . اود شنام و تمسخر را می شنید اما در زیر ضربات آنها پایدار و محکم ایستاده بود . نگاه بیفر و غاو متوجه دها نها بود ابرو - آتش آرام آرام تکان می خورد .

جمعیت ها یهو میکرد زیر سکو ت و آرا مشس سر با زان که کاملا غیر انسانی و در اینمو قسح بیجا و بی مورد بود مردم را آزار و شکنجه میداد .

از یکدیگر می پیر سیدند . فر مان دار اینکار را بکنند . او بدون فرمان هم برای کشتن آماده است ...

می بینی قداره اش را بیرون کشیده .

اهای ارباب برای آدم کشی حاضری ؟

غیرت و حرارت مردم شدید تر میشد حس شجاعتی که با بسی فکری و یاس و نومیدی آمیخته بود در آنها آشکار میگردد . فریاد هار سا ترو تمسخر واستهزاکتر میشد .

سرگروه بان با فسر نگاه کرد تکانی خورد رنگش پرید و او هم ب سرعت شمشیرش را بیرون کشید .

ناگهان آهنک زنده ی شیپو ری بلند شد جمعیت بجا نب شیپور چی نگاه کرد . او بطرز عجیبی به لبهایش باد انداخته بود و چشمش چشمک میزد شیپور در میان دستهای او می لرزید و صدایش زیادد از حسد کشیده بود .

مردم با سو تهای رسا عر بسته ضجه صدا های لعن و نفرین ، دشنام و سرزنش نا له های ، عجز و لا به فریاد های یاس و نومیدی ، رجز های شجاعانه که حسامکان مردن در لحظه بعد و عدم امکان اجتناب از مرگ را در آنها بیدار می ساخت . با و از گریه و نفرت انگیز شیپور پاسخ دادند و آنرا خفه و خاموش ساختند فرار از مرگ مقدور نبود .

چند هیکل سیاه خود را بروی زمین انداختند و بدن خویش را به زمین فشردند عده ای هم صورت شانرا بادستها پوشانیدند . اما آنمرد ریش دراز دکمه های بالا - پوش را گشوده و پیشا پیش همه ایستاده بود و با چشمهای کبودش به سر بازان نگاه میکرد ، او بیو سته

باسربازان حرف میزد و با آنان چیزی میگفت که در میان هیاهو و هرج و مرج شنیده نمیشد .

سربازان تفنگها را بالا آوردند همه آنها در وضع یکنواخت سر نیزه هار اربابا نب جمعیت دراز کرده بودند .

بخوبی نمایان بود که خطسرنیزه در هوا آرام و بیحرکت موازی و هموار نیست ، بعضی از آنها بالا - رفته و برخی پائین افتاده بود فقط عده کمی از آنها مستقیما متوجه سینه مردم بود .

چنین بنظر می آمد که سر نیزه ها از آماده نر می ساخته شده است همه آنها میلر زید گوی ما نند موم در مقابل آتش رفته رفته و آت میرفت و خم میشد . کسی با وحشت و نفرت فریاد زد .

از آماده نر می ساخته شده است همه آنها میلر زید گوی ما نند موم در مقابل آتش رفته رفته و آت میرفت و خم میشد . کسی با وحشت و نفرت فریاد زد .

آدم کشها ، چه میکنید ؟ سرنیزه ها بشدت و نا منظم لرزید صدای رگبار گلوله بلند شد مردم که از شدت صدای ضرب به گلوله ها ، افتادن کشته گان و زخمی هاب عقب رانده شده بودند ، تلو تلو میخوردند و عده ای آرام و ساکت از روی نرده بان می پیر -

یدند . باز هم صدای رگبار گلوله بلند شد رگبار دیگری هم بگو ش می رسید .

کودکی که روی نرده بان ایستاده بود هدف گلوله قرار گرفت افتاد و از پای روی نرده آویزان شد .

زنی بلند قد و خوش ترکیبی با گیسوان انبوه آهسته آهی کشید و آرام کنار او افتاد . کسی فریاد زد .

ملعو نها میدان خلوت تر و آرام تر شد ، آنها که در صفو عقب خیا بانها بودند به درون خانه ها گریختند جمعیت تسلیم ضرب های نا مرئی میشد و آهسته عقب می نشست

بین آنها و سر بازان یک فضای چند متری ایجاد شده بود که با انبوه اجساد پر بود برخی از افتادگان بر سر می خاستند و با شتاب به سوی مردم میدویدند دیگران باز حمت بسیار خود را بلند میکردند و در پی خویش لکه های خونین بجا میگذاشتند . با قیدارد

دور شو افسر می شنود! افسر بلند قدمو بو روی بسا سبیلهای دراز آهسته آهسته در امتداد صنف سربازان راه میرفت و همچنانکه دستکشش را بدست راستش میکرد از میان ندانها میگفت :

پر سزا - گنده شوید . دور - ر شوید . چطور ؟

حرف میزنی . من بتو میگویم! صورتش چاق و وقت سر مز چشمانش گرد و پرا ق ولی بیفروغ بود ، او باتا نی راه می رفت پاهایش را بز زمین میکوفت . اما بارسیدن او زمان سر یعتر می گذشت گویی هر ثانیه از ترس اینکه مبادا بایک چیزو هم آور و نفرت انگیزی بر خورد کند شتاب میکرد تا خود رازود تر مخفی سا زد . پشت سر او سر بازان در خط زنجیر مستقیم که چون خط کشی نامرئی بنظر میرسید بحالت خیردار ایستاده بودند . شکمها رابعقب وسینه ها را پیش میدادند و بنوک پنجه چکمه هایشان نگاه میکردند بعضی از سر بازان با چشم ، افسر را به مردم نشان میدادند و با چهره های وحشتزده شکک میساختند . افسر در یکی از جناحها توقف کرد و فریاد زد .



د کار یې د سمنډرگی

اوسنی سیاسي او

اقتصادي حالات

دوهمه برخه

پارلماني انتخابات وشول پا تريک جان چی نه غوښتل ماتی ته غاړه کپز دی دوا شنګین دمر ستنی په هیله یی په انتخا با تو کی دبرخی اخیستو اعلان وکړ او په خپله انتخاباتی اعلامیه کی یی وو یل چی په دو مینیکا کی دی دامر یکا تحت البحری اډه جوړه شی . دی مو ضوع یو خل یمیا دهیواد د خلکو داعتراف ضو نوخپسی راو پارولی .

همدا رنگه په یو بل نوی جوړ شوی جمهوریت کی چی پخوا هالیند مستعمره وه اودسورینام په نوم یاد یزی سیاسی طوفان پېښ شو . د ۱۹۸۰ کال په فبروری کی یوی دلی سر بازار نو او افسرا نودهنک آران حکومت دفساد اور غیر مسو لانه سیاست په اتهام چی د خلکو دژوندد شرا یطودخرا بوا لی سبب شوی وو راو پزه . یوه ملی یو خسی شورایی جوړه شوه اوچین ای بیین یی دصدر اعظم په تو گه وټاکه .

دکیو با دبر نسالاتینا خبری آژانس سره په مر که کی چین ای سین وویل چی دده حکومت غواړی چی د خلکو په مرسته او بر خه اخیستو سره دهیواد ټو لنیزه او اقتصاد دی پر مختیا چتکه کړی او په نړ یوا لو چارو کی به سورینام دداسی سیاست څخه بیروی وکړی چی د هغه دملی گټوسره توافق ولری .

دوا شنګین ترشا دجیبی لیکه:

دکار یې د سیمي د هیوادو خپلو اکی ، اکثر و برخه اخیستل ناپیلتوب به جنبش کی ، دامیر یا لیزم برضد یووالی دپاره ددوی هڅی ، سوسیال لیستی جهت ته د ځینوتگ اودکیوبا ددوی اړیکو زیاتوالی او پراختیا دوا شنګین ددیر رنځ او نا آرامی

سبب شویدی . دامر یکی متحدوا یا لاتو حاکمه محافل ددی انکشافاتو زاتگ خپلو گټو ته خطر بولی . لوید یخ خبری مفسر یین دکار یېین سیمه یو گرام ټکی دامر یکی دمتحدو ایالا توددریم سرحد اود واشنگین تر شاجیبی دلیکی په نامه یادوی . دامر یکا حکومت هڅه کوی چی د خپلوا کی بڅښونکسو جنبشونو په مقابل کی موا نع ایجاد کړی . په عین زمان کی واشنگین هیله لری چی دکار یېین د سیمي نوی خپلواک شوی هیوادو نه د خپل تاثیر ساحی لاندی راو لی . د ملت په نامه دنیور یاک یوه مجله لیکي چی د سیمینی ما نی دکار یېین سیاست که څه هم ظاهرا ریفور میستی جا مه لری خو په واقعیت کی لاس وهونی مداخله گرانه اوضد انقلابی دی .

لهی ویری چی دنیکا را گوادولسی انقلاب او بر یا لیتوب گریستا دا دد یکتا توری پسر زول به دکار یېین د سیمي پر حا لاتو انقلابی تاثیر وچوی . دامر یکی جمهور رئیس کار تر په تیرمنی کی دمر کزی امریکی اود کار یېین د سیمي د دوستو هیوادو ته د اقتصاد مرستو زیاتوالی او دپو څی تجهیزاتو لیرلو امر ور کړ . تقریبا په همدی وخت کی دامر یکی دجمهوری ریا ست د ملی امنیت سلا کار دیو یاد دا شت به ترخ کی په لوید یخه نیمه کره کی د کمو نیستی ضد رژیمو نو د ټینگوالی غوښتنه وکړه .

په تیر کال کی دامر یکی دمتحدو ایالا تومر ستنی ددی سیمي از تجا عی هیوادو ته ۱۹۷۶ کال په پرتله دوه واره زیاتوی . پراختیا او بیاداد نولو دپاره نړ یوال بانک اونورو با

تکوالو مالی سازمانو نود کار یېین د سیمي ارتجاعی دولتونه ستر پورونه ور کړل . پدی هیوادو کی بهر نیی خصوصی پانکه اچونی هم مسخ پرزیا تیدو دی ، دځینو بهر نیو منا بعمو په حواله دا بانکی تر دری میلیار ده داروزیا تی دی . دامر یکا پی

خصوصی پانکو دجلبلو دپاره سیمینه ما نی دکار یېین په سیمه کی هر کال سودا گری او انکشاف په بازه کی کنفرانسو نه جوړوی چی وروستنی کنفرانس یی ۱۹۷۲ کال دنوامبر په میاشت کی جوړ شو چی په هغه کی ددی سیمي دهیوادو رسمی ما مورینو اودامر یکی متحدو ایالاتو سودا گرو برخه اخیستی وه . دلاتینی امر یکی دمطبوعا تو په حواله متحدو ایالاتو یو عالی رتبه ما مور میلیب

حبیب ددی هیوادو ددولتی دجلبولو په ترخ کی هڅه وکړه چی دشو روی اوکیو با له خوا دیو موهوم خط سر په اختراع کولو سره د سیمي هیواد ونه و بیروی د مفسرینو په نظر دامر یکی دمتحدو ایالاتو ټولی هڅی بدی هکله عبث او بی گټی ټا بتی شوی .

دامر یکی متحدو ایالاتو د هغو هیوادو پر ضد چی د بنیادی بدلونونو پر لاره روان دی په لوی برید لاس پوری کړی اود زور آزمو لو تاکتیک څخه کار اخلی .

کله چی دگر ینادا جمهوریت دوا شنګین دی غو ښتنی ته چی دکیوبا سره اړیکی وشلوی رد خوا بور کړ دامر یکا مطبوعا تو او د سیمي از تجاعی هیوادو په یولوی تبلیغاتی برید پیل وکړ . تردی اندازی چی دگر ینادا پر شاو خوا یی دیو محافظوی دیوال جوړولو غو ښتنه مینځ ته کړه .

په همدی وخت کی پرا خوالی حکمران ایر یک گیر دسی . آی . ای په مرسته پر گرینادا بانندی د تیسری له پاره دکیوبا د انقلابی ضد عناصرو ، دچیلی فاشیستانو او نورو اوباشو اوارذالو څخه چی په امریکا کی یی ژوند کا وه داو طلبوا جیرو دلوپه جوړو لو بیل وکړ . دا ډول هڅی دتیر کال دنوا میر په میاشت کی وشوی خود هغو کور نیو توطیو په شان چی دمور یسین پیشا پد حکومت برضد وشوی داهم دښه مر غه شنسوی شوی . دجون دمیاشتی په نو لسمه د انقلابی ضد عنا صرو له خوا یوبل جنایتکار انه او په وینو لړ لی عمل وشو .

دگر ینادا په مرکز سنت جورج کی دیوی عمومی مظا هری په وخت کی په هغه ځای کی چی مور یسین پیشا پ

اونور دولتی رهبران ولاړو ددینامیتو یوبم وچاودید ، دښه مر غه رهبرانو ته هیمخ زیان ونه رسیده مگر ځینی نور خلک مړه او ټپیان شول . مور یس پیشا پددی ترور یستی عمل ملامتیا دامر یکی پرمتحدو ایالاتو واچوله .

دوا شنګین یو اخبار لیکي چی دکا رتر اداری کینی خوا ته دجا مائیکاد حکومت دستخت بدلون په نسبت دهغه پر ضد دتضییقا تو وضع کولو کوابن کړی دی . ددی کوا بن یوه نښه داوه چی دامر یکا زرا عتی مر ستنی په دیره اندا زه کمی شوی .

دامستر دام نیوز به نامه یو اخبار دمی دمیاشتی په یوه گڼه کی لیکي چی دامر یکی دمتحدو ایالاتو دملی امنیت شورادجا ما نیکا دصدر اعظم ما نلی اود هغه دکا بیینی دپر زولو دپاره نوی پلانونه طرح کړی اود هغه هیواد دسیاسی حا لاتو د خپ پر تیاوود اقتصاد دخرابوا لی دپاره هڅی کوی .

دامر یکا متحده ایالات په ښکاره ډول دجا مائیکا دمخالف کار گسر گوند څخه چی ټولنیزو او اقتصادی اصلاحاتو سره مخالف دی ملا تپ کوی . دجا مائیکا ارتجاع چی دوا شنګین له خوا تشویق یزی هم په وړانکاره اعما لو بوخته وه . کوشرنی ارتجاع دوزنو او نورو جنا یا تو په وسیله غواړی چی په هیواد کی حالات کړ کپچن کړی او دخلکو دملی گوند په نسبت چی حکومت یی په لاس کی دی . نا باوری پیدا اوداکتوبر

دمیاشتی په انتخا با تو کی ورته ماتی ور کړی . دجون په میاشت کی امنیتی قواوو یوه کودتا کشف او شننه کړه . پدی ارتباط صدر اعظم مایکل مانلی دخلکو څخه وغو ښتل چی دجا مائیکا دقا نو نی رژیم دمسایلو دپاره سره یو مو تی شی .

انژکتی های رنگارنگ و بیهوش

داکتر وترنر فضل الرحمن (افسر)

مسمومیت با کاربن دای آکساید

مسمومیت با کاربن دای آکساید در نتیجه میل ترکیبی زیاد این گاز با هموگلوبین خون صورت میگیرد و اوقات تسمم آن در فصل سرما زیاد متصور بوده و عواقب دلخراشی را از خود بجا میگذارد. مسمومیت با این گاز اتفاقی یا قصدی می باشد که اتفاقی آن از سبب عدم توجه در امور منزل در حین سوختاندن زغال سنگ، یا نیمه روشن شدن ذغال چوب استعمال انواع اقسام گاز های مختلف جهت تنویر امور منزل، حریق ها، انفجار رات، صنایع کوره های ذوب فلزات موتور های وسایل نقلیه، سیلو ها سوخت پتروول در بخاری های نفتی و غیره می باشد.

علاوه از مسمومیت اتفاقی مسمومیت های جنایی نیز واقع می شود و غالب اوقات قاتل و مقتول هر دو با هم می میرند ولی مسمومیت به منظور خود کشی خیلی ها شایع است خصوصاً در ممالک اروپایی (فرانسه) این نوع خودکشی فوق العاده فراوان است و غالباً زن ها بدان متوسل می شوند. کاربن دای آکساید به علت احتراق ناقص زغال ایجاد شده و در اثر ترکیب شدن با هموگلوبین خون مرکب جدیدی بنا می شود که هموگلوبین به وجود می آید. کاربوکسی هموگلوبین از هوا سبکتر بوده و به سرعت منتشر می گردد.

عوارض ناشی از کاربن دای آکساید به علت خفگی یا مسمومیت به وجود می آید. مرگ در سرحد

بین خفگی یا مسمومیت در اثر اختلال تنفس نسوج رخ می دهد. بخارات ناشی از احتراق ناقص گاز طبیعی یا گاز نفت و نفت سوخت ممکن است پنج درصد کاربن دای آکساید را دارا باشد. احتراق یک بخاری در هر دقیقه به اندازه یک فوت مکعب گاز اکسیژن و کاربن ایجاد می نماید و بدین ترتیب عوای اطاقی کوچکی را در ظرف چند دقیقه الوده و خطرناک می سازد. دودی که از موتور ماشین موتور ها خارج می شود حاوی ۳-۷ درصد کاربن می باشد. یک موتور با سرعت یک میل در ساعت دو صد فوت مکعب گاز کاربن دای آکساید به هوا تحویل می دهد.

جذب و اثرات حاصله از تسمم کاربن بستگی تام به تراکم آن - مدت

تماس و چگونگی حالت فعالیت شخص دارد.

تماس با کاربن دای آکساید تا هشت ساعت در صورت تیکه تراکم آن (۰.۱) فیصد باشد کدام علائم از مسمومیت ایجاد نه می کند درصورت تیکه اندازه تراکم کاربن (۰.۵) برسد بروز علائم نظیر سردرد و کوتاه نفسی ایجاد می گردد اگر قدرت آن با این تراکم زیاد شود بیقراری افزایش تعریق در قفس صدری از دست دادن قوه قضاوت، و بنفش شدن لب ها و پوست پدیدار می گردد. در زمانیکه تراکم آن به ۱۰ فیصد برسد از دست رفتن هوشیاری، نارسایی تنفسی و در صورت تماس بیش از یک ساعت مرگ به سراغ شخص مسموم می آید.

درجه اشباع خون در این صورت از کربو کسی هموگلوبین ۶۰-۹۰ درصد است. مرحله هجوم:

در غالب اوقات این مرحله دارای علائم زیر می باشد: احساس ناراحتی توأم با گیج شدن سر، سر



غول ها و افعی های انحصارات جهان سرمایه داری غرب در حال رقابت و بلعیدن همدیگر !!!

درد شدید و صدا کردن گوش ها، کم شدن دید و شنوایی. احساس گرمای شدید یا برعکس سرمای شدید، حالت ضعف و بی حرکتی عضلات پدیدار می گردد شخص مسموم خطر را احساس می نماید (اگر خوابیده باشد سردرد و استفراغ او را بیدار می کنند) ولی قدرت اینکه خود را به پنجره و یا دروازه برساند و خود را نجات دهد ندارد.

مراحل مسمومیت را میتوان چنین خلاصه کرد.

۱- مرحله حمله یا مرحله اول: که هموگلوبین خون، کاربن دای آکساید را می گیرد.

۲- مرحله جذب متری: مرحله ایست که برای رسیدن اوچ مسمومیت بتدریج و آهسته کاربن جذب می شوند.

۳- مرحله تساوی: موقعی است که مسمومیت به سرحد رسیده و تساوی برقرار می گردد مراحل فوق بواسطه یکنوع عوامل ثانوی تغییر می نماید هر قدر غلظت کاربن زیاد شوند مسمومیت شدید تر می گردد و اگر مقدار آن کمتر شده برود، مسمومیت از بین می روند. هر قدر حرکات تنفس شدید تر باشد زودتر خفگی حاصل خواهد شد.

به طور مثال در پرتگال نقراری چون زیاد تنفس می کند زودتر خفه می شود در انسان ها اطفال خورد بعلت سرعت تنفس زودتر از بالغ ها خفه می گردد.

سن و وضع مزاجی شخص نیز رول دارد. اطفال و پیران حساس تر از دیگران هستند مبتلایان به بیماری های قلبی و عروقی - کلیوی سیفلیس - الکلیسم در مقابل این

بقیه در صفحه ۴۹

کوششهای شبانه روزی دانشمندان نتایج گرانبهایی ببار آورد که مهمترین آنها باز شدن راه مسافرت بکرات دیگر می باشد.

قدم اول درین راه با ارسال قمر مصنوعی بر کاشته شد و برای اولین بار در تاریخ، در ساعت پنج و پنج دقیقه بعد از ظهر روز ۱۴ اکتوبر ۱۹۵۷ دانشمندان شوروی اقدام به پرتاب يك قمر مصنوعی نمودند و در ساعت ۷ بعد از ظهر همان روز اجرای موفقیت آمیز آزمایش خود را، اعلام داشتند. قمر مصنوعی اول که بنام اسپوتنیک اول نامیده شد، کروی شکل و از الماژ المونیم ساخته شده.

بود در آن چهار آنتن بزرگ نصب کرده بودند. وزن اسپوتنیک اول ۸۳٫۶ کیلو و قطر آن پنجاه و هشت سانتی متر بود و در هر شصت و نه دقیقه و چهار ثانیه يك بار بر دور زمین می گشت و ارتفاع متوسط آن از سطح زمین نهصد کیلو متر بود هنوز یکماه، از پرتاب اسپوتنیک اول نگذشته بود که خبر هیجان انگیزی در سراسر جهان انتشار یافت و باز دانشمندان شوروی اعلام کردند که قمر مصنوعی دیگر را در مدار زمین قرار داده اند. این قمر که اسپوتنیک دوم نام داشت در روز سوم نوامبر ۱۹۵۷ به فضا فرستاده شد.

شکل آن استوانه ای طول آن ۱۲ متر و قطر آن يك متر و پانزده سانتی متر و وزن آن ۵۰۸٫۳ کیلو بود با این اسپوتنیک اولین موجود زنده فرستاده شد این موجود سگ ماده ای بنام (گودری یا وکا) از نژاد سگهای لایکا بود. معاشر

قربانیان آب ناپاک و حفظ الصحه ناقص

قلت آب و قصور در نظافت شخصی بروز امراضی از قبیل گرمک زدگی، تراخم و جذام باعث میشود.

گرچه اطفال شهری و روستا هر دو با این خطر رو برو هستند.

ولی این نظر و جود دارد که مهاجرین در کلبه های مردم و یار حوالی شهرها نیکه در مدت کوتاهی ساخته میشود به این

خطر بیشتر مواجه میباشند.

شاید غم انگیزترین بخش این حالت ناگوار آن باشد که اگر

حداکثر این فلاکت و رنج میتوان جلو گیری کرد و طرق موثر

تهیه آب پاک، بهتر ساختن ظروف

دور کردن کثافات، طرح خانهای ارزان قیمت، واکسین کردن

اطفال در برابر امراض و میسر ساختن زمینه تعلیم برای والدین

و اطفال نه تنها برای مردم سرزمینهای پر از نعمت معلوم است

بلکه همه آنها میدانند و لی تنها از کشورهایی که بعضی هائمانین

دارند و در پهلوی آن این ضرورت نیز وجود دارد که از مناسبت

دست داشته باید به وجه موثر و به نفع اطفال محروم استفاده

شود.

نیاز مندی به انکشاف خدمات را اعم از آب و حفظ الصحه

تغذی خوب، مسکن خوب، اقدامات بهداشتی خوب، مراقبت

از آرایش، جلوگیری از امراض ساری، آموزش خوب و آینه

استخدام کاملاً در بر میگیرد. از آنجائیکه دانستی هائیکه بتواند

وضع میلیون ها طفل را بهبود بخشد مورد ستس است از آنرواین

موضوع به جهان بستگی دارد تا اراده استفاده از آنها قبل از آنکه نسل دیگر در اثر اممال

به شکست و فنا مواجه گردد دریابند.

باشد. ازین رو باید برنامه های انکشاف ملی متضمن این اطمینان باشد که اطفال از حمایت لازم بهره می برند تا بدینصورت به تندرستی رشد کنند و سرمايه خوبی باشنده آنکه سزاوار احصای نیه حزن آور مرگ و میر.

بر اساس اطلاعیکه از سازمان صحتی جهان بخش میشود هشتماد در صدور قانع بیماری از آب ناپاک و حفظ الصحه ناقص بمیان می

آید و در هر سال در حد و دپنج ملیون طفل ازین دو علت بدامان

خاکمی شتاپند و اگر آب پاک و محیط منزله را برای آنان میسر می

ساختند رو بهمر فته همه شان ازین بلاهای عظیم درامان بودند که

این خود بر اثبات درستی اعلامیه سالهای ۱۹۸۱ - ۱۹۹۰ بحیثیت

دهه تهیه آب مشروب صحیح و حفظ الصحه بین المللی بهترین

گواه است. آب کثیف کو لرا، تیفوئید و امراض ساری جگر را موجب

دید و همچنان زمینها را برای نصب سائر اتانات مساعدمیکردند

است. که حتی میتوانند کشنده

سائر اتانات مساعدمیکردند

است. که حتی میتوانند کشنده

سائر اتانات مساعدمیکردند

است. که حتی میتوانند کشنده

سائر اتانات مساعدمیکردند

است. که حتی میتوانند کشنده

سائر اتانات مساعدمیکردند

است. که حتی میتوانند کشنده

سائر اتانات مساعدمیکردند

اطفال به مقایسه کلان سالان به مخاطر در کمین نشستند محیط بیشتر مساعدمند. آلودگی وسرایت عفونی در اغلب کشور های رو به رشد جهان ضربات سنگینی بر پیکر زندگانی جوانان حواله مینماید و ناداری و نادانی این مصیبت را برای رو یا

روئی اغلب این اطفال با این خطر دائمی در محیط شان و خیم تر میگرداند.

اطفال نیز مانند سائر مردم نیازمندی های اولیه دارند که

عبارت است از آب پاک، غذای گوارا به قدر کافی، لباس کافی

و مسکن، اقدامات بهداشتی، مداوا، خدمات تفریحی و آموزشی.

اگر برخی از این نیازمندی ها بر آورده نشود گویا خوشی

طفل نادیده پنداشته شده ولی با طرفه رفتن از مهمترین

آن زندگانی به خطر می افتد چنانکه آب ناپاک و یا محیط کثیف

از زمره خطرات عمده ازین نوع است. که حتی میتوانند کشنده

سائر اتانات مساعدمیکردند

است. که حتی میتوانند کشنده

سائر اتانات مساعدمیکردند

است. که حتی میتوانند کشنده

سائر اتانات مساعدمیکردند

است. که حتی میتوانند کشنده

سائر اتانات مساعدمیکردند

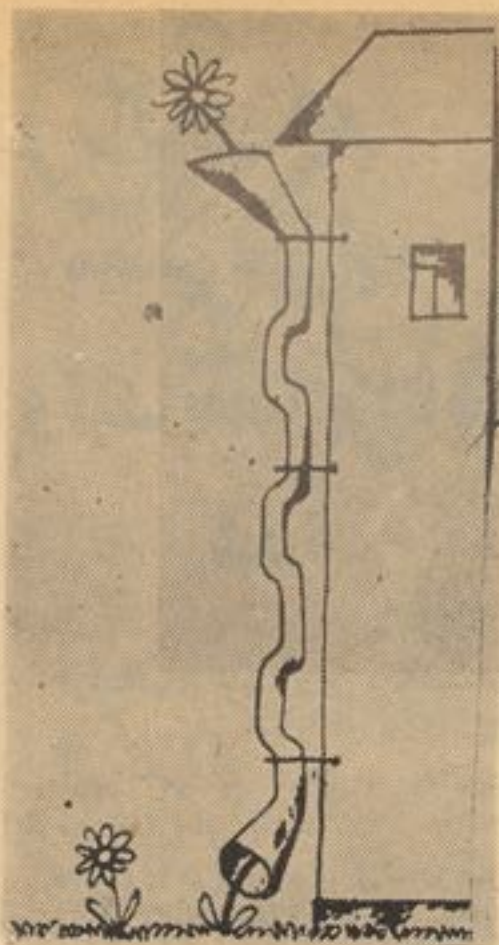
است. که حتی میتوانند کشنده

سائر اتانات مساعدمیکردند

است. که حتی میتوانند کشنده



به این عکس خوب دقت نمایید. شاید فکر کنید که انسانی با چهار دست و پا مگر اشتباه نکنید که اینطور نیست دو نفر هنرمندی هستند که بامهارت خاص هنری مشغول اجرای رقص بالت میباشند.



بدون شرح

ده دقیقه مانده به ظهر

دو دیوانه در گوشه شفاخانه
نشسته و با هم مشغول صحبت
بودند ...
یکی از آنها نگاه بیساعتش
کرد با تعجب رو به دیگری کرد
و گفت:
- بسیار عجیب است .. ساعت
رانگاه کنی ... عقربه ها ده دقیقه
نیمه شب را نشان میدهند ... در
حالی که حالا ظهر است .
دیوانه دیگری فکری کرد
و گفت:

-حتما ساعت تو دوازده ساعت
پیش می رود ... بهتر است آنرا
درست کنی.
و دیوانه اولی ساعت را
دوازده ساعت عقب آورد و با
رضایت و خوشحالی گفت حالا
درست شد ... ده دقیقه مانده
به ظهر .

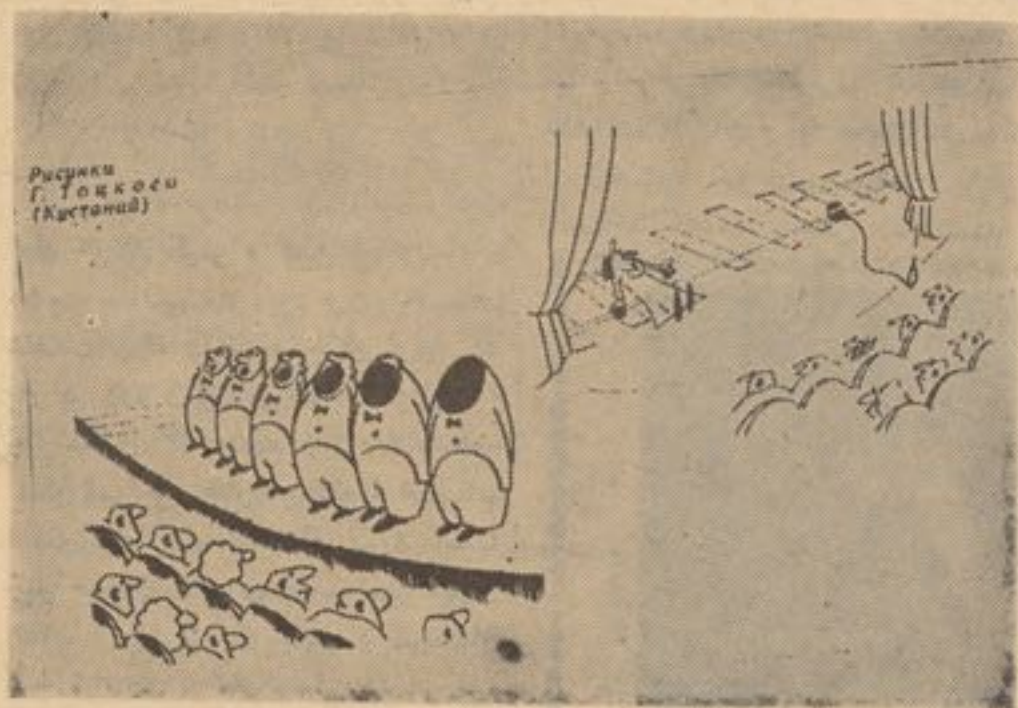


اسکا تلندی ز رنگ

در انگلستان ، به یک دختر ، ثروت هنگفتی به میراث رسیده بود
و اداره اسکا تلندی ما موریت پیدا کردن آن دختر را که نشانی
او را نمیدانست که این مژده را باو بدهد ... یک پولیسوی
اسکا تلندی ، مامور شد در لندن جستجو کند و دختر را پیدا نماید
... او رفت و دوماه بعد به اداره برگشت ... رئیس مربوط که از
این غیبت طولانی ناراحت شده بود پرسید:
- این دو ماه کجا بودی ... بگولاقلمو فوق شدی آن دختر را پیدا
کنی.

مامور اسکا تلندی جواب داد:

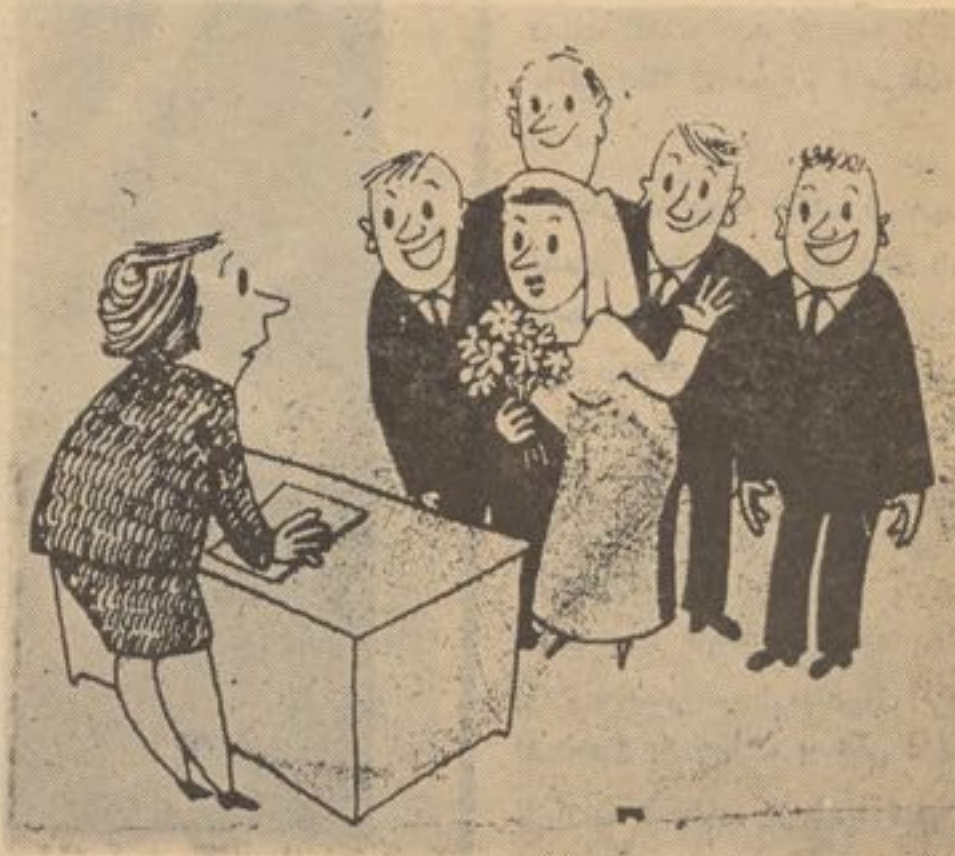
بلی رئیس صاحب .
- خوب ... کجا است ؟
- آن در یک فروشگاه کاسه میگرد
- حالا هم مشغول کار است ؟
- نی رئیس ... دیگری کار نمیکنند ...
اوه ... معذرت میخواهم ... یادم
وقتی بگویم ها که همان روز اول من او را پیدا کردم و با هم
ازدواج کردیم و در این مدت به ماه غسل رفته بودیم قربان



بدون شرح

چه نقص دارد

نازه نمایش شروع شده بود که آقا خانم نفس زنان از راه رسیدند ولی
مامور کنترل سالون نگاه بی تکتهای آنها انداخت و گفت:
- متأسفانه با این تکتها نمی توانید به سالون بروید .
- چرا عیب و نقص دارد ؟
- عیب و نقصی ندارد ، فقط از دیشب است .
مرد به طرف زنش برگشت و گفت:
- هزار دفعه برایت گفتم قدری بیشتر عجله کنی تا به موقع برسیم
و تو گوش نکردی .



در محکمه بیخشین - همه آنها خواستگارهای من است .
لطفاً کهک کنید که کی را انتخاب کنم .



بدون شرح



بدون شرح

ارسالی : محمد یوسف

احمد : من خواب دیدم که باتو
و عتیق هم سفر هستیم .
نسیم : دروغ نکو
احمد : از عتیق بپرس

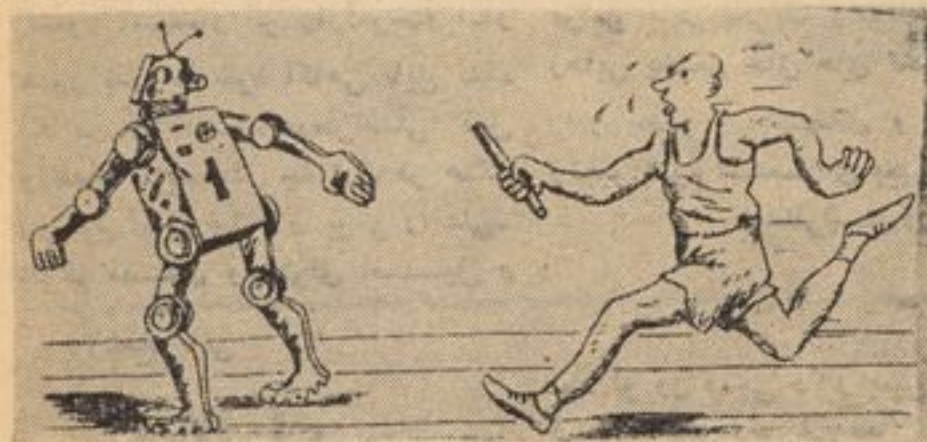
گفتگو ها

عکاس به مشتری : برادر عکاست
را چگونه بگیرم ؟
احمد : گفت مفت

اولی : می خواستم برای یست
خط بفرستیم ولی آدرس در دست
تو به نزد من نبود .
دومی : ساده است خو برای من
خط نوشته آدرس را از من می
پرسیدی .

ارسالی حمید الدین

باغبان : و بچه بالای درخت بالا
شدی چه می کنی
بچه : هیچ يك سیب به زمین
افتاده بود آنرا دوباره به درخت
می گذارم .



بدون شرح



شوهرم سگرت را ترک کرده ا ما
وقتیکه به منزل می آید دهش باز
می شود بگذار که دهش را قایم بسته
کنم تا از شرش چند ساعت آرام باشم .

آخرین حرف

عاشق دلخسته که از جفا ی
داده به تنگ آمده بود بلا خبره
نسیم آخر را گرفت و با لحن جدی
به دختر جوان گفت :

عزیزم . این آخرین حرف من
است اگر حاضر نشوی با من
ز دواج کنی با يك گلو له مغز
را باشان میکنم . دختر ك كه از
ننیدن این حرف خوشش آمده بود
خنده قشنگی کرد و گفت :

بسیار دلم میخواهد چنین
کاری را بکنی این کار جواب ندان
شکنی به پدرم خواهد بود که چون
اوفکر میکند تو اصلا مغز نداری .



بدون شرح

خبرنگار حاضر جواب

خبرنگار سراسیمه وارد اتاق مدیر خود شد و گفت :

- خاک به سر ما شد ، بدبخت شدیم !
- چی شده ، چه اتفاقی افتاده است !
- چی می خواستن شود ، قاتلی که قرار بود امروز ساعت چار بعداز
ظهر اعدام شود ، حالا تخفیف گرفت .
- خوب چه اهمیتی داره ؟
- بسیار اهمیت دارد ، ما راپورتاژ کامل اعدام وی را در صفحه
حوادث نوشته و حالا زیر چاپ است
خوب باشد . آنقدر دستیاچه نشوهر کاری چاره ای داره .
- برادر تو در صفحه اول بنویس قاتلی که قرار بود امروز اعدام شود
تخفیف گرفت و به حبس ابد محکوم شد . شرح ماجرا ی جالبی راکه
در غیر اینصورت بز سر شرمی آمد در صفحه حوادث بخوانید .



ای خدای بزرگ کاری کنی که تا وقتیکه پارچه را به پدرم میدهم که
امضا کند عینک او درست نشود .

روانشناسی

انسانی آن مورد تردید قرار داده و آنرا تحقیر مینمایند.

تحقیر هویت ملی و شخصیت بومی یکی از شیوه های اساسی و عمده رادر تاریخ استعمار کهن تشکیل می دهد که به وسیله روانشنا سسی استعماری اعمال گردیده و حاصل آن خسارات فراوان مادی و معنوی بر مردمان مستعمره گردیده است.

در واقع غول استعمار با شیوه های روانی و تکنیک های نامریسی احساس حقارت گرای و خود کوچک بینی رادر بین گروه های مستعمره رسوخ داده و توانسته است مدت ها به این مناطق حکومت نماید و طغیان و جنبش های بر حق آنها را مهار نماید و منابع عظیم مواد خام و پیداوار معدنی و غیر معدنی و قوای انسانی این مناطق را تاراج نماید.

پایه اذعان کرد که علی الرغم تلاش های زیر کانه عمال استعمار در پخش ذهنیت گرایش و تمایل توده ها به فرهنگ استعمارگر مبارزات و مجادلات وسیعی از طرف روشن فکران مستعمره در جهت آگاهی توده ها بوضع مستعمراتی و توجیه راستین اصالت و حقانیت ارزش های فرهنگی خود و تردید فرهنگ استعماری بعمل آمده است که این بیکار های فرهنگی روشنفکران خود آگاه بر علیه استعمار فرهنگی و روانشناسی استعماری یکی از عوامل مهم تحریک و جنبش های رهایی بخش خلق های تحت استعمار رادر حصول استقلال و شکستن زنجیر شوم استعماری معین میدارد.

عبدالرشید (رشید)

استعمار گرا به حیث سیما قابل توجیه ببیند بلکه مساعی به خرج دهد تا نژادورنگ پوست خود را نیز همسان انسان متمدن پورژوا می بسازد.

استعمار کهن در سر زمین های تحت انقیاد خود در قاره افریقا چو کات استعمار فرهنگی بوسیله سیاه پوست راجنین القاء میکرد که گویا رنگ پوست سیاه مظهر حقارت و نژاد پست بوده و به منظور ایجاد تعادل و هماهنگی در مناسبات اجتماعی با سفید پوستان سیاه پوست باید باشیوه های مصنوعی در تغییر رنگ پوست و صاف کردن موهای خود توجه به خرج دهد تا شایستگی معاشرت با سفید پوستان را حاصل نماید. که در اینصورت جوان سیاه پوستی که به غرض تحصیل و کار در کشور مادر بسر میرود و هنوز به رشد خود آگاهی نایل نشده است تلاش و مساعی اش در این است که خویشتن را با سفید پوستان نه تنها در اخلاق و کلتور بلکه در رنگ پوست و تصویر نژادی نیز هماهنگ سازد.

باری روانشناسی استعمار بیشتر از همه توسط متجددین و جوانان نیکه مدتی در کشور ما در بسر برده و احیانا تحصیلی فرا گرفته و زبان کشور استعمار گر را آموخته اند و هنوز بدرجه خود آگاهی نایل نشده اند در بازگشت به وطن اصلی فعل و انفعال کرده بدرجه اول فن هنک و رسوم آبابی و تمدن بومی را علی الرغم مضمون و محتوای اصیل و

د ۴۳ مخ پاتی

دکارا بین

دقوا چی دفلوریدا به نو می خای کی مر کزو نه لری دضرو رت پوخت کی دسیمی دهر خیلوا که هیواد پرشد استعما لیدای شی . دکیو با سوا حلو ته نر دی فتنه . اچوونکی او تحر یک آمیز . ما نوری بهوار وار لیدل شوی دی . دا دول مانوری او تمر ینو نه دتیرا کتوبر اودتیر کال دمی به میاشت کسی شوی .

دیاد لو و ده چی دکار بین به سیمه کی دامر یکی دبوخی فعالیتو نو سره یو خای به نر یوا له سویه مد کی کیسج زیاتوالی او ر تلمنی وهل شویده . دلته و اشنگین دخلکو پرگتو ستر گی پتوی اودقوی به وسیله غوا پی چی خیل لی زید لی او دلانه وتلی مواضع اودر یخو نه بیاتینگ کپی .

هنرمند پولندی



هنر زید (هنر تصاویر روی تیاتر) برای بار اول بو سیله «آدم کلیان» طرح ریزی شد این نمایش به گونه ایست که فقط تصاویر روی ستیز به نمایش می آید و وظیفه تمیثیل و گویایی مطالب را صرف تمیثیل ایفا میدارد. این تصاویر روی شیشه هارسامی گردیده بودند. تصاویر صحنه ها همچنان و تحریک و شور خاص ، بخاطر این هنر قشنگ و گویا در بیننده ایجاد کرد «کلیان» بعلاوه از آندسته هنرمندان است که تصاویر روی تیاتر را (بشکل موزیکال) آنری ریزی کرد . درین راه دشوار هنری «ارنست بریل» موزیسن بر آوازه پولند نیز وی را یاری رسانید . اینجا بود که «موزیکال بریل» عرض اندام نمود . بدینگونه «کلیان» تصاویر بسیار نمایش هاو صحنه های پولندی را ترسیم می کرد . با چنین ایجاد گرمی های هنری و چنین خلاصیت های چشمگیر هنری «کلیان» بطور عمیق در هنر مردم پولند راه یافت و بیقین که موفقترین هنرمند در رشته اش از همان آوان بحساب آمد . هر چند این هنر بشکل ابتدایی قیلا وجود داشت ولیکن «کلیان» سبک جدیدی رادرین راه کشود و کمال توجه را برای آوردن هنر مردمی بطور سطحی و کامل آن روی سن تیاتر تصویری ، بخرج رسانید .

بایستی تصاویر بگونه ای روی ستیز جان می گرفتند که به پای خود می ایستادند و آواز شاخه های باریک ، از جوگی هاو میز های مخصوص که خودش ساخته بود ، از جوب هابرای برج ویاماناره های تصویر شده نیز استفاده میکرد . خلاصه تصویر (کلیان) به همان تناسبیکه دلفریب و خوب مردمی تلقی گردیده ، دارای محتوای مترقی نیز میباشد . بزودی روی ستیزسیمون «یک هنرمند مردمی دیگر نیز در روی پرده تیاتر فعالیت های هنری اش را تبارز دادو با «ارنست بریل» اینبار نیز باسرودهای مردمی و شعرهای نابش در خدمت این دو فراد گرفت .

یک صحنه از تیاتر تصویری برای کودکان که به وسیله آدم کلیان کارگردانی شده .

تیاتر تصویری کودکان که «کلیان» ایجاد کرد چنان دلچسپ، متنوع و شاد آفرین برای کودکان واقع گردید که در آن بقینا زندگی کودکان انعکاس یافته بود. بدینگونه «کلیان» شامد پیروزی بدنیال پیروزی شد و سبک خاص و راه خاصی ریا یافت و آنرا گسترش بخشید تیاتر تصویری برای بزرگان و برای خردسالان تیاتر تصویری را که بیانگر زندگی پولندی ها است که در وارسا بمناسبت سی و پنجمین سالگرد خلق پولند به نمایش گذاشت و ثابت ساخت که وی در صد آنست تا همه وقت عنعنات ملی و عادات مردم کشورش را تبارز دهد و به تیاتر مردمی خویش مصدر خدمت شود . به همینگونه باپراگمی ها یکجا با هنرمندان جمهوری خلق پولند ، از پراگ مدال طلا دریافت داشت . کنون آدم کلیان یکی از عزیزترین تصاویر گران تیاتر در پولند است .

بازتاب واقعیت

که هر قدر بیشتر کار صورت بگیرد بهمان اندازه نتایج و ثمرات بهتر و خوبتر به بار می آورد .

به همین ترتیب اگر هر کدامی از گفته ها و ضرب المثل های عامیانه مردم خویش را که از میان توده ها برخاسته اند و در میان آن ها رایج گردیده اند تحلیل و بررسی نماییم بوضاحت در می یابیم که هر یک از آن ها خالی از محتوای بسیار عالی و سود مندی نبوده حکایتگر بهترین مفاهیم و معانی اند و واقعیت های بزرگی از زنده گی روز مره ما را انعکاس می دهند .

خویش را نباید بیپوده و رایگان از دست بدهیم و از آن در راه خیر و مفاد خود و جامعه و مردم خود استفاده بعمل آوریم و نگذاریم این گوهر ذیقمت از دست برود . و یاد میان مردم ما رواج دارد که میگویند: «نکو کردن از پر کردن است» اگر بدین ضرب المثل متوجه شویم می بینیم که ما را به کار و عمل بیشتر وای می دارد و می آموزد

جوانان و روابط...

گفتم : دیروز دخترتان با من در باره آینده صحبت کرد و چنین معلوم شد که او نمیخواهد با من ازدواج کند و راضی به این وصلت نیست بنا نزد شما آمدم تا ببینم نظر شما در این باره چیست ؟ آنها حرف های گفتند و صحبت های کردند که من قبلا پیشبینی نمودم بودم دیگر نخواستم که بیشتر از این مزاحمت نما یم گفتم پس اینطور که تصمیم گرفته اید من هم زیاد اسرار نمیکنم و لی این حرکت شما دور از انصاف و عدالت است این را گفتم و از منزل آنها برآمدم ، مدت سی و سه روز در آن طرف و آن طرف رفتم نمیتوانستم که خونسردی خود را حفظ نمایم . شب شد و بالاخره به خانه رفتم ، پدر و مادرم انتظار مرا می کشیدند زیرا بعضی کار های بود که باید من آن را انجام میدادم آن ها بر من قهر شدند که وقت ازدواج تو نزدیک است و تو بدون اینکه کوچکترین احساس مسئولیتی در این مورد نمایی تا این وقت شب بیرون میباشی . این حرف های پدرم بیشتر باعث نا را حتی و ازیت خاطر م میگردد ، تا اینکه از وضع ظاهرمان دانستند که موضوعی پیش شده است ، سکوت زود گذری حکمفرما شد ، پدرم این سکوت را شکستناشد و گفت : چه شده احمد ، چرا اینقدر برایشان هستی ، آیا بیمار هستی ، آیا برای مریم نامزدت کدام حادثه افتاده است ؟

جواب سوال پدرم را ندادم به گذشته های نه چندان دور که من و مریم برای پندیمان نقشه ها میکشیدیم ، فکر می کردم ، ناگهان صدای پدرم بلند شد که احمد ترا چه میشود چرا جواب نمیدی ، دیدم سکوت فایده ندارد با کلمات فشرده و بسا آواز نسبتا پست گفتم پدر ، دیگر همه چیز تمام شد ، آنها سکوت کردند از حرف هایم چیزی نماند ، سنتند ، باز هم برایشان گفتم و تمام موضوعاتیکه میان من

نقش پیامدهای...

انقلابی در افغانستان برگشتنا پذیر است در کنار زحمتکشان افغانستان و حکومت افغانستان پشتیبانی و همبستگی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و نیرو های مترقی سراسر جهان قرار دارد ، ما قاطعانه در موضع حفظ منافع امنیتی هر دو کشور قرار داریم و ما موریتانتر - ناسیونالیستی خود را در برابر مردم افغانستان و حکومت افغانستان - نستان که تو سطر فیک ببر لکار ملی رهبری میشود در عطا بقست کامل با معاهده افغانستان و منشور سازمان ملل متحد انجام خواهیم داد .

گفته فوق باصراحت نشان می دهد که اتحاد شوروی دوست وفادار جمهوری دموکراتیک افغانستان بوده و همواره در کلیه زمینه ها تا هنوز از هیچگونه کمک های دوستانه و بی شائبه در پی نکرده ، بعد از این نیز این اتحاد شوروی خواهد بود که در پیشما پیش تمام دوستان بین المللی ما و بیشتر از

همه در امر دفاع از حاکمیت ملی ، تمامیت ارضی و استقلال ملی و همچنان از دست آورد های عظیم انقلاب نور و بخصوص مرحله نوین تکاملی آن سهم قاطع و وسیع گرفته و در راه اعمار یک جامعه نوین و عادلانه در افغانستان کمکهای مختلف اقتصادی ، کلتوری ، علمی نظامی ، تخنیک و تجار تی خود را توسعه خواهد بخشید مردم مسان آزاده و حق شناس کشور ماحسق دارند به چنین دوست و همسایه نیک و بزرگ شمالی خود پس ببالند و بر آن سیاست نهند ، لیونید ایلیچ بر یژنف خود چنین فرموده اند : ((افغانستان در مبارزه بخاطر جامعه نوین در امر دفاع از دستاوردهای انقلاب خود بعد از این نیز میتواند بر پشتیبانی مردم شوروی اتکال داشته باشند .))

دوستی اتحاد شوروی با مردم افغانستان ، اکنون سوا بق مهم تاریخی داشته و در روند تکاملی انقلاب پیوسته توسعه و تعمیق می یابد . هیچگونه تبلیغات و جعلیات دشمنان جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد شوروی قادر نخواهند بود که به این دوستی خدشه وارد آورد ، اراده خلقهای هر دو کشور دیگر جو - شش شگرف و تاریخی یافته است . علی الرغم تلاشهای مذموم حانه و تقلاهای ، فاقد نتیجه دشمنان دوستی افغان - شوروی مناسبات بین احزاب مردمان و دول هر دو کشور پیش از هر وقت دیگر تقویت یافته و هنوز باب های نوینی در زمینه گشوده شده است .

مسمومیت با کاربن

مسمومیت مقاومتی ندارند . راه نجات مسمومین : هر قدر تداوی زود تر شروع شود چانس نسن بهتر شدن زیاد است .

درمان اولیه : لازم است به مجرد اشتباه به مسمومیت مریض فوری به شفاخانه انتقال داده شود یخن مریض را باز نموده و لباس های زیاد را از جان مسموم بدر آورند . مریض در جای مناسبی خوابانیده شود به شخص مسموم شده تنفس مصنوعی داده شود . از جمله درمان های کمکی : تحریک میخانیک مرکز تنفس اجرا گردد از دواهای مانند کامفر - کورا مین ادرنالین ، اپی درین ، کافین ، سپار

تین لوپولین ، نووکاین ، یا باورین و غیره ادویه ها مطابق وضع مزاجی مریض داکترها به اندازه معین آن درین مورد استعمال می کنند . نتیجه این همه گفتار این است که از ابتدا سعی و کوشش شود که وسایل که در آن ذغال روشن میشوند به صورت منظم و درست بازرسی گردد تا کدام درجه و جای که از آن دود بیرون شوند در آن نباشد و اگر خدای ناخواسته واقعه رخ داد هر چه زودتر مریض ابتدا به هوای آزاد کشیده و بعدا هر چه زود تر به شفاخانه انتقال داده شوند هر چه و یادا کتر به بالین مریض آورده شوند

عصر طلائی

یکی از متفکران احصائیوی گفته است که: «معلومات احصائیوی از یکطرف برای رهنمایی خط مشی موسسات خصوصی و دولتی و تدویر کنندگان موسسات اقتصادی، تجارنی و تولیدی بخصوص جهت استفاده روسای کشور عابث از پیشس مطلوب و دلخواه افتیده و از جانب دیگر از نظریاتی و اشتباهات، کشورهای جهان به این امر منبک شدند تا احصائیه های دقیقی از کلیه مظاهراجماعی و اقتصادی را برای ارائه و توضیح نیرو های گوناگون خویش بدسترس داشته و آنها رایبه همه مردم بنمایانند».

در سال ۱۹۳۶ «جان مینارد کینز» اقتصاد دان کتاب معروف خود را تحت عنوان (نیروی عمومی اشتغال - نفع و پول» به چاپ رسانید که استدلال وی با روش های آماری، فیصدی ها و ارائه سنجشهای رقمی محتوای اثر مولفهاش را نظم و انسجام داده است.

در سال ۱۹۴۸ (پی ساموئلسن) استاد انستیتوت تکنالوژی ما سا جوست (که جایزه نوبل ۱۹۷۱ در رشته اقتصاد به او داده شد) محصول افکار و اندیشه های زرفش را بنام «اساس تجزیه و تحلیل اقتصادی» و سپس چاپ اول کتاب معروف خود (اقتصاد) را در دو جلد منتشر کرد و احصائیه و آمار را اساس پلانگذاریهای علمی و جزو لاینجزای مباحث علم اقتصاد خوانده «عمد آتوقست «ساموون کوزنتز» نخستین نتایج تحقیقات علمی خود را که اساس حسابداری های ملی شد، عرضه داشت.

در سال ۱۹۵۳ (میلتن فرید من) یک سلسله مقالات تحقیقی بی رادد باره (اقتصاد مثبت) منتشر کرد و با کار برد معادلات ریاضی و آمار، مسایل اقتصادی را بنحو مطلوبی تحلیل کرد و اعداد و آمار را بحیث نقطه اتکایی تحلیل و تجزیه مباحث خویش قرار داد.

جان هیکس در سال ۱۹۷۳ و قبل از آن کتاب های تازه را در زمینه ارتباط تکامل بنیاد های صنعتی کشور های پیشرفته و پدیده های انتقال و سرایت بیکاری و تورم به همه نقاط جهان نوشته است که مندرجات آن بر اصول آمار وارقام مستند و اساسی تجزیه و تحلیل علمی، بیشتر متکی می باشد چنانچه آخرین کتاب او تحت عنوان «سرمایه و زمان» در سال ۱۹۷۳ به چاپ رسید.

بدین ترتیب میبینیم که در فبال فزونی و انتشار پیهم کتب و نشرات آماری به مرور زمان موسسات ملی، دولتی و بین المللی

احصائیوی بحیث دستگاه های فعال علمی و تحقیقی تاسیس گردید و آثار علمی احصائیوی و نشرات تحقیقی آماری، مجلات، سالنامه ها پاملتیا و انواع اوراق معلوما تی، یکی یکی دیگر در رشته های مختلف خدمات نشراتی خود را از سر گرفتند.

بعدها جنگ عمومی اول و دوم که نشرات جامعه ملل سابق بحیث ارگان بین المللی طور منسجمتر و بهتری بدسترس اهل تحقیق و عواخواهان دانش و بصیرت گذارده شد. توسط آن خواست های محققان و مستببان و اهل بیئت با ارائه مواد و محتوای ارزنده و نمر بخش بوجه نیکیی تامین و مرفسوع گردید.

بعقیده محققان آماری، جنگ بین المللی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵) ارزش اطلاعات احصائیوی و معلومات آماری را بیش از آنچه که تصور می شد فزونتس ساخت و در خلال این نبرد جهانیسوز و با پایان روز های مشوم آن، نشرات احصائیوی بشکل روز افزون آن بیشتر تعمیم یافت. چنانچه بعد از سال ۱۹۴۷ انواع فعالیت های اقتصادی و احصائیوی و تهیه نشرات آماری در راه معرفی روشهای مختلف احصائیوی و تفهیم مفاهیم علمی و اصلی آن نقش مؤثر تری را بازی کرد.

و تهیه انواع ارقام آماری در بخش های مختلف حیا تی تا کید مورد بد بطور یکه موسسه ملل متحد، بدوام فعالیت های جامعه ملل سابق، در حصه جمع آوری احصائیه ها طبع و نشر آثار، کتب و نشرات موقوت و غیر موقوت اقتصادی و احصائیوی بیشتر

انعطاف توجه و بذل مساعی کرد و با تقدیم آثار گوناگون وارزشمند اقتصادی و احصائیوی اطلاعات موق، جامع و کاملی را مینا و منتشر ساخت.

بطور مثال: اداره نشرات ملل متحد در ۱۹۷۶ یک فهرست موق انواع نشرات موقوت و غیر موقوت آن سازمان را که محتوای (۴۶) صفحه می باشد با برخی مشخصات و قیمت های آن غرض معلومات منابع علمی، مراجع تحقیقی و سایر علاقمندان با کتگوری های آن به نشر رسانیده است، نشرات مذکور یسا مستقیما از طریق اداره نشرات ملل متحد واقع نیویارک، شعبه اختصاصی آن واقع جینوا (سوئیس) ویا از طرف نمایندگی های اختصاصی و تحقیکی موسسه مذکور به نشر میرسد که محتوای آن از هر نگاه قابل استفاده معنوی می باشد.

محتوای نشرات آماری ایکه فعلا از طرف موسسه ملل متحد و ارگانهای آن به صورت موقوت و غیر موقوت انتشار می یابد در باره مسایل و موضوعات ذیل متکی می باشد:

موضوعات عمومی، اقتصادی، انکشاف اقتصادی اقتصاد جهانی - مالیه، تجارت و سایر امور تجاری - اقتصاد اروپا، آسیا، افریقا و امریکای لاتین - اداره عامه - مسایل اجتماعی - حقوق بین الدول - امور سیاسی و شورای امنیت - مواصلات و مخابرات - نیروی انمی - اداره بین المللی - ادویه مخدر - دیمو گرافی و نفوس حقوق بشر - مسایل مالیه عامه - احصائیه های بین المللی و غیره کلیه نشریه های مذکوره ارقام احصائیه ها، جداول، گرافها و جارت

در آن ردیف به ملاحظه میرسد، تا جایکتسه تدقیق شده است این نشرات بر علاوه راپور های مطالعاتی بولتن ها، مجلات ماهانه، دو ماهه سالانه ها و کتب مولفه را تساهل است که برای جمع آوری مواد و تنظیم محتوای هر کدام کمیته ها و کمیسیونهای متجرب و متبحر و وارد موضوع کار می کنند و عصاره های حاصله کار شانرا بشکل علمی و فنی به منصفه طبع و نشر قرار میدهند. در جمله نشرات موقوت اداره نشریات ملل متحد بحیث دست آورد منظم و مسلسل، نشریه های آتی بیشتر قابل توجه و مورد استفاده قرار دارد و در فهرست مرتبه و مدونه جای مخصوصی را احراز کرده است.

مسابقات فوتبال

با ارزش ترین مدال خدمات اجتماعی - می رادر برابر مردمان کشورش اتحاد شوروی که بنا م مدال لنین یاد میگردد نیز تصیب شده است این دو زن و شوهر قهرمان و محبوب ورزش دوستان اروپا و جهان مخصوصا مردمان اتحاد شوروی باختم مسابقات سکی روی یخ ۱۹۸۰ با جهان ورزش نیز وداع نمودند.

ایرینا رودنینا در جواب پرسش یکی از خبرنگاران را جمع به خوش ترین لحظات عمر اش گفت در دوران حیات ورزشی خود

شد که سر انجام این رقابت های جهانی روز شنبه بود. که در نتیجه نهایی چهره های قهرمان نمایشات جوهره بی انفرادی دختران و پسران معرفی شدند در ختم مسابقات نهایی همان بود (ایرینا رود نینا و الکساندر زایدیف) زوج خوشبخت این ورزش جهان که آنها از شهرت و محبوبیت زیاد در اتحاد شوروی و جهان بر خوردار هستند بعد از کسب آخرین افتخار قهرمانی شان با جهان ورزش سکی روی یخ وداع کردند. ایرینا رود نینا

خانم الکساندر زایدیف ده بار لقب قهرمانی را در بین ورزش داشت و علاوه بر داشته های عظیم

خاطرات بیشمار از خوشی و مسرت دارم که با ارزش تر یسین خوشی ام زمانی میبود که بیرق ما با سرود ملی اتحاد شوروی در بان مسابقه تیکه پرند اول میشدم به اهتزاز درمی آمد میبا شد. باور کنید که از خوشی زیا دگاه گاهسی گیریه ام می گرفت.

پنگ یا تک بازان افغانی به اساس قرار داد کلتوری افغان و شوروی برای انجام یکسلسله مسابقات دو ستانه ام زم یکی از جمهوریت های آنکشور شدند هیات مدت دو هفته اقامت داشته طی این مدت یکسلسله مسابقات دو ستانه را با ورزشکاران اتحاد شوروی انجام دادند.

درین هیات ورزشی افغانی چهار دختر پنگ بانگ بازو چهار جوان عضویت داشتند.

آی خانم...

شمالی سیردریا یابه اصطلاح «ترانسور اوکسیانا» بودند و عده ای اهالی بومی با ختر، زیرا بعضی ساختمانهای اضافی ایکه شباهت با ساختمانهای او ای و قدیمی آی خانم ندارد، ابتدای بوده و مجرد بردن هنر معماری و کلتوری اولیه این مردمان را نشان میدهد.

قاب بسیار معروف نقره‌یی که روی آن توسط طلا ملمع شده و شکن تقریباً دایروی راداشته و فکر میشود که در بین یکی از اثار قبای اشخاص متمول و متنفذ شهر و در عین حال وابسته به معتقدات طریقه های یونانی بوده و در دیوار این قاب آویزان میشد. وقتی در محتویات این قاب بررسی شد دقیقاً نظراندازی نماییم خوا هم دید که صحنه راهزنی مندر با ختر، طوری نقش این قاب نمود که نمایشگر معتقدات و کلتور قدیم با ختر بوده و هنر مند صورت زبالتنوع رادر حالت سوار با لای گادی که توسط دو شیر کشا نیده میشود نمایش داده از باب النوع دیگری مانند سوریا هلیوس و ما (مهباب) که در واقع شکل نیمه تنه انسان را دارد و اطراف آن اشعه آفتاب می باشد، بخوبی ملاحظه میشود این رب النوع در واقعیت امر برای مراسم قربانی بطرف قربا نگاه می رود گادی دوشیر روی سنگلاخ های که نمایندگی از صخره ها و کوکوپاره های آی خانم مینماید تمثیل گردیده است. همچنان مجسمه سنگی که از جنمای زیوم شهر باستانی آی خانم بدست آمده است از نظر ظواهر هنری و وقتی مطالعه میشود ما را یادای بر همان فیلسوفان و صاحب نظران قدیم یونان می اندازد که با یالان کاملاً عالمانه و انسان متفکر و فلسفی می بوده و در اکثر از ساحات مکشوفه یونان چنین مجسمه های بدست آمده است. در آی خانم این مجسمه به افتخار هر میز توسط هنر مند محل ساخته شده و در قطار سایر مجسمه های مانند هراکلس، ایروس و غیره را در چمنناز یوم آی خانم باز نمود، است. بازی های که در چمنناز یوم آی خانم صورت میگرفته شکل بازی های عنعنوی قدیم یونان و یونانوس با ختر راداشته و ساختمانها طوری تنظیم

شده است که بعد از ختم بازی مسا برای از بین بردن کلیه خستگی های وجود و زشکاران در این چمنناز یوم حوض آبی ساخته شده بود که فرش یا بستر آن توسط سنگس دریا بی بصورت منظم و غیر منظم سنگ کاری شده و از ابتدای آنها یعنی عمیق ترین قسمت این حوض آبیازی که بجا لت نورمال و طبیعی آن ساخته شده بود چنین سنگ کاری به نظر میرسد. و میتوان گفت که چون سطح اراضی شهر آی خانم به ارتفاع بیش از چهل الی هشتاد متر حد متوسط از دریا یوم و کوکوپه

بلند است و نمیتوان از سمت چپ روی اراضی را از دریا های مذکور آبیاری کرد لابد از سمت شمال شرقی کم عرض آب داخل این حوض و سایر قسمت ها بخصوص توسط بلورهای تیکری داخل قصر میشد. چنانچه میتوان گفت که نظیر این بلورها را تا کنون سفالی گران برای چنین مواردی به حیث صنعت میراث رسیده استفا ده میکنند، همچنان قسمیکه قبلاً گفتیم آی خانم در واقع شهر اشرا فو اعیان یونانیان با ختریان بشمار میرفت. روی هم رفته اهالی و طبقات پایین

جامعه روی سیستم طبقا تی و بشیوه های مرو ج آن زمان خارج از شهر با فاصله های مختلف مسکن گزین بودند چنانچه در نواحی این شهر بتعداد بیش از صد تپه های باستانی تحت سروی و مطالعه قرار گرفت که در آن علایم و ممیزات ساختمانی دوره یونانوس با ختری کشف گردید و البته در دور ترین نقاط حتی ناقصتهای دراپا سکا یا کندز که در واقع محل دومی بود و با ش یونانیان بشمول ساحات بلخ کنونی بود، چنین سیستم را میتوان ملاحظه کرد. ادامه دارد.

خوشحال او...

دخو شحال او پوشکین تر مینخ دژوندانه او ادب په دگر کی دیره ورته والی شته چی دشعر او ادب به برخه کی داسی گه و جو هسات لری چی جلاکول یی گران بر پینی اودشکنیا تو له بیلوا لی سره سره دیوه هدف دبری له پاره هلی خلی کوی. ددی خبری دثبوت له پاره دخو شحال او پوشکین دشعر و نو یو خپر کی و پاندی کوی.

خوشحال لیکلی دی :
 وخت داور نک شاه دی د هر چاتسپی په لاس دی
 خدای خینی خبر دی په اخلاص که به لبا س دی
 ددی دور شیخان دیر دی لور په لور
 اور نک زیب پاچا دوا پرو دی انخور
 په هغی چاره قلم ساز کا قر آن کسی
 په هغی چاره شهر ک پری کادورور
 په رکوع کی تسبیحات د پلار د مرگ کا
 په سجد کی زوروی خپله مشره خور
 پوشکین هم لیکلی دی :
 نیم سر دار نیم سوداگر
 نیم رز یسل او نیم بشر
 از یلتوب ته یی امید دی
 چی پوره به شی اختر

وگوری چی په پور تنی خپر کی دخوشحال او پوشکین تر مینخ دومره نین دی و لای اوور ته والی شته چی ته به وایی دا دیوه شاعر آناردی خوتو- پیر به دی کی دی چی د مطلب د بیا نو لو دشکل په جلا والی سره سره یی هدف او محتوی بودی.

خوشحال او پوشکین دژوندانه ترپا په پوری په خپل هوپا تی شول او خپله ژمنه یی لکه خنکه چی کړی وه تر سره کړله اود مرگی تر کومی پوری یی د خپلو سپیخو هد فو نو بریالیتوب اود بند یزو نو دله مینخه وپلو له پاره پر له پسې او زړوری مبارزی وکړی نو خنکه درا تلو نکو- نسلونو ددر ناوی احترام وپ وگرخیدل. هغه توره چی یی تر ملاکړی وه هینکله یی ددینمن په وپا نسدی کی نشود له او خپل داهود:

دافغان په ننگ می و تر له توره ننگیالی دزما نی خو شحال ختکیم یی تر می پینی پوری ژوندی وساته او خپل ستر از مان یی له خا نه سره یو خای تورو خاورو ته یو وپا وپه ۱۶۸۶ع کال د فبر وری په شلمه یی د پردیسی په حال کی سترگی پتسی کړی.

پوشکین هم د خپل هو پوره کولو له پاره تر مرگی پوری به میرا نه مخ په وپاندی لار اود خپل سرغی انداو یاغی تکل په نتیجه کی دیوی خاینا نه دسیسی له کبله «دانس» په لاس په ۱۸۲۷ کال ووژل شو.

اثرات خشونت

حالت اعتیاد در نهادش بوجود میاید . بطوریکه از یک سو بکلی واهمه نابود میشود و از سوی دیگر لت و تشبیه امری عادی تلقی میگردد . در نتیجه چنین کودکی هیچگاه دیگر از ارتکاب اعمال نادرست روی نمیگرداند و از انجام کردار ناشایست خود داری نیهورزد زیرا بیمی از مجازات شدن ندارد این چنین کودکی بدون شک از گناه کاران آینده است .

پدران و مادرانیکه در اطراف زندگی کودکان خود معلومات لازم راندارند و با پرخاشگری و رفتارهای تندوتیز و ناهنجار خود آنها را مورد لت و کوب آزار قرار میدهند یا بزرگ مشت و لگد و سلی می کشانند غافلند که فرزندان کاملاً غر عادی با اجتماع تحویل میدهند و در نتیجه باعث میشوند . که صدمه رساندن به افراد و ارتکاب اعمال ضد اجتماعی و آسیب زدن به بیکر اجتماع در نظر این قربانیان امر عادی جلوه می شود . یکی از روانشناسان مینویسند که هرگاه یکی از والدین سختگیر و تند خو باشد هیچگاه آرامش و نظم در کانون خانواده بوجود نخواهد آمد .

این سختگیری و تندی که بوجود آورنده یک حالت غیر عادی در محیط خانواده است بعد هادر اجتماع آفریننده اشتباهات و حتی جرمهای تکراری خواهد بود .

مدیر مسوول : راحله راسخ خرمی
 معاون : محمد زمان نیکرای
 آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده
 آدرس : انصاری واپس جوار ریاست
 مطابع دولتی - کابل
 تلیفون مدیر مسوول : ۲۶۸۴۹
 تلیفون ارتباطی دفتر : ۲۱
 تلیفون توزیع و شکایات ۲۶۸۵۹

دولتی مطبعه



زیباروی از سرزمین اتحاد جماهیر شوروی

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**